بسم الله الرّحمن الرّحیم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

فارسی می‌نویسم

دوم دبستان

۲۰۴۱

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب: فارسی می‌نویسم (اجرای آزمایشی)ـ دوم دبستان ـ ۲۰۴۱
پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه‌ی نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:
شورای برنامه‌ریزی درسی، راهبری و نظارت بر تولید بسته‌های تربیت و یادگیری دوره ی اوّل ابتدایی:
علی لطیفی، سید مهدی باقریان، لطیف عیوضی، فاطمه رمضانی، نبی‌الله صادقیان، حسن حذرخانی، عبّاس حضرتی و معصومه فرهوش
شورای تدوین راهنمای تفصیلی فارسی دوره‌ی اوّل ابتدایی: ملاحت نجفی، محمّد حسین نجفی، بهزاد بهمنی مطلق، حسین قاسم پور مقدم و فریدون اکبری شلدره
گروه تولید بسته های تربیت و یادگیری فارسی می نویسم پایه‌ی دوم ابتدایی:
ملاحت نجفی، حسین قاسم پور مقدم، محمّدرضا سنگری، فریدون اکبری شلدره، شهین نعمت‌زاده، فاطمه مرادی، نهال واعظ و بهنام علوی‌مقدم
ملاحت نجفی (مدیر ارشد)
ملاحت نجفی، محمّدحسین نجفی، مهدی ضرغامیان، مهناز عسگری، محسن ذکا اسدی، بهزاد بهمنی مطلق و سیداکبر میرجعفری (اعضای گروه تألیف)

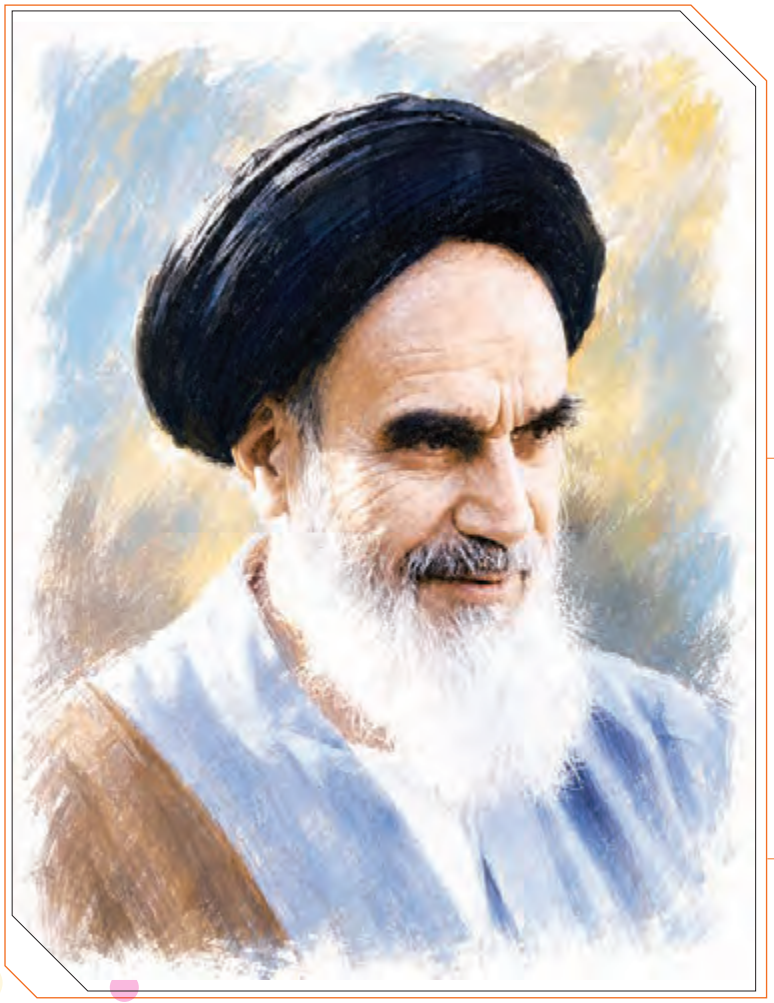
مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ)ـ مجید ذاکری یونسی (مدیر ارشد هنری)ـ مجید کاظمی (مدیرهنری و طرّاح گرافیک)ـ محمّدعلی عدیلی (صفحه آرا)ـ محمّدرضا دوست محمّدی (طرّاح جلد)ـ مهناز سلیمان‌نژاد، مرضیه صادقی، محمّدحسین توکلی، نیلوفر برومند، عاطفه شفیعی‌راد، الهه محمّدی، علیرضا خرّمی، مجید کاظمی، محمّدعلی عدیلی، پریسا کرمی، غزاله صرافیان و رسول آمالی (تصویرگران)ـ کامران انصاری (طراح خط رایانه‌ای)ـ مهدیه جبّارپور، فاطمه باقری مهر، الهام جعفرآبادی، حسین چراغی و سیما لطفی (امور آماده سازی)

نشانی سازمان: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
ناشر: شرکت افست: تهران، کیلومتر ۴ جاده‌ی آبعلی، پلاک ۸، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳، دورنگار: ۷۷۳۳۹۰۹۷، صندوق پستی: ۴۹۷۹ـ۱۱۱۵۵
چاپخانه: شرکت افست «سهامی عام» (www.offset.ir)
سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اوّل ۱۴۰۵

برای دریافت فایل pdf کتاب‌های درسی به پایگاه کتاب‌های درسی به نشانی www.chap.sch.ir و برای خرید کتاب‌های درسی به سامانه‌ی فروش و توزیع مواد آموزشی به نشانی www.irtextbook.ir یا www.irtextbook.com مراجعه کنید.

کلیه‌ی حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقّاشی، تهیه‌ی فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

شابک ۲-۳۸۸۵-۰۵-۹۶۴-۹۷۸
978 - 964 - 05 - 3885 - 2



امامِ مهربان

فهرست


درس ۷۸ پنجم
درس ۶۲ چهارم
درس ۴۶ سوم
درس ۹۴ ششم
درس ۳۲ دوم
درس ۱۸ اوّل
۱۰ یک دو سه حرکت
شروع


درس
۱۱۰
هفتم
درس
۱۲۶
هشتم
درس
۱۴۰
نهم
درس
۱۵۴
دهم
درس
۱۶۸
یازدهم

مقدّمه

پروردگار مهربان را سپاس می‌گوییم که به ما توفیق داد تا با تکیه بر مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و توجّه به برنامه‌ی درسی ملّی، به تولید برنامه‌ی تفصیلی دوره‌ی اوّل ابتدایی بپردازیم و در این مسیر، کار تولید، سازماندهی و طرّاحی محتوای کتاب‌های درسی و دیگر اجزای بسته‌ی آموزش فارسی در پایه‌ی دوم را به پایان برسانیم.

برنامه‌ی زبان‌آموزی دوره‌ی دبستان و به طور خاص کتاب «فارسی می‌نویسم» پایه‌ی دوم بر بنیاد یافته‌ها و دانش کارشناسان و تجربه‌های علمی و آموزشی همکاران و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت نگاشته شده است.

برای تسهیل فرایند تربیت و یادگیری و بهبود آموزش و بهره وری بهتر، توجّه همکاران ارجمند را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

- نوشتن، فراتر از یک مهارت ساده، یکی از ارکان بنیادین سواد و از جلوه‌های عالی توانایی‌های ذهنی انسان است. نوشتن، تنها وسیله‌ای برای ثبت اطّلاعات یا انتقال پیام نیست. انسان از طریق نوشتن می‌تواند تجربه‌ها و مشاهده‌های خود را به زبان درآورد؛ افکارش را سامان دهد؛ معنا بسازد و آنچه را می‌اندیشد، با دیگران در میان بگذارد. از این رو آموزشِ نوشتن یکی از وظایف مهمّ نظام آموزشی است.

- نوشتن در عین حال فرایندی پیچیده است که مجموعه‌ای از توانایی‌ها را درگیر می‌کند: شناخت خط و املای فارسی، به‌کارگیری واژه‌ها و ساخت‌های نحوی، رعایت نشانه‌های سجاوندی، ایده‌پردازی، سازمان‌دهی مطالب و بازبینی آنچه نوشته شده است. آموزش این مهارت‌هایِ پایه، ضروری است، امّا هیچ‌یک به‌تنهایی، خودِ «نوشتن» نیست. کودک باید بیاموزد این توانایی‌ها را در فرایندی به کار گیرد که از تجربه و اندیشه آغاز می‌شود و به تولید معنا می‌انجامد.

  با این حال، در بسیاری از فعّالیت‌های رایج، آموزش نوشتن به تکرار و رونویسی فروکاسته می‌شود. کودک بارها واژه یا جمله‌ای را می‌نویسد، بی‌آن‌که لزوماً بداند چرا آن را می‌نویسد یا چه ارتباطی میان آنچه می‌نویسد و آنچه می‌اندیشد وجود دارد. مسئله، خودِ رونویسی یا تمرین‌های تکراری نیست؛ این تمرین‌ها می‌توانند برای تثبیت برخی مهارت‌های پایه، مفید باشند. مسئله زمانی پدید می‌آید که تمرین نوشتن به همین فعّالیت‌ها محدود شود و نوشتن، به جای آن‌که فعّالیتی زبانی و معنادار باشد، صرفاً به تمرین دست و چشم‌ها (مشق و رونویسی) تبدیل شود.

- نوشتن فرایندی شناختی است. هنگامی که کودک می‌نویسد، باید تجربه و اندیشه‌ی خود را به عناصر زبانی تبدیل کند، واژه‌های مناسب را بیابد و میان آن‌ها رابطه برقرار کند و آنچه را در ذهن دارد، در قالبی نوشتاری سامان دهد. به این معنا، نوشتن فقط انتقال فکر روی کاغذ نیست؛ خود می‌تواند به سامان‌دهی، روشن شدن و اصلاح فکر کمک کند. از همین رو نوشتن، نقطه‌ی تلاقی زبان، توجّه، حافظه و تفکّر است.

  «فارسی می‌نویسم» در پایه‌ی دوم با تکیه بر همین نگاه طرّاحی شده است. هدف کتاب، تنها تمرین خط، رونویسی، تثبیت املای واژه‌ها یا نوشتن جمله‌های درست نیست؛ بلکه می‌کوشد دانش‌آموز را با فرایند نوشتن آشنا کند و به او کمک کند از زبان برای دیدن، اندیشیدن، سامان دادن تجربه و تولید معنا استفاده کند. در این رویکرد، مهارت‌های پایه‌ی نوشتن حذف نمی‌شوند، بلکه در خدمت فعّالیتی معنادار قرار می‌گیرند.

(۱)

دانش‌آموز در این مسیر، نخست می‌آموزد آنچه را می‌بیند، تجربه کند یا آنچه را در ذهن دارد، به زبان درآورد. او باید بتواند میان مشاهده و واژه، میان واژه و معنا و میان معناهای مختلف رابطه برقرار کند. از این رو، سخن گفتن، نوشتن و توانایی‌های دیداری ـ زبانی، نه فعّالیت‌هایی جدا از یکدیگر، بلکه صورت‌های مختلف تولید و انتقال معنا می‌شوند. بنابراین یکی از اهداف کتاب، پرورش توانایی‌های تولیدی زبان و کمک به دانش‌آموز برای استفاده‌ی فعّال از زبان است.

(۲)

استفاده‌ی فعّال از زبان به این معنا نیست که دانش‌آموز فقط واژه‌ها و جمله‌های بیشتری تولید کند. او به‌تدریج باید نسبت به خودِ زبان نیز حسّاس شود: تفاوت میان واژه‌ها را دریابد؛ به انتخاب واژه و ساخت جمله توجّه کند؛ مناسب بودن یک تعبیر را برای موقعیت‌های مختلف تشخیص دهد و متوجّه شود که تغییر یک واژه یا شیوه‌ی بیان چگونه می‌تواند معنا را تغییر دهد. این شمّ زبانی و آگاهی فرازبانی به کودک کمک می‌کند زبان را نه فقط به کار ببرد، بلکه درباره‌ی آن نیز بیندیشد.

(۳)

زبان همچنین وسیله‌ای برای سازمان دادن تجربه است. کودک، جهان پیرامون خود را به صورت مجموعه‌ای از اشیا، رویدادها و تجربه‌های پراکنده دریافت می‌کند و زبان به او کمک می‌کند میان آن‌ها رابطه برقرار کند. هنگامی که چیزی را نام‌گذاری می‌کند، ویژگی‌هایش را بیان می‌کند، آن را با چیز دیگری مقایسه می‌کند یا در گروهی قرار می‌دهد، در واقع تجربه‌ی خود را بازنمایی و مقوله‌بندی می‌کند. از این منظر، آموزش زبان تنها آموزش واژه و جمله نیست؛ فرصتی برای پرورش نوعی منطق زبانی و سامان‌دهی اندیشه نیز هست.

(۴)

به همین دلیل، بخشی از فعّالیت‌های کتاب بر مشاهده و دقّت، متمرکز است. برای این‌که دانش‌آموز بتواند چیزی را دقیق توصیف کند، باید آن را دقیق ببیند. برای یافتن تفاوت‌ها، باید ویژگی‌ها را تشخیص دهد و برای دسته‌بندی باید شباهت‌ها و تفاوت‌های میان چیزها را دریابد. زبان در این‌جا نتیجه‌ی مشاهده نیست، بلکه به دقیق‌تر شدن مشاهده نیز کمک می‌کند. دانش‌آموز می‌آموزد ببیند، مقایسه کند، ویژگی بیابد، دسته‌بندی کند و سپس دریافت خود را به زبان بیاورد.

(۵)

در این فرایند، زبان نباید از زندگی واقعی کودک جدا باشد. هرچه دانش‌آموز به محیط اجتماعی و طبیعی خود توجّه بیشتری کند، فرصت بیشتری برای استفاده‌ی واقعی از زبان خواهد داشت. خانه، مدرسه، بازی، دوستان، طبیعت، اشیا و رویدادهای روزمره می‌توانند موضوع مشاهده، گفت‌وگو، توصیف و نوشتن قرار گیرند. هدف آن است که زبان برای کودک، محدود به کتاب درسی و کلاس فارسی نباشد، بلکه به ابزاری برای بازنمایی تجربه‌ها و دانسته‌های خودش تبدیل شود.

(۶)

سرانجام، زبان فقط برای بازنمایی جهان موجود به کار نمی‌رود؛ با زبان می‌توان چیزهایی را تصوّر کرد که هنوز وجود ندارند. دانش‌آموز می‌تواند درباره‌ی امکان‌های مختلف بیندیشد؛ از زاویه‌ای دیگر به یک رویداد نگاه کند؛ میان چیزهای نامرتبط، رابطه برقرار کند و تجربه یا اندیشه‌ای را به شیوه‌ای تازه بیان کند. از این رو، پرورش تخیل و خلّاقیت نیز بخشی از آموزش نوشتن است. نوشتن به کودک امکان می‌دهد هم جهان پیرامون خود را بهتر بشناسد و هم جهان‌های تازه‌ای را در ذهن خود بسازد.

بر این اساس، اهداف «فارسی می‌نویسم» در پایه‌ی دوم را می‌توان در شش محور به هم پیوسته خلاصه کرد:

محور نخست: پرورش توانایی‌های تولیدی زبان؛

محور دوم: تقویت شمّ زبانی و آگاهی فرازبانی؛

محور سوم: پرورش منطق زبانی از راه بازنمایی و مقوله‌بندی؛

محور چهارم: تقویت دقّت و مشاهده؛

محور پنجم: پیوند زبان با محیط اجتماعی و طبیعی کودک؛

محور ششم: پرورش تخیّل و خلّاقیت.

این اهداف از یکدیگر جدا نیستند. دانش‌آموز در فرایند نوشتن، هم‌زمان می‌آموزد تجربه و مشاهده‌ی خود را به زبان درآورد، به خودِ زبان حسّاس شود، به آن‌چه می‌بیند و می‌اندیشد سامان دهد و سرانجام از زبان برای شناخت، ارتباط و آفرینش استفاده کند.

از همین رو، تمرین‌های این کتاب صرفاً مجموعه‌ای از فعّالیت‌های نوشتاری نیستند. هر تمرین فرصتی است برای آن‌که دانش‌آموز کاری با زبان انجام دهد: چیزی را ببیند و توصیف کند؛ تفاوتی را پیدا کند؛ چیزی را دسته‌بندی کند؛ واژه‌ای مناسب بیابد، درباره‌ی زبان فکر کند، تجربه‌ای را بازگو کند؛ ایده‌ای را گسترش دهد یا اندیشه‌ای را به متن تبدیل کند. حتی در فعّالیت‌های رونویسی، هدف تنها ترسیم حروف و واژه‌ها نیست؛ کودک باید متن را ببیند، ساختار و معنای آن را دریابد و آن را به صورت نوشتاری بازآفرینی کند. بدین ترتیب، مهارت‌های پایه نیز در دل یک فعّالیت هدفمند و معنادار تمرین می‌شوند.

«فارسی می‌نویسم» می‌کوشد آموزش نوشتن را از تمرین صرفِ نوشتن فراتر ببرد: دانش‌آموز نه فقط برای درست نوشتن، بلکه برای دقیق‌تر دیدن، بهتر اندیشیدن، سازمان دادن تجربه و معنا ساختن می‌نویسد. چنین نگاهی می‌تواند نوشتن را از فعّالیتی صرفاً مدرسه‌ای به مهارتی تبدیل کند که کودک در سراسر زندگی خود برای شناخت، ارتباط و بیان خویشتن از آن بهره می‌گیرد.

نکات مهم:

- پسندیده است فعّالیت‌های کتاب «فارسی می‌نویسم» در کلاس انجام شود تا آموزگار نقاط مثبت و ایرادات دانش‌آموزان را متذکّر شود و یاریگر آن‌ها در یادگیری بهتر باشد، امّا گاهی با توجّه به زمان آموزش، شرایط کلاس، تعداد دانش‌آموزان و... فرصت انجام تمام فعّالیت‌ها در کلاس وجود ندارد. در این مواقع آموزگار می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد فعّالیت‌هایی را که با نمادک آمده‌اند، در خانه انجام دهند. این فعّالیت‌ها معمولاً زمان‌بر و برای تثبیت بیشتر یادگیری هستند. پس از انجام فعّالیت‌ها در خانه، آموزگار آن‌ها را در کلاس به صورت فردی یا جمعی بررسی می‌کند و بازخورد مناسب را به دانش‌آموزان می‌دهد.

- در کتاب به منظور علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به کتاب و کتاب‌خوانی در هر درس یک صفحه به این فعّالیت اختصاص داده شده است. دانش‌آموزان به صورت فردی و یا گروهی می‌توانند به این فعّالیت بپردازند. انتظار می‌رود از این طریق، اهمّیت مطالعه برای دانش‌آموزان پررنگ شود و آموزه‌هایی که در مهارت خواندن کتاب «فارسی می‌خوانم» آموخته‌اند را به صورت کاربردی به کار گیرند.
- در پایان هر درس، یک صفحه با عنوان «در مسیر یادگیری» آمده است، بخش نخست این صفحه، توسط خود دانش‌آموز تکمیل می‌شود. دانش آموز مطالبی را که آموخته، همچنین مسیر یادگیری خود را مرور می‌کند:

کارهایی که به او کمک کرده، بهتر یاد بگیرد؛

افراد یا چیزهایی که یاریگر او در مسیر یادگیری بوده‌اند؛

بخش‌هایی را که به درستی انجام داده است؛ قسمت‌هایی که برای یادگیری آن نیاز به تلاش بیشتر دارد؛

بخش‌هایی از درس که برای او جالب یا دشوار بوده است؛ همچنین دورنمایی از کارهایی که در آینده می‌خواهد انجام دهد.

دانش‌آموز با انجام این صفحه، به خودآگاهی می‌رسد و پویا و پرتلاش مسیر یادگیری خود را ادامه می‌دهد.

- در قسمت بعدی همین صفحه، بخش«بازخورد آموزگار» آمده است. آموزگاران گرامی عملکرد دانش‌آموزان را ثبت می‌کنند و پیشنهادهایی برای بهبود مسیر یادگیری به آن‌ها می‌دهند. بازخورد دقیق آموزگار باعث می‌شود تا دانش‌آموزان نقاط مثبت و احیاناً اشکالات مسیر آموزش خود را بدانند، همچنین خانواده‌ها نیز در جریان مسیر پیشرفت فرزندانشان قرار می‌گیرند. نحوه‌ی ارائه‌ی بازخورد و چگونگی آن به تفصیل در راهنمای معلّم آمده است.
- در ابتدای هر یک از درس‌های این کتاب، تصویر یکی از جانوران شاخص ایرانی آمده است: زاغ‌بور، عقاب ایرانی، گوزن زرد، جیجاق، هما، اسبچه‌ی خزر، گاندو، صدف دو کفه‌ای، یوزپلنگ ایرانی، پروانه‌ی لرستانک، یله‌مار و خرس قهوه‌ای. این جانوران، تنها بخشی از طبیعت ایران نیستند بلکه نام آن‌ها در شعرها، داستان‌ها، افسانه‌ها، باورها و فرهنگ مردم این سرزمین آمده است. شناخت این جانوران، ما را با بخشی از هویت طبیعی و فرهنگی ایران آشنا می‌کند و به ما یادآوری می‌کند که شناختن سرزمین‌مان، دوست داشتن آن و نگه‌داری از میراث آن، بخشی از هویّت ماست.

همکاران گرامی برای آشنایی بیشتر با فعّالیت‌ها و کارکردهای آن‌ها به کتاب «راهنمای معلّم فارسی می‌خوانم و می نویسم دوم دبستان» مراجعه کنند.

رهنمودهای ارزنده‌ی شما همکاران گرامی، همواره پشتوانه‌ی گام‌های ما و موجب غنابخشی به کتاب‌های درسی بوده است. چشم به راه پیشنهادها و اندیشه‌های نو شما هستیم.

گروه زبان و ادبیات فارسی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه‌ی نظری

نظرسنجی



یک، دو، سه
حرکت

با پاسخ دادن به جمله‌های زیر خودت را بهتر بشناس.

من:
- ☐ دختر هستم.
- ☐ پسر هستم.

- ☐ هشت سال دارم.
- ☐ کلاس دوم هستم.

من:
- ☐ عینک می‌زنم.
- ☐ عینک نمی‌زنم.

- ☐ با دست راست می‌نویسم.
- ☐ با دست چپ می‌نویسم.

- ☐ موهای بلند دارم.
- ☐ موهای صاف دارم.
- ☐ موهای کوتاه دارم.
- ☐ موهای فرفری دارم.

- ☐ کمک به پدر و مادرم حسّ خوبی به من می‌دهد.
- ☐ کتاب خواندن را دوست دارم.
- ☐ مهربانی کردن را دوست دارم.
- ☐ انجام کارهای خوب را دوست دارم.
- ☐ وقتی کاری را یاد می‌گیرم، خوش‌حال می‌شوم.
- ☐ از گردش در طبیعت لذّت می‌برم.
- ☐ از نقّاشی کردن خوشم می‌آید.
- ☐ گوش کردن به قصّه یکی از سرگرمی‌های من است.
- ☐ بازی با دوستانم به من انرژی می‌دهد.
- ☐ دوچرخه‌سواری، کار مورد علاقه‌ی من است.
- ☐ تماشای آسمان برایم هیجان‌انگیز است.
- ☐ یاد گرفتن چیزهای تازه خوش‌حالم می‌کند.
- ☐ وقتی تلاش می‌کنم، احساس خوبی دارم.

تصویر خودت را طوری بکش که نشان بدهی در اوّلین روز مدرسه چه احساسی داری.

به کمک جمله‌هایی که خواندی، پاسخ پرسش‌های زیر را به صورت جمله‌ای کامل بنویس.

- نام من چیست؟ نام من _____ است.
- نام خانوادگی من چیست؟ _____
- دختر هستم یا پسر؟ _____
- چند سال دارم؟ _____
- عینک می‌زنم یا نمی‌زنم؟ _____
- کلاس چندم هستم؟ _____
- با چه دستی می‌نویسم؟ _____
- موهایم صاف است یا فرفری؟ _____

سه تا از کارهایی را که دوست‌داری به صورت جمله‌ای کامل بنویس.

۱. _____

۲. _____

۳. _____

بنویس چه شکلی هستی؟

من _____

هر چهار واژه‌ی مرتبط با هم را در یک دسته قرار بده.

فاطمه
ناراحت
طوطی
باغ
جنگل
خوش حال
غمگین
پارک وحش
معصومه
حلزون
علی
مرغابی
تمساح
عصبانی
حیاط
محمّد

جانور	مکان	نام	احساس

واژه‌ی مناسب را انتخاب کن و در جای خالی بنویس.

ثروتی، مزرعه، ظهر، می‌پذیرم، معنیِ

- محسن و حامد نزدیک _____ خسته و گرسنه به خانه آمدند.
- سلامتی از هر _____ باارزش‌تر است.
- دعوت تو را با خوش‌حالی _____.
- آیا _____ واژه‌ی «تعجّب» را می‌دانید؟
- عموعلی هر سال در _____ لوبیا و عدس می‌کارد.

داستان زیر را بخوان.

مورچه یک دانه‌ی ذرّت پیدا کرد آن را روی دوشش گذاشت و با خوش‌حالی راه افتاد. کمی بعد، به یک سنگ بزرگ رسید. خواست از کنار سنگ رد شود که ناگهان چیزی دید.

یکی از تصویرها را انتخاب کن و ادامه‌ی داستان را بنویس.





از هر ستون یک واژه انتخاب کن. بعد به کمک این واژه‌ها متنی بنویس. مانند:

واژه‌های انتخابی:

عارفه، پزشک، ذرّه‌بین، حیاط، جمعه

عارفه دخترعموی من است. او پزشک است. عارفه روز جمعه در حیاط خانه‌ی مادربزرگش یک ذرّه‌بین پیدا کرد.

نام	شغل	وسیله	مکان	زمان
عارفه	فضانورد	طناب	مزرعه	شنبه
حسین	نقّاش	تخت‌خواب	حیاط	دیروز
سعیده	نویسنده	ماژیک	اتاق	جمعه
علی	پزشک	ذرّه‌بین	باغچه	ظهر

واژه‌های انتخابی من:

تصویر زیر را با دقّت نگاه کن. ده واژه بنویس که به تصویر مربوط باشد.



تصویر زیر اتّفاق‌های گوناگونی دارد. یکی از اتّفاق‌ها را انتخاب کن و درباره‌ی آن بنویس.



در کلاس چه اتّفاقی افتاده است؟ درباره‌ی آن بنویس.



امسال دوست‌داری چه چیزهایی یاد بگیری؟ درباره‌ی آن‌ها بنویس.



متن زیر را بخوان. سپس به پرسش‌ها پاسخ بده.

یک درخت زیتون و یک ساقه‌ی علف کنار هم روییده بودند. درخت زیتون خودش را قوی‌تر از ساقه‌ی علف می‌دانست. روزی نسیم وزید و ساقه‌ی علف خم شد، امّا درخت زیتون ذرّه‌ای تکان نخورد. درخت زیتون به ساقه‌ی علف خندید و گفت: «چه بوته‌ی ضعیفی!»

چیزی نگذشت که باد شدیدی وزید. شاخه‌های درخت زیتون شکست، امّا ساقه‌ی علف فقط خم شد.

با توجّه به متنی که خواندی، در جای خالی واژه‌ی مناسب بنویس.

درختِ _____ ساقه‌یِ _____

کنارِ _____ بوته‌یِ _____

در جمله‌ی زیر به جای درختِ زیتون، **درختِ گردو** و به جای ساقه‌ی علف، **بوته‌ی گل** بگذار. سپس جمله را با توجّه به این تغییرات یک بار بنویس.

یک درختِ زیتون و یک ساقه‌یِ علف کنار هم روییده بودند.

درختِ گردو　　بوته‌ی گل

جمله‌ی جدید: _____

این بار به سلیقه‌ی خودت نام دو گیاه جدید را انتخاب کن و جمله را با توجّه به آن‌ها تغییر بده و بنویس.

جمله‌ی جدید من: _____

واژه‌های زیر را دسته‌بندی کن، آن‌ها را سه تا سه تا در یک دسته قرار بده و در جاهای خالی بنویس.

عسل کندو غذا
زنبور ~~زنبور~~ ذوقه
طلوع زرنو غروب
دست خوراکی صورت
خورشید

یکی از دسته‌های بالا را انتخاب کن و به کمک واژه‌های آن، متنی کوتاه بنویس.

واژه‌هایی که انتخاب کردم:

در کدام یک از واژه‌های درس، حروف زیر به کار رفته است؟

ح ح	ص ص	ظ	ع ع ع

واژه های زیر را با توجّه به صدای آخرشان در جدول قرار بده.

ذخیره　گناه　کوه　ذخیره
سیاه　لحظه　آذوقه
چهارراه　کلاه　قصّه　کلاه
پروانه　همراه　مزرعه

دو تا از واژه‌های بالا را انتخاب کن و با آن‌ها یک جمله بنویس.

_____ و _____

جمله‌ی من: _____

واژه های زیر را با توجّه به حرف اوّل آن‌ها، به ترتیب حروف الفبا بنویس.

سپاس‌گزاری، کلافه، خوش‌بو، ریشه، فریاد، پرخور

بخشی از داستان را پیدا کن که درخت از گنجشک‌ها کلافه می‌شود و سرانجام گنجشک‌ها پیش چشمه می‌روند. این بخش را برای خودت بخوان، سپس آن را بنویس.

با توجّه به داستان «دنیا بدون درخت»، واژه‌های زیر را در ستون مربوط بنویس.

گرمازده، کلافه، ریز، بدبو، عصبانی، پرخور

درخت	گوسفند	کرم پروانه
درختِ	گوسفندِ	کرم پروانه‌ی
درختِ	گوسفندِ	کرم پروانه‌ی

عبارت سمت راست را به عبارت مناسب با آن در سمت چپ وصل کن تا جمله کامل شود.

گنجشک‌ها پر زدند و	شاخه‌هایش را جمع کرد.
درخت از بوی گوسفندها کلافه شد،	روی تنه‌ی درخت خُشکش زد.
کرم پروانه با دهان باز	روی قلوه‌سنگ‌های چشمه نشستند.
توی راه یادم آمد که	دنیا بدون درخت زیبا نیست!

در هر ردیف یک واژه با دو واژه‌ی دیگر ارتباط ندارد. روی آن ✗ بزن. سپس یک واژه از روی سنگ‌ها انتخاب کن که با موضوع آن ردیف ارتباط داشته باشد. این واژه را در جای خالی بنویس.



۱	گوسفند	درخت	کرم پروانه	گنجشک
۲	طلوع	ناهار	عصر	
۳	شلوار	دامن	چتر	
۴	شادی	غم	تلخ	
۵	پونه	حلزون	سبزه	
۶	کلاغ	خَش‌خَش	قُل‌قُل	

موضوع‌های زیر را بخوان. هر کدام از این موضوع‌ها به کدام ردیف مربوط می‌شود؟ شماره‌ی آن را جلوی موضوع بنویس.

نام صدا		گیاهان		جانوران	۱		
زمان		پوشیدنی‌ها		احساسات			

چهار واژه بنویس که به موضوع **نام صدای حیوانات** مربوط باشد.

هنگام نوشتن متن زیر با رایانه، بعضی از واژه‌ها اشتباه نوشته شده است. آن‌ها را پیدا کن و درست آن را بالای واژه بنویس.

گنجشک‌ها از زوی شاخه‌ها بلند سدند. چشمه آن‌ها را صدا رد: «آهای گنجشک‌های حسته! بیایید روی قُلوه‌سنگ‌های من بشنینید و با صدای زبیایتان جیک‌جیک کنید.» گنجشک‌ها خوش‌خال شدند، پر زدند و روی قلوه‌سنگ‌های چشمه نسستند. خستگی‌شان که در رقت، از چشمه سپاس‌گزاری کردند و رفنند.

در متن درس، برای اوّلین بار در کدام جمله با واژه‌ی «**سپاس‌گزاری**» روبه‌رو شدی؟ این جمله را بنویس.

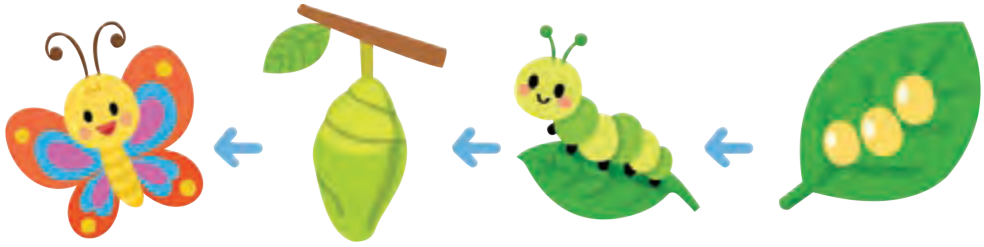
معنی «**سپاس‌گزاری**» را بنویس.

در کدام یک از موقعیت‌های زیر «**سپاس‌گزارم**» را به کار می‌بری؟

- دوستت مدادش را به تو می‌دهد، چون مدادت را جا گذاشته‌ای.
- دوستت مداد تو را بدون اجازه برمی‌دارد.
- مدادت را به دوستت می‌دهی، چون مدادش را جا گذاشته است.
- هم‌کلاسی‌ات تو را در صف هُل می‌دهد.
- دوستت به تو کمک می‌کند تا کتابت را پیدا کنی.

به معنای **کرم پروانه** توجّه کن:

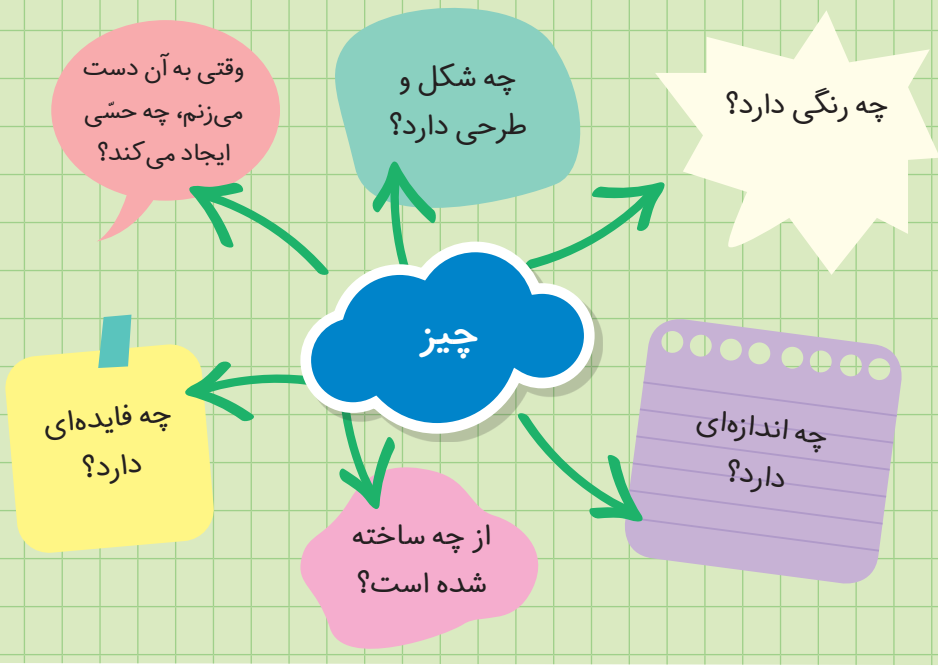
کرم پروانه نوزاد پروانه است که از تخم خارج می‌شود و پس از گذراندن چند مرحله، به پروانه تبدیل می‌شود.



با استفاده از فرهنگ زبان فارسی، معنای واژه‌ی **گنجشک** را بنویس.

گنجشک:

وقتی می‌خواهیم درباره‌ی چیزی بنویسیم، بهتر است ویژگی‌های آن را بیان کنیم. این کار باعث می‌شود تصویر دقیق‌تری از آن چیزرا نشان بدهیم.



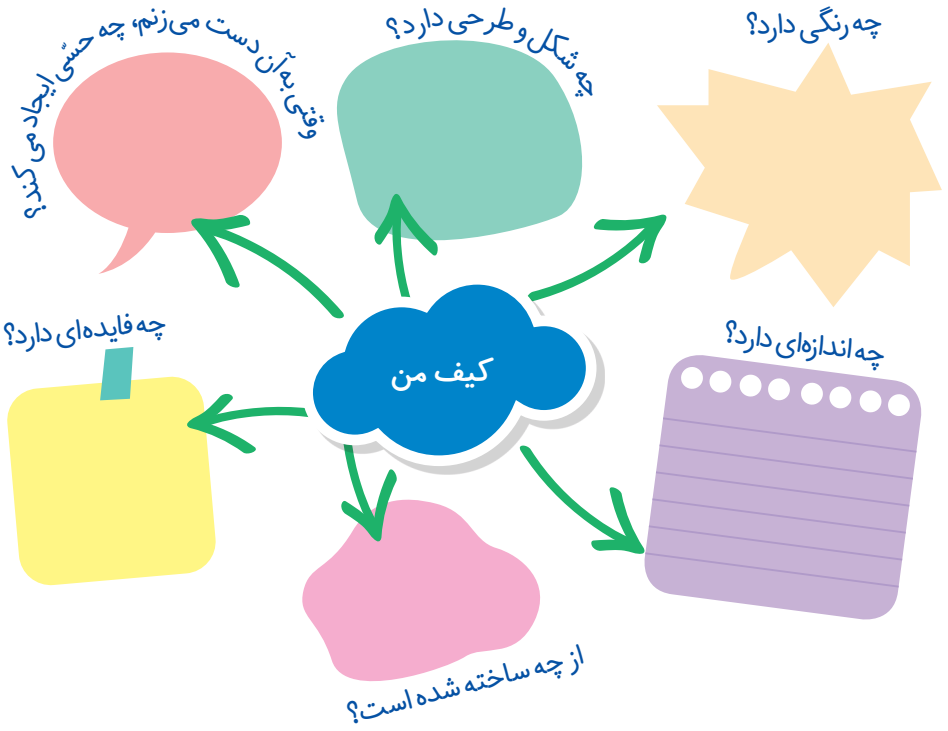
آموزگار از دانش‌آموزان خواست یک چیز انتخاب کنند و چند ویژگی درباره‌ی آن بنویسند.
آرزو جورابش را انتخاب کرد. او در دفترش نقشه‌ای مانند نقشه‌ی بالا کشید و آن را کامل کرد:



سپس آموزگار از دانش‌آموزان خواست با توجّه به این ویژگی‌ها، متنی کوتاه بنویسند؛ طوری که اگر کسی آن چیز را ندیده است بتواند تصویرش را در ذهنش بسازد. نوشته‌ی آرزو را بخوان:

من یک جفت جوراب پشمی ساق‌بلند دارم. من این جوراب نرم و لطیف را در روزهای سرد زمستان می‌پوشم تا پایم را گرم نگه دارد. رنگ جورابم آبی است و شکل یک گل دارد.

به کیف خودت با دقّت نگاه کن. ابتدا چند ویژگی درباره‌ی آن بنویس. سپس با توجّه به این ویژگی‌ها متنی ساده بنویس؛ طوری که اگر کسی آن را ندیده است، بتواند تصویرش را در ذهنش بسازد.



در داستان، گفت‌وگوی درخت و چشمه را درباره‌ی گوسفندها پیدا کن. این بخش را برای خودت بخوان، سپس آن را بنویس.

برای هر یک از اتّفاق‌های زیر صدایی تولید می‌شود. برای هر صدا، نامی بساز و بنویس.



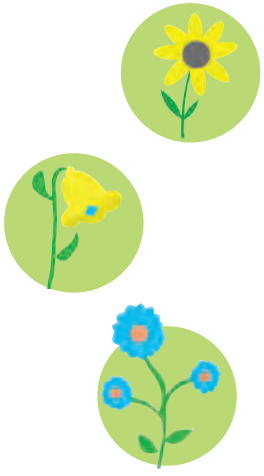




گنجشک‌های خسته، **گوسفندهای گرمازده** و **کرم پروانه‌ی گرسنه** را نقّاشی کن. سپس از زبان هر کدام از آن‌ها، جمله‌ای در ابرک بنویس.

در کدام بخش داستان، مهربانی چشمه با کرم پروانه نشان داده شده است؟ این بخش را برای خودت بخوان، سپس آن را بنویس.

هر گل را به توضیح مربوط به آن وصل کن.



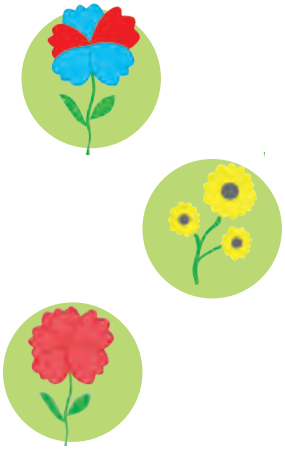
ساقه‌ی کوتاه، با سه تا گل زرد

ساقه‌ی بلند، با گل زردی شبیه زنگوله

ساقه‌ی بلند، پنج گلبرگ قرمز و آبی

ساقه‌ی کوتاه، با یک گل زرد

ساقه‌ی بلند، با پنج گلبرگ قرمز



توضیح یکی از گل‌های بالا نیامده است. این توضیح را با توجّه به شکلش بنویس.

واژه‌ی مناسب را انتخاب کن و در جای خالی بنویس.

قُل‌قُل، تاپ‌تاپ، خَش‌خَش، قِرچ‌قُروچ

- کرم پروانه به اوّلین برگ که رسید، _____ آن را گاز زد.
- کرم پروانه، _____ روی تنه‌ی درخت خزید.
- همه جا ساکت بود. از _____ چشمه خبری نبود.
- خیلی ترسیده بودم. قلبم _____ می‌زد.

جمله‌ی مربوط به هر تصویر را از متن درس پیدا کن و بنویس.







با توجّه به درس، جمله‌های زیر را کامل کن و حروف مربوط به هر واژه را در جدول قرار بده.

- درخت از صدای گنجشک‌ها _____ شد.
- گنجشک‌ها _____ شدند، پر زدند و روی قلوه‌سنگ‌های چشمه نشستند.
- آهای گوسفندهای گرمازده! کنار من خنک است، بیایید این‌جا _____ کنید.
- گوسفندها که رفتند، درخت _____ شد.
- درخت از شدّت خشم لرزید و _____ کشید.

				خ				
		ف			ح			
								ع
				ف			ک	
		ا		س	ا			

فکر کن صداهای زیر را می‌توانی بشنوی. برای آن‌ها اسم بساز و بنویس.

عطسه کردن فیل		نفس‌نفس‌زدن گنجشک	
خندیدن پروانه		گریه کردن کلاغ	

بخشی از داستان را پیدا کن که در آن درخت عصبانی می‌شود و چشمه با ناراحتی از پیش درخت می‌رود.
آن را برای خودت بخوان، سپس آن را بنویس.

داستان زیر را ادامه بده.

عصر همان روز که چشمه پیش درخت برگشت، بُزغاله‌ای زیر سایه‌ی درخت آمد تا استراحت کند. درخت



به بزغاله گفت:

جمله‌های زیر را به ترتیب اتّفاق‌هایی که در داستان آمده است، شماره‌گذاری کن.

- امّا چشمه می‌گوید که دنیا بدون آن‌ها زیبا نیست.
- چشمه باز می‌گردد و می‌گوید که دنیا بدون درخت هم زیبا نیست.
- درخت از چشمه هم خسته می‌شود.
- درخت گنجشک‌ها، گوسفندها و کرم پروانه را از خود دور می‌کند.
- وقتی چشمه می‌رود، درخت از تشنگی بی‌حال می‌شود.

متن زیر خلاصه‌ی داستان دنیا بدون درخت است. یک جمله در آن هست که به داستان مربوط نمی‌شود. این جمله را پیدا کن و زیرش خط بکش. سپس جمله‌ی درست را بنویس.

درخت از صدای گنجشک‌ها، بوی گوسفندها و خَش‌خَش کرم پروانه ناراحت می‌شود و آن‌ها را از خود دور می‌کند. چشمه با مهربانی به آن‌ها پناه می‌دهد و می‌گوید که دنیا بدون آن‌ها زیبا نیست. درخت از باران و صدای شُرشُر آن هم خسته می‌شود. وقتی چشمه می‌رود، درخت از گرما و تشنگی بی‌حال می‌شود. چشمه برمی‌گردد و می‌گوید که دنیا بدون درخت هم زیبا نیست.

جمله‌ی درست: _____

واژه‌های زیر در کنار هم چه تصویری در ذهنت می‌سازند؟ این تصویر را در قاب زیر نقّاشی کن.

شُرشُر، هوهو، جیک‌جیک، قاه‌قاه، قورقور، قارقار

جدول زیر را کامل کن.

گوسفند

این واژه تو را یاد چه واژه‌های دیگری می‌اندازد؟	معنی این واژه را بنویس.
متنی بنویس که این واژه در آن به کار رفته باشد.	این واژه را با تصویر نشان بده.



تاکنون چند کتاب داستان خوانده‌ای؟

نام دو تا از آن‌ها را بنویس.

کدام یک از این داستان‌ها را بیشتر دوست داشتی؟

نام کتاب: _____

این داستان را دوست داشتم چون: _____

امتیازی که به آن می‌دهم: ☆ ☆ ☆ ☆ ☆

کدام اتّفاق این داستان برایت جالب‌تر بوده است؟

از خواندن این داستان چه احساسی پیدا کرده‌ای؟

😄 خیلی دوستش داشتم.	🙂 دوستش داشتم.
😐 معمولی بود.	😢 زیاد دوستش نداشتم.



من در پایان درس

- چه چیزهایی یاد گرفته‌ام؟

- چه کارهایی به من کمک کرد تا بهتر یاد بگیرم؟
(می‌توانی چند مورد را انتخاب کنی.)
- ☐ دوباره خواندم.
- ☐ تمرین کردم.
- ☐ از کسی پرسیدم.
- ☐ با دقّت فکر کردم.
- ☐ برای کسی توضیح دادم.

کاری دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **جالب** بود؟

- چه کسی یا چه چیزی به من کمک کرد؟
- ☐ آموزگارم
- ☐ یکی از دوستانم
- ☐ کتاب
- ☐ خانواده

کسی یا چیزی دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **دشوار** بود؟

- کار بعدی من چیست؟

بازخورد آموزگار

کارت خیلی خوب بود، چون:

کمی بیشتر دقّت کن، چون:

برای بهتر شدن کارهایت می‌توانی:



درس دوم

ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
گ
ل
م
ن
و
ه
ی

هر کدام از واژه‌های «صورت»، «قطره» و «شروع» دو بار در جدول آمده است.
آن‌ها را پیدا کن و دورشان خط بکش. سپس آن‌ها را بنویس.

ص	ت	ه	ر	ط	ق	ط
و	ق	ت	ر	و	ص	ز
ر	ط	ق	ع	و	ر	ش
ت	ر	س	ظ	ف	ه	س
ص	ه	ذ	ت	ص	ط	ش
ع	و	ر	ش	ه	ر	ن

یک بار از روی ترکیب‌های زیر بنویس. سپس یکی از آن‌ها را با نقّاشی نشان بده.

میانِ شاخه‌هایِ درخت

ابرهایِ خاکستری

برگ‌هایِ رنگارنگِ پاییزی

نام رنگ‌های زیر را با توجّه به حرف اوّل آن‌ها به ترتیب حروف الفبا بنویس.

سُرخ، نارنجی، قهوه‌ای، بنفش، صورتی، خاکستری، آبی

نویسنده در بخشی از متن نشان می‌دهد که باد باعث می‌شود فرشی رنگارنگ روی زمین درست شود. این بخش را برای خودت بخوان. سپس آن را بنویس.

عبارت سمت راست را به عبارت مناسب با آن در سمت چپ وصل کن تا جمله کامل شود.

از صدای خش خش آن‌ها	از شاخه‌ها جدا می‌شوند.
دسته‌ای از برگ‌ها را	کم‌کم نزدیک می‌شوند.
ابرهای خاکستری	رو به آسمان می‌گیرم.
برگ‌های رنگارنگ پاییزی	زیر پاهایم لذّت می‌برم.
صورتم را	جمع می‌کنم.

مخالف واژه‌های زیر را از داخل بادکنک پیدا کن و روبه‌روی آن‌ها بنویس.

سرد	
تند	
خیس	
کم	
نزدیک	



در هر ردیف یک واژه با دو واژه‌ی دیگر ارتباط ندارد. روی آن ✗ بزن. سپس یک واژه از روی برگ انتخاب کن که با موضوع آن ردیف ارتباط داشته باشد. این واژه را در جای خالی بنویس.



۱	کبوتر	عقاب	موش	
۲	لاله	کاج	بید	
۳	دستکش	شلوارک	شال گردن	
۴	بنفش	قهوه‌ای	زرده	
۵	کلبه	بوستان	آپارتمان	
۶	خودکار	کفش	مداد	

موضوع‌های زیر را بخوان. هر کدام از این موضوع‌ها به کدام ردیف مربوط می‌شود؟ شماره‌ی آن را جلوی موضوع بنویس.

پرندگان		رنگ‌ها		درختان
لباس‌های زمستانی		ابزار نوشتن		محلّ زندگی

چهار واژه بنویس که به موضوع **وسایل رنگ‌آمیزی** مربوط باشد:

هنگام نوشتن متن زیر با رایانه، بعضی از واژه‌ها اشتباه نوشته شده است. آن‌ها را پیدا کن و درست آن را بالای واژه بنویس.

چند گلاغ روی شاخه‌های درخت شیب نشسته‌اند و قارقاز می‌کنند. شاید حبر آمدن پاییز را به درحت سیب می‌دهند. دسته‌ای برستو در آسفان به پرواز درمی‌آنید و در جست‌وخوی سرزمین‌های کرم، دورتر و دروتر می‌شوند. دلم برای آوار پرستوها نتگ می‌شود. امّا می‌دانم بهار که بیاید، دوباره بارمی‌گردند.

در کدام جمله از متن درس با واژه‌ی «**زندگی**» روبه‌رو شدی؟ این جمله را بنویس.

معنی «**زندگی**» را بنویس.

در کدام یک از موقعیت‌های زیر، «**زندگی**» وجود دارد؟

- تولّد یک بزغاله
- گُل دادن یک کاکتوس
- فرار آهو از گلّه‌ی گرگ‌ها
- خاموش بودن یک چراغ
- نفس کشیدن ماهی در آب
- گلدان خالی

به معنای **قطره** توجّه کن:

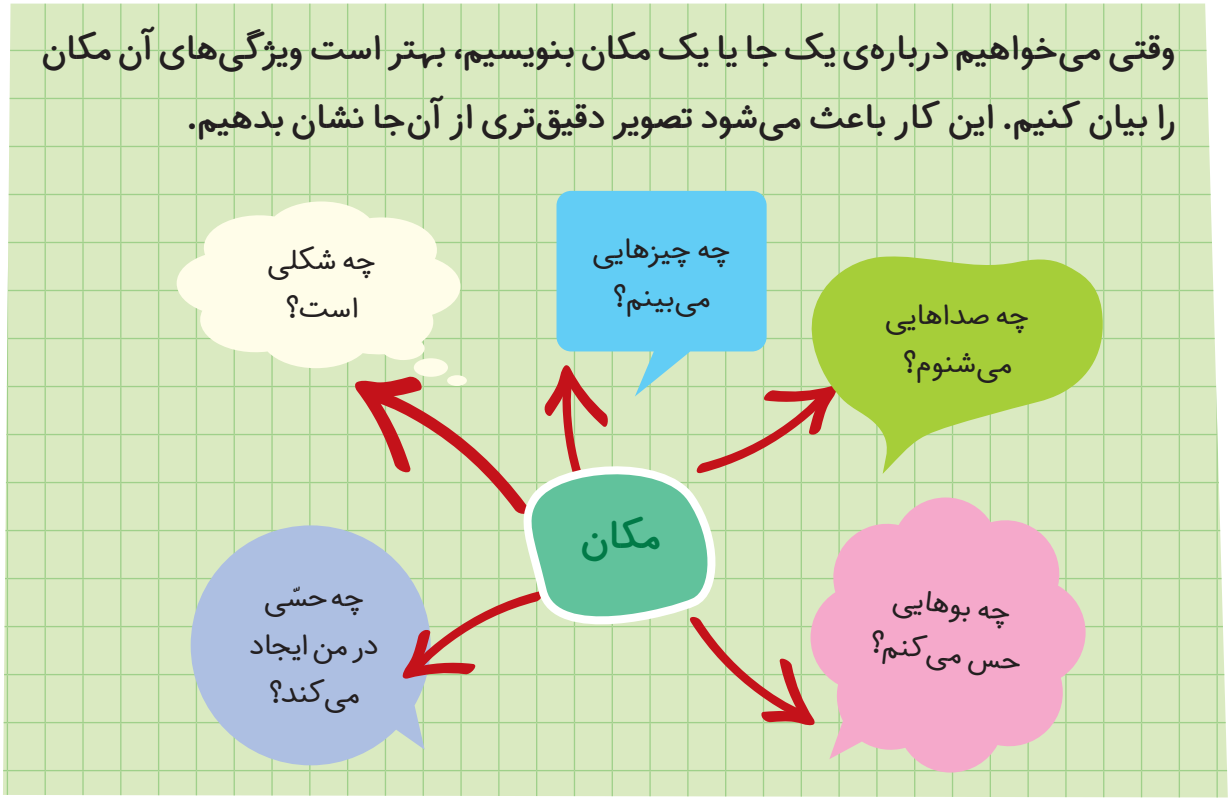
قطره، کوچک‌ترین ذرّه‌ی یک مایع است که به صورت گلوله‌ای کوچک جدا می‌شود و می‌چکد.



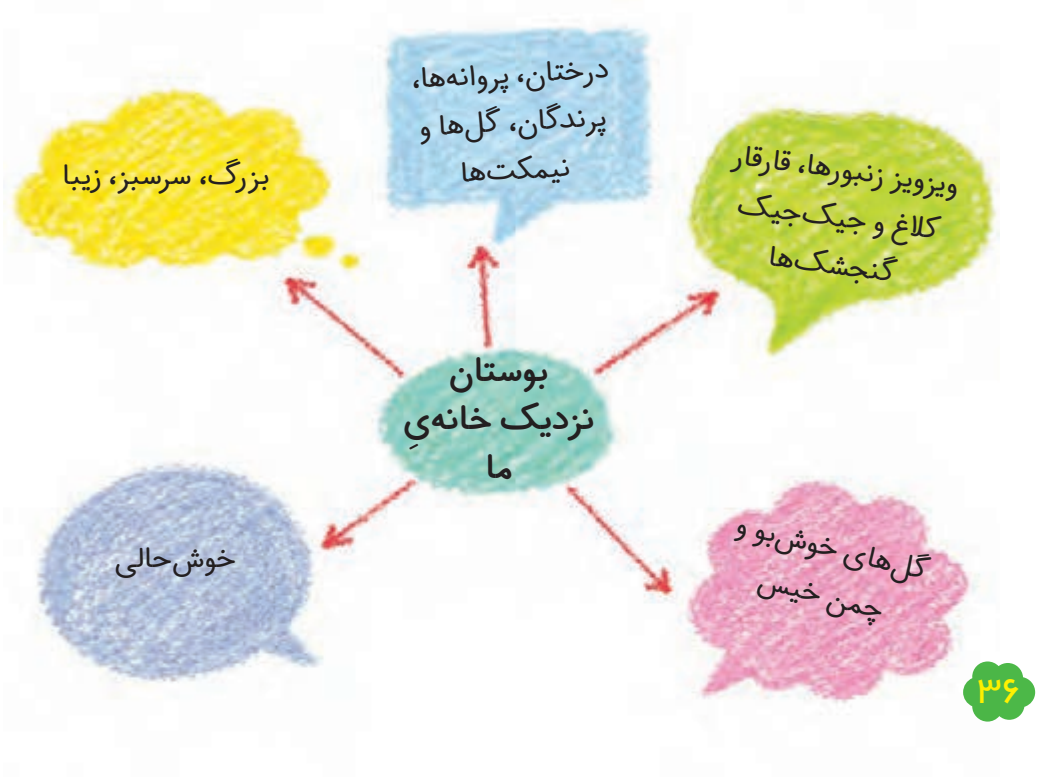
با استفاده از فرهنگ زبان فارسی، معنای واژه‌ی **پرواز** را بنویس.

پرواز:

وقتی می‌خواهیم درباره‌ی یک جا یا یک مکان بنویسیم، بهتر است ویژگی‌های آن مکان را بیان کنیم. این کار باعث می‌شود تصویر دقیق‌تری از آن‌جا نشان بدهیم.



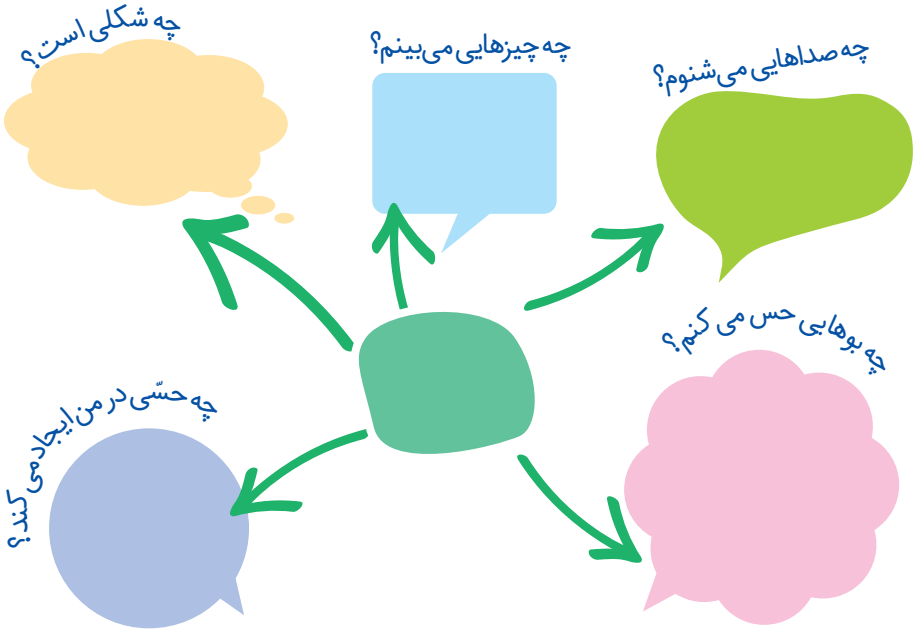
آموزگار از دانش‌آموزان خواست جایی را که پیش از این دیده‌اند، انتخاب کنند و چند ویژگی درباره‌ی آن بنویسند. آرزو بوستان نزدیک خانه‌شان را انتخاب کرد. او در دفترش نقشه‌ای مانند نقشه‌ی بالا کشید و کامل کرد:



سپس آموزگار از دانش‌آموزان خواست با توجّه به این ویژگی‌ها، متنی کوتاه بنویسند؛ طوری که اگر کسی آن‌جا را ندیده است، بتواند تصویرش را در ذهنش بسازد. نوشته‌ی آرزو را بخوان:

یک بوستان بزرگ و زیبا نزدیک خانه‌مان است. پروانه‌هایی با بال‌های رنگی دور گل‌ها پرواز می‌کنند. در این بوستان، ویزویز زنبورها، جیک‌جیک گنجشک‌ها و قارقار کلاغ‌ها را می‌شنوم. چند نیمکت چوبی بین درختان کوتاه و بلند قرار دارد. در این بوستان از بوی گل و چمن خیس، خوش‌حال می‌شوم.

مکانی را انتخاب کن. ابتدا چند ویژگی درباره‌ی آن بنویس. سپس با توجّه به این ویژگی‌ها متنی ساده بنویس طوری که اگر کسی آن جا را ندیده است بتواند تصویرش را در ذهنش بسازد.



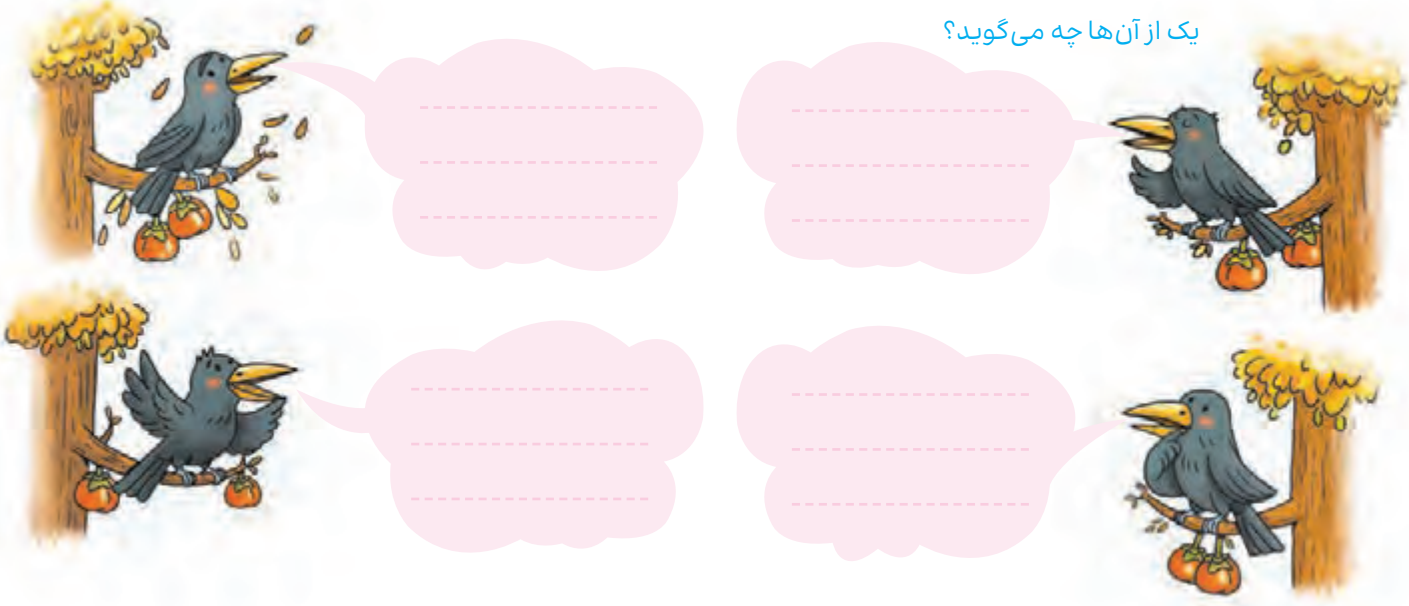
بخشی از متن نشان می‌دهد که نویسنده روی برگ‌ها راه می‌رود و با آن‌ها بازی می‌کند. این بخش را برای خودت بخوان. سپس آن را بنویس.

تصویرهای زیر را ببین، به کمک آن‌ها داستان بساز و داستانت را در پنج جمله بنویس. جمله‌ی اوّل نوشته شده است.



پاییز است.

فکر کنید چهار تا کلاغ روی درخت خرمالو نشسته‌اند و درباره‌ی آمدن پاییز با هم حرف می‌زنند. بنویس هر یک از آن‌ها چه می‌گوید؟



در بخشی از متن پرواز پرستوها در جست‌وجوی سرزمین‌های گرم آمده و در آن به احساس دل‌تنگی و امیدواری اشاره شده است. این بخش را برای خودت بخوان. سپس آن را بنویس.

بهار از راه رسید، پرستوها به لانه‌هایشان باز گشتند و تخم گذاشتند. هر پرستو را به لانه‌ی خودش وصل کن.


من سرسیا هستم و سه تا تخم گذاشته‌ام.


من دم‌سیا هستم و سه تا تخم بیشتر ازسرسیا گذاشته‌ام.


من پرسیا هستم یک تخم کمتر از سرسیا گذاشته‌ام.


من پاسیا هستم. یک تخم بیشتر از سرسیا گذاشته‌ام.

برای هر تصویر یک جمله بنویس.









در بخشی از متن، وقتی باران نم‌نم می‌بارد، نویسنده قبل از رفتن به خانه کاری انجام می‌دهد. این بخش را پیدا کن. سپس آن را بنویس.

متن زیر را بخوان و زیر واژه‌هایی که به تو کمک می‌کنند تصویر دقیق‌تری از حرم امام رضا ﷺ داشته باشی، خط بکش.

دیروز بعدازظهر فاطمه به همراه خانواده به حرم امام رضا ﷺ رفتند. فاطمه از خوش‌حالی بال درآورده بود. بوی گلاب و اسپند همه جا پیچیده بود. گلدان‌های بزرگی کنار حوض دیده می‌شدند. ده‌ها کبوتر بر روی گنبد طلایی حرم نشسته بودند. فاطمه از زیر چادرش، مقداری گندم بیرون آورد و به آرامی بر زمین پاشید. چند کبوتر به او نزدیک شدند. چیزی نگذشت که صدای اذان از گلدسته‌ها بلند شد. مادر گفت: بهتر است برویم و نمازمان را اوّل وقت بخوانیم.

تلاش کن تصویری را که در ذهنت ساخته‌ای، با نقّاشی نشان بدهی.

هر واژه را به معنای آن وصل کن.

رفتن	دوباره به جایی رفتن
وزیدن	حرکت و جابه‌جا شدن هوا
بازگشتن	حرکت کردن به طرف جایی
دویدن	با سرعت و با قدم‌های بلند پیش رفتن

به تصویر با دقّت نگاه کن. سپس درباره‌ی جایی که می‌بینی، چند جمله بنویس. در نوشته‌ات، واژه‌هایی به کار ببر که این مکان را دقیق‌تر نشان بدهند.



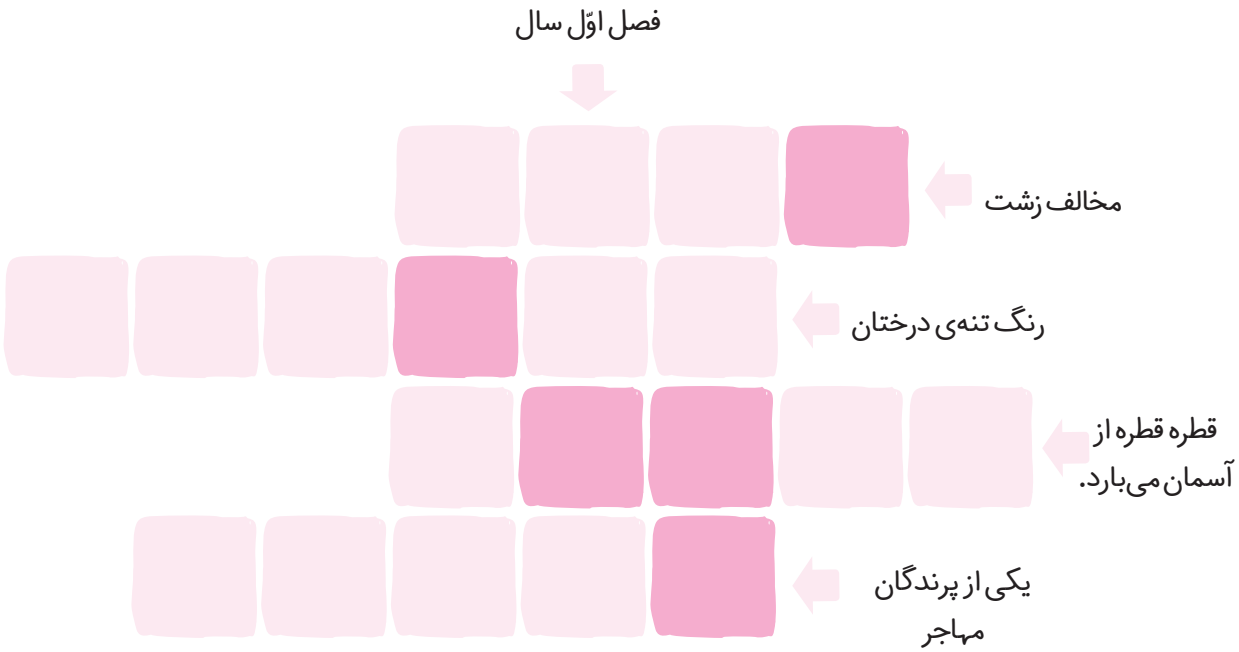
جمله‌های زیر را به ترتیب اتّفاق‌هایی که در متن آمده است، شماره‌گذاری کن.

- باران نم‌نم می‌بارد.
- برگ‌های خشک را به هوا می‌پاشم.
- باد برگ‌های زیادی را بر زمین می‌ریزد.
- چند کلاغ روی درخت سیب می‌نشینند.
- پاییز را از پشت پنجره تماشا می‌کنم.
- دسته‌ای پرستو هر لحظه دورتر می‌شوند.
- روی برگ‌های خشک راه می‌روم.

متن زیر خلاصه‌ی درس «پاییز» است. شش واژه در این نوشته وجود دارد که نادرست آمده یا در متن درس نیامده است. آن‌ها را پیدا کن و زیرشان خط بکش.

باد پاییزی برگ‌های رنگارنگ و سبز را از شاخه‌های درختان جدا می‌کند و روی زمین می‌ریزد. من روی برگ‌های خشک و خیس راه می‌روم و آن‌ها را به هوا می‌پاشم. پرستوها و کلاغ‌ها به سوی سرزمین‌های سرد پرواز می‌کنند. ناگهان باران تندی می‌بارد. من با سرعت به خانه می‌روم تا پاییز را از پشت پنجره تماشا کنم.

جدول زیر را کامل کن. با حروفی که در خانه‌های ■ است چه واژه‌ای می‌توانی بسازی؟ آن را بنویس و سپس با آن یک جمله بساز.



رمز جدول: _____

جمله‌ی من : _____

جدول زیر را کامل کن.

فرش

این واژه تو را یاد چه واژه‌های دیگری می‌اندازد؟

معنی این واژه را بنویس.

متنی بنویس که این واژه در آن به کار رفته باشد.

این واژه را با تصویر نشان بده.



یکی از کتاب‌هایی را که خوانده‌ای، انتخاب کن و اطّلاعات زیر را بنویس.

نام کتاب: _____

نام نویسنده: _____

نام تصویرگر: _____

ناشر: _____

به تصویر روی جلد آن کتاب نگاه کن. چه چیزهایی می‌بینی؟

_____

_____

_____

با خواندن این کتاب، چه واژه‌های تازه‌ای یاد گرفتی؟ سه تا از آن‌ها را بنویس.

_____ _____ _____

با یکی از این واژه‌ها جمله‌ای بنویس:

جمله‌ی من : _____



من در پایان درس

- چه چیزهایی یاد گرفته‌ام؟

- چه کارهایی به من کمک کرد تا بهتر یاد بگیرم؟
(می‌توانی چند مورد را انتخاب کنی.)
  - ☐ دوباره خواندم.
  - ☐ تمرین کردم.
  - ☐ از کسی پرسیدم.
  - ☐ با دقّت فکر کردم.
  - ☐ برای کسی توضیح دادم.
  - کاری دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **جالب** بود؟

- چه کسی یا چه چیزی به من کمک کرد؟
  - ☐ آموزگارم
  - ☐ یکی از دوستانم
  - ☐ کتاب
  - ☐ خانواده
  - کسی یا چیزی دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **دشوار** بود؟

- کار بعدی من چیست؟

بازخورد آموزگار

کارت خیلی خوب بود، چون:

کمی بیشتر دقّت کن، چون:

برای بهتر شدن کارهایت می‌توانی:



درس سوم

ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
گ
ل
م
ن
و
ه
ی

۱ واژه های زیر را با توجّه به شکل حرف در جدول بنویس.

جمع، شروع، عصبانی، بعد، شجاع، معاینه، شمع، عابران، عصر، مربّع، عوض، اختراع، تعجّب، ممنوع، تعریف، موقع

ع	ع	ع	ء

۲ از متن درس، واژه‌های خواسته شده را پیدا کن و بنویس.

- واژه‌ای که حرف «و» در آن، صدای [اُ] می‌دهد. _____
- واژه‌ای سه حرفی که حرف دوم آن «ط» است. _____
- واژه‌ای که تشدید روی حرف دوم آن آمده است. _____

دو تا از واژه‌ها را انتخاب کن و با آن‌ها یک جمله بنویس.

_____ و _____

جمله‌ی من: _____

۳ واژه های زیر را با توجّه به حرف اوّل آن‌ها به ترتیب حروف الفبا بنویس.

گذاشت، نوبت، خواهر، حواس، اضافه، صدا، بغل

بخشی از داستان نشان می‌دهد که بابا باعث می‌شود عابران به خنده بیفتند. این بخش را برای خودت بخوان. سپس آن را بنویس.

در هر یک از تصویرها بابا جمله‌ای می‌گوید. جمله‌ی بابا را از متن پیدا کن و داخل ابرک بنویس.



با توجّه به متن، پاسخ درست یا نادرست را انتخاب کن.

	درست	نادرست
در مطب، چهار پنج تا مامان و بابا با نوزادهایشان نشسته بودند.		
هنگامی که بابا لالایی خواند سامان ساکت شد.		
یکی از مامان‌ها با خنده گفت که نوزادها به صدای بلند حسّاس‌اند.		
بابا سامان را بغل کرد و به سمت خانه راه افتادیم.		

۱ در هر ردیف یک واژه با دو واژه‌ی دیگر ارتباط ندارد. روی آن ✗ بزن. سپس یک واژه از روی قاب انتخاب کن که با موضوع آن ردیف ارتباط داشته باشد. این واژه را در جای خالی بنویس.

۱	چشم	بینی	پا	
۲	تب	پوست	سُرفه	
۳	سوت	تُرمُز	فرمان	
۴	سوزن	متر	ترازو	
۵	سنگک	کیک	بَربَری	
۶	قرص	پماد	خمیردندان	



موضوع‌های زیر را بخوان. هر کدام از این موضوع‌ها به کدام ردیف مربوط می‌شود؟ شماره‌ی آن را جلوی موضوع بنویس.

اجزای صورت		وسایل خیّاطی		نشانه‌های بیماری			
داروها		اجزای ماشین		انواع نان			

چهار واژه بنویس که به موضوع **اسباب‌بازی‌ها** مربوط باشد:

۲ هنگام نوشتن متن زیر با رایانه، بعضی از واژه‌ها اشتباه نوشته شده است. آن‌ها را پیدا کن و درست آن را بالای واژه بنویس.

چند دقیقه بعد، وادر مطب شدیم. چهار نپج تا مامان و بانا با نوزادهایشان نششته بودند و با هم حرب می‌زدند. بابا سامان را از کالسکه بیزون آورد و بفل کرد. یکی دو تا از نوزادها نق‌ونوق کردند. صدای سافان هم درآمد. بابا سامان را پکان داد و با صدای بلند سروع به حواندن کرد.

در متن درس برای اوّلین بار در کدام جمله با واژه‌ی «**خواهر**» روبه‌رو شدی؟ این جمله را بنویس.

معنی «**خواهر**» را بنویس.

در کدام یک از موقعیت‌های زیر، «**خواهر**» در معنای اصلی به کار رفته است؟

- مریم و زهرا به قدری با هم صمیمی‌اند که احساس می‌کنند خواهر هم هستند.
- خانم امینی و خانم بهرامی چند سال است که با هم دوست هستند. کسانی که آن‌ها را نمی‌شناسند، فکر می‌کنند آن‌ها با هم خواهرند.
- نرگس و شیرین مثل دو خواهر همدیگر را دوست دارند.
- معصومه خواهر کوچک‌تر زینب است.
- علی به حسین گفت: «خوش به حالت که خواهرداری! من خواهر ندارم.»

به معنای **عابر** توجّه کن:

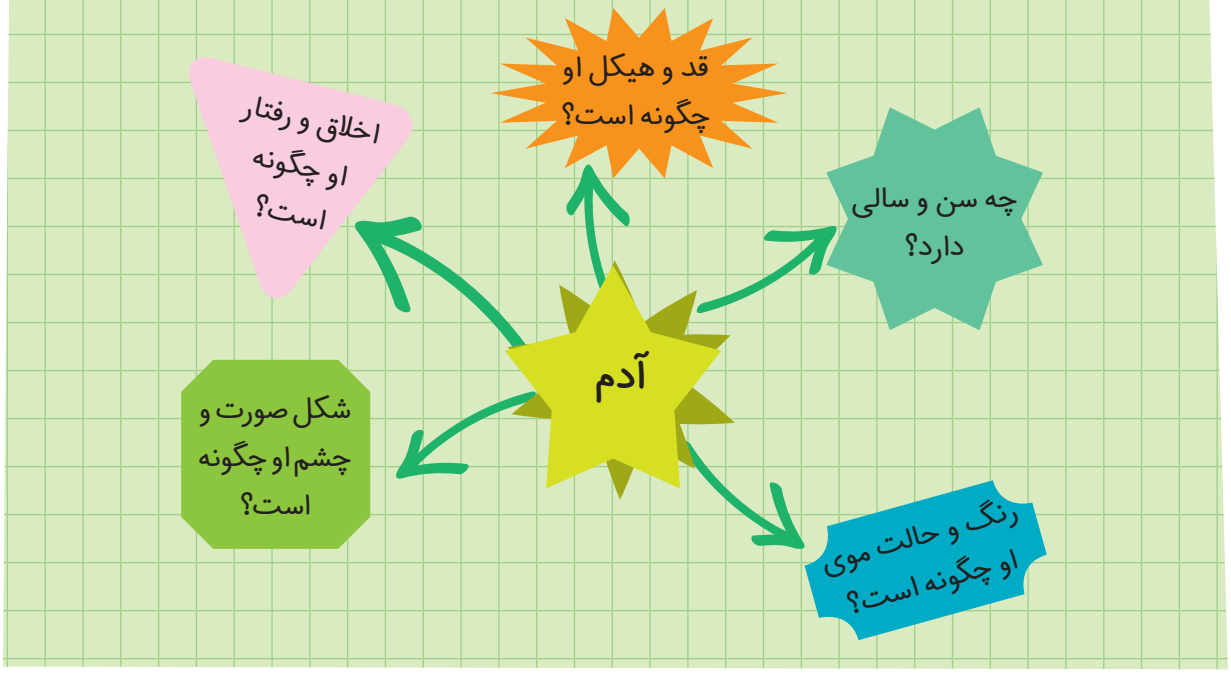
عابر کسی است که در جایی مانند پیاده‌رو، کوچه یا خیابان راه می‌رود.



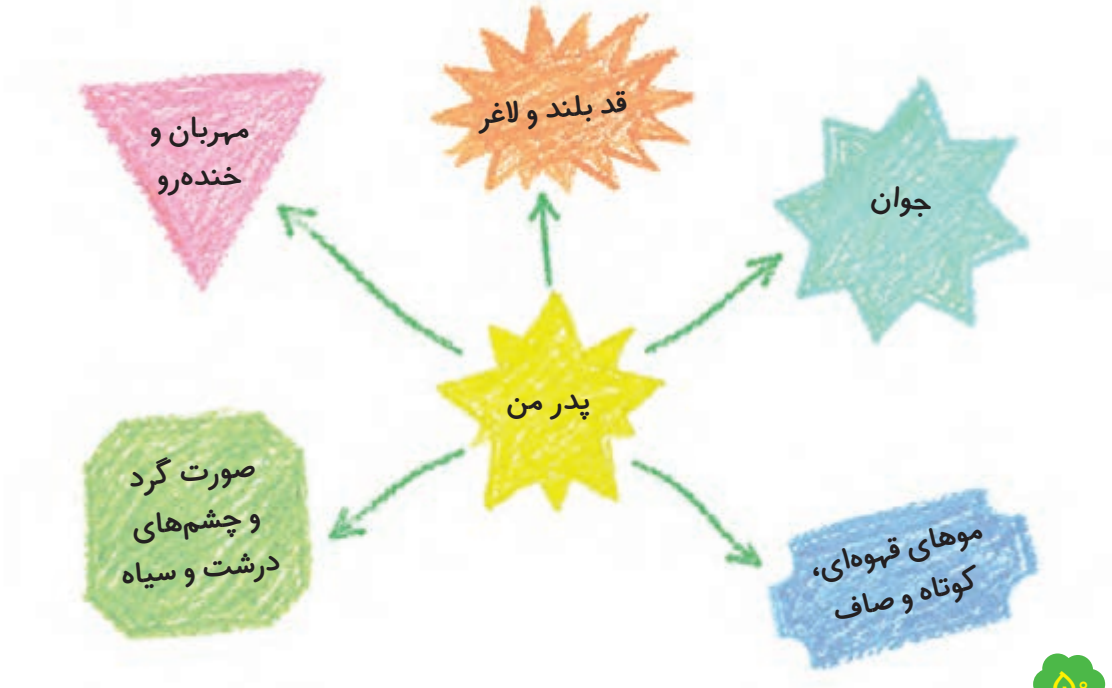
با استفاده از فرهنگ زبان فارسی، معنای واژه‌ی **مطب** را بنویس.

مطب:

وقتی می‌خواهیم درباره‌ی کسی بنویسیم، بهتر است ویژگی‌های او را بیان کنیم. این کار باعث می‌شود تصویر دقیق‌تری از آن فرد نشان بدهیم.



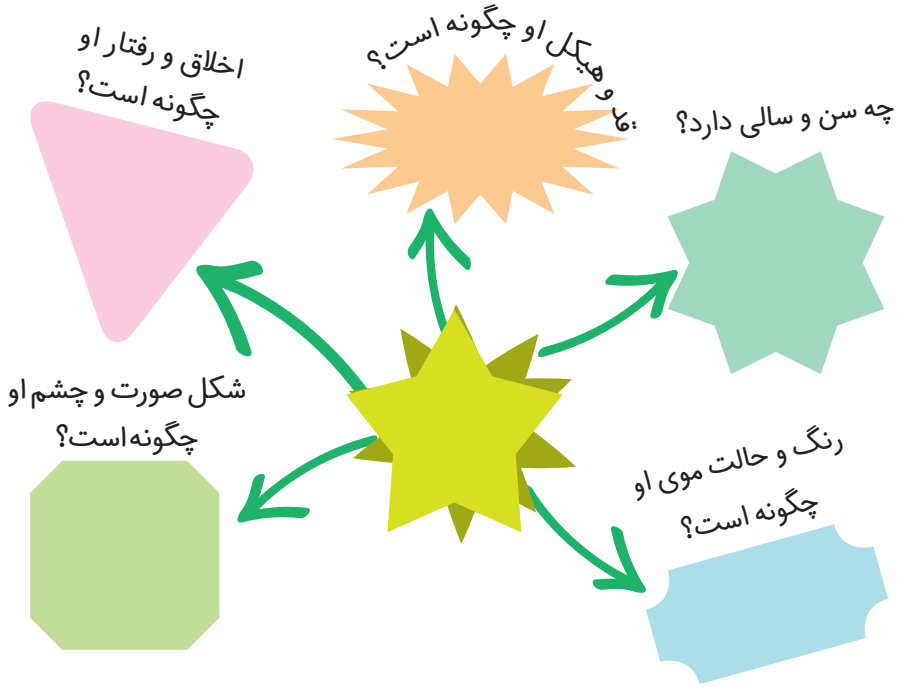
آموزگار از دانش‌آموزان خواست یک شخص را انتخاب کنند و چند ویژگی درباره‌ی او بنویسند. آرزو پدرش را انتخاب کرد. او در دفترش نقشه‌ای مانند نقشه‌ی بالا کشید و کامل کرد:



سپس آموزگار از دانش‌آموزان خواست با توجّه به این ویژگی‌ها، متنی کوتاه بنویسند؛ طوری که اگر کسی آن شخص را ندیده است، بتواند تصویرش را در ذهنش بسازد. نوشته‌ی آرزو را بخوان:

پدر من مردی جوان، قدبلند و لاغر است. صورتش گرد است و چشم‌های درشت و سیاهی دارد. موهای قهوه‌ای‌رنگش کوتاه و صاف است. پدر من مهربان و خنده‌رو است. من او را خیلی دوست دارم.

به فردی فکر کن. ابتدا چند ویژگی درباره‌ی آن بنویس. سپس با توجّه به این ویژگی‌ها، متنی ساده بنویس طوری که اگر کسی آن فرد را ندیده است، بتواند تصویرش را در ذهنش بسازد.



۷ در بخشی از داستان بابا و سارا وارد مطب می‌شوند و اتّفاقی می‌افتد که سامان گریه می‌کند. این بخش را پیدا کن. سپس آن را بنویس.

۸ با حروف داده شده واژه بساز و متن را کامل کن.

مادربزرگ سارا بیمار بود. مامانِ سارا به خانه‌ی مادربزرگ رفت تا او را پیش _____ (ک د ر ت) ببرد. آن‌ها سوار ماشین شدند و به سمت _____ (ط ب م) راه افتادند. دکتر، مادربزرگ را _____ (ع ه م ا ی ن) کرد و برای او دارو نوشت. مامان داروها را از _____ (ر و د ا خ ه ا ن) گرفت. او از مادربزرگ _____ (ق م ر ب ا ت) کرد تا حال او بهتر شد.

۹ مشخّصات دو تا از کتاب‌هایی را که خوانده‌ای، در جای خالی بنویس.





با توجّه به تصویر روبه‌رو گفت‌وگوی پرنده‌ها را کامل کن.






واژه‌ی مناسب را انتخاب کن و در جای خالی بنویس.

حواس، می‌خوانم، خواهر، اضافه، عابران، خواباند

- من هر شب پیش از خواب چند صفحه کتاب _____ .
- مامان، سامان را در تخت‌خوابش _____ .
- آموزگار چند گچ _____ با خودش به کلاس آورد.
- _____ مادربزرگ چهار سال از او بزرگ‌تر است.
- آموزگار گفت: «اگر _____ خود را جمع کنید، جواب را پیدا می‌کنید.»
- وقتی _____ به ایستگاه رسیدند، هنوز اتوبوس حرکت نکرده بود.

در بخشی از داستان، یکی از مادرها چیزی به بابا می‌گوید و بابا متوجّه چیزی درباره‌ی سامان می‌شود. این بخش را برای خودت بخوان و بنویس.

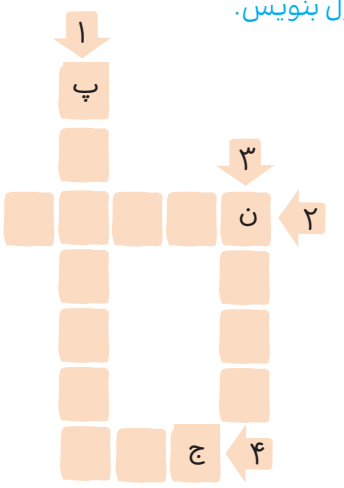
در داستان، بابای سارا دو چیز را جا می‌گذارد. آن دو را بنویس.

و

چند جمله درباره‌ی ویژگی‌های دوست صمیمی‌ات بنویس. یادت باشد طوری بنویسی که بقیه بتوانند تصویر او را در ذهن خود بسازند. سپس او را با نقّاشی نشان بده.

دوست من

به کمک معنی‌های داده شده، واژه‌ها را پیدا کن و در جدول بنویس.



۱. بخشی از کوچه یا خیابان که آدم‌های پیاده در آن‌جا راه می‌روند.

۲. بچّه‌ای که تازه به دنیا آمده است.

۳. وقتی که در جاهایی مانند بانک یا مطب به آدم‌ها داده می‌شود تا بتوانند کار خود را انجام دهند.

۴. مخالف عقب است.

واژه‌های جدول را در قسمت‌های زیر بنویس.

دو تا از واژه‌های بالا را انتخاب کن و با استفاده از آن‌ها داستانی کوتاه بنویس.

واژه‌های انتخابی من : _____ و _____

داستانی را که نوشته‌ای، نقّاشی کن.

با توجّه به هر تصویر کامل کن.



سارا: _____

مامان: _____



سارا: _____



مامان: _____

فروشنده: _____

مهدی می‌تواند هر روز فقط یک تغذیه با توجّه به جدول زیر به مدرسه ببرد:

شنبه	نان و پنیر و خرما
یکشنبه	نان و پنیر و گردو یا تخم‌مرغ آب‌پز
دوشنبه	نان و پنیر و خیار یا نان و پنیر و خرما
سه شنبه	نان و کره و مربّا یا نان و پنیر و گردو
چهارشنبه	نان و پنیر و خیار یا نان و کره و مربّا

با توجّه به این که مهدی در هفته، تغذیه‌ی تکراری نمی‌خورد، برنامه‌ی تغذیه‌ی هفتگی او را بنویس.

روزهای هفته	برنامه‌ی تغذیه
شنبه	
یکشنبه	
دوشنبه	
سه شنبه	
چهارشنبه	

در پایان داستان، ماجرای برگشت از مطب آمده است. آن را برای خودت بخوان و بنویس.

لالایی زیر را بخوان:

لالا لالا گل چایی　　بابا رفته پیش دایی

لالا لالا گل کاشی　　عصای پیری‌ام باشی

لالا لالا امید من　　گل سرخ و سفید من

حالا تو هم یک لالایی دیگر بساز و بنویس.

جمله‌های زیر را به ترتیب اتّفاق‌هایی که در متن آمده است، شماره‌گذاری کن.

- دکتر سامان را معاینه کرد.
- سامان در مطب گریه کرد.
- امّا وقتی پوشکش را عوض کرد، گریه‌اش بند آمد.
- سارا و بابا سامان را به مطب بردند.
- آن‌ها با خوش‌حالی به خانه برگشتند.
- بابا تلاش کرد سامان را آرام کند.

متن زیر خلاصه‌ی «بهترین بابای دنیا» است. برخی از واژه‌های این متن نوشته نشده است. متن را با دقّت بخوان و در جاهای خالی، واژه‌های مناسب بنویس.

بابا وسایل سامان را _____ کرد. سامان را در کالسکه _____ و همراه سارا به طرف _____ راه افتادند. در راه، بابا کالسکه را بوق‌بوق‌کنان _____ می‌برد. در مطب، سامان به گریه افتاد. بابا تلاش کرد _____ را سرگرم کند تا ساکت شود ولی بی‌فایده _____ . سرانجام وقتی بابا پوشک سامان را _____ کرد، او ساکت شد. بعد از این که دکتر سامان را _____ کرد، آن‌ها از مطب به خانه برگشتند. عصر همان روز سارا، سامان را در _____ بابا نقّاشی کرد.

با توجّه به خلاصه‌ی متن، به پرسش‌های زیر پاسخ بده.

این ماجرا به ترتیب در چه مکان‌هایی اتّفاق افتاده است؟

- خانه، مطب، خیابان، خانه، خیابان
- خانه، خیابان، مطب، خیابان، خانه
- خیابان، مطب، خیابان، خانه، مطب

کدام جمله نشان می‌دهد که بابای سارا، مردی خوش‌رو است؟

عبارت سمت راست را به عبارت مناسب با آن در سمت چپ وصل کن تا جمله کامل شود.

بابا سامان را در کالسکه گذاشت	چون سامان گریه می‌کرد.
بابا تلاش کرد سامان را سرگرم کند	چون پوشکش عوض شد.
سامان ساکت شد	چون می‌خواستند به طرف مطب بروند.

۴ جدول زیر را کامل کن.

کالسکه

این واژه تو را یاد چه واژه‌های دیگری می‌اندازد؟	معنی این واژه را بنویس.
متنی بنویس که این واژه در آن به کار رفته باشد.	این واژه را با تصویر نشان بده.



یکی از کتاب‌هایی را که دوست‌داری، انتخاب کن. نام کتاب و نام نویسنده‌ی آن را بنویس.

نام کتاب: _____

نام نویسنده: _____

تاکنون چه کتاب‌هایی از این نویسنده خوانده‌ای؟ نام آن‌ها را روی کتاب‌های قفسه‌ی کتاب‌خانه بنویس.



حالا جست‌وجویت را شروع کن! نام چند کتاب دیگر از این نویسنده را پیدا کن و بنویس.

در خانه	
در کتاب‌خانه‌ی مدرسه	
در کتاب فروشی	
در اینترنت (به کمک آموزگار یا بزرگ‌ترها)	



من در پایان درس

- چه چیزهایی یاد گرفته‌ام؟

- چه کارهایی به من کمک کرد تا بهتر یاد بگیرم؟
(می‌توانی چند مورد را انتخاب کنی.)
  - ☐ دوباره خواندم.
  - ☐ تمرین کردم.
  - ☐ از کسی پرسیدم.
  - ☐ با دقّت فکر کردم.
  - ☐ برای کسی توضیح دادم.

  کاری دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **جالب** بود؟

- چه کسی یا چه چیزی به من کمک کرد؟
  - ☐ آموزگارم
  - ☐ یکی از دوستانم
  - ☐ کتاب
  - ☐ خانواده
  - ☐ کسی یا چیزی دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **دشوار** بود؟

- کار بعدی من چیست؟

بازخورد آموزگار

کارت خیلی خوب بود، چون:

کمی بیشتر دقّت کن، چون:

برای بهتر شدن کارهایت می‌توانی:



درس چهارم

۴ واژه های «خداحافظی، غلیظ، نپذیرفت، سُراغ، ذهن و لطیفه» در جدول زیر پنهان شده‌اند. آن‌ها را پیدا کن و در جاهای خالی بنویس.

ذ	خ	ط	غ	ا	ر	س
ه	د	ل	غ	ط	خ	ی
ن	ا	ر	م	خ	ذ	ن
ل	ح	ه	ف	ی	ط	ل
ا	ا	ح	ظ	ل	ا	غ
ت	ف	ر	ی	ذ	پ	ن
ب	ظ	ی	ل	ه	ل	ح
ا	ی	خ	ظ	ی	ل	غ

۴ یک بار از روی ترکیب‌های زیر بنویس. سپس یکی از آن‌ها را با نقّاشی نشان بده.

مسافری خسته و گرسنه

چند کلم توی باغچه

تعریف کردن قصّه یا لطیفه

۴ واژه‌های زیر را با توجّه به حرف اوّل آن‌ها به ترتیب حروف الفبا بنویس.

خاطره، دل‌پذیر، قرض، مثل، حاضر، تعریف، ذهن

ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
گ
ل
م
ن
و
ه
ی

وقتی مسافر سراغ خانه‌ی دوم رفت، چه گفت و چه شنید؟ این بخش را پیدا کن. بخوان و بنویس.

تصویر زیر مربوط به خانه‌ی سوم است. با توجّه به متن درس:

خانواده‌ی _____



- چه کسانی در این خانه زندگی می‌کنند؟

- در داستان هر یک از کارهای زیر را چه کسی انجام داد؟

کندن کلم از باغچه	ریختن نمک در دیگ	آوردن سیب‌زمینی	گرفتن پیاز از همسایه
_____	_____	_____	_____

- این خانواده، کدام یک از مواد داخل آش را از باغچه‌ی خودشان آورده بودند؟ آن را در باغچه بکش.
- به نظرت در این باغچه چه چیزهای دیگری کاشته‌اند؟
- به نظر من این خانواده _____ هستند، چون

۴ در هر ردیف یک واژه با دو واژه‌ی دیگر ارتباط ندارد. روی آن ✗ بزن. سپس یک واژه از داخل دیگ‌ها انتخاب کن که با موضوع آن ردیف ارتباط داشته باشد. این واژه را در جای خالی بنویس.



۱	گلدان	ماهی‌تابه	دیگ	
۲	تشک	پنکه	پتو	
۳	گچ‌کار	برق‌کار	همکار	
۴	عصبانی	خوش‌اخلاق	خوش‌رفتار	
۵	کوکوسبزی	پیاز	اُملت	
۶	شلخته	لجباز	مهربان	

موضوع‌های زیر را بخوان. هر کدام از این موضوع‌ها به کدام ردیف مربوط می‌شود؟ شماره‌ی آن را جلوی موضوع بنویس.

	وسایل خواب		شغل‌ها		غذاها		
	ویژگی‌های خوشایند		ظرف غذا		ویژگی‌های ناخوشایند		

چهار واژه بنویس که به موضوع **غذاهای آبکی** مربوط باشد:

۴ هنگام نوشتن متن زیر با رایانه، بعضی از واژه‌ها اشتباه نوشته شده است. آن‌ها را پیدا کن و درست آن را بالای واژه بنویس.

آهوی ناهوش و رزنگی در جنگلی زندگی می‌کرد. آهو بارها یوانسته بود از دست شبر، بنر و تمساح مرار کند. او ار هوش و زرنگی خود زتاد تعریف می‌گرد. روزی حلزون از او جواست با هم مسابقه‌ی دو بدهند. آهو پیشنهاد حلزون را پدیرفت، اما با کمال تعجّب، آهو مسابقه را باجت. او نفهمیده بود که حلزون دیکری در پاتان خطّ مسابقه، منتظر او ایستاده بود.

۴ در متن درس برای اوّلین بار در کدام جمله با واژه‌ی «**غلیظ**» روبه‌رو شدی؟ این جمله را بنویس.

با توجّه به فرهنگ زبان فارسی، معنی «**غلیظ**» را بنویس.

در بعضی از جمله‌های زیر واژه‌ی **غلیظ** و در بعضی از آن‌ها واژه‌ی **خیلی** به‌کار می‌رود. با توجّه به هر جمله، جای خالی را کامل کن.

- وقتی در هوا به قدری دود وجود دارد که نفس کشیدن سخت می‌شود، می‌گوییم دودی _____ همه‌جا را گرفته است.
- وقتی آسمان شب مثل قیر سیاه است و هیچ ماه و ستاره‌ای در آن پیدا نیست، می‌گوییم آسمان _____ تاریک است.
- وقتی مِهِ خیلی زیادی سطح زمین را می‌پوشاند و نمی‌توانیم جلوی خودمان را به‌خوبی ببینیم، می‌گوییم مِهِ _____ همه جا را گرفته است.

۴ به معنای **خانواده** توجّه کن:

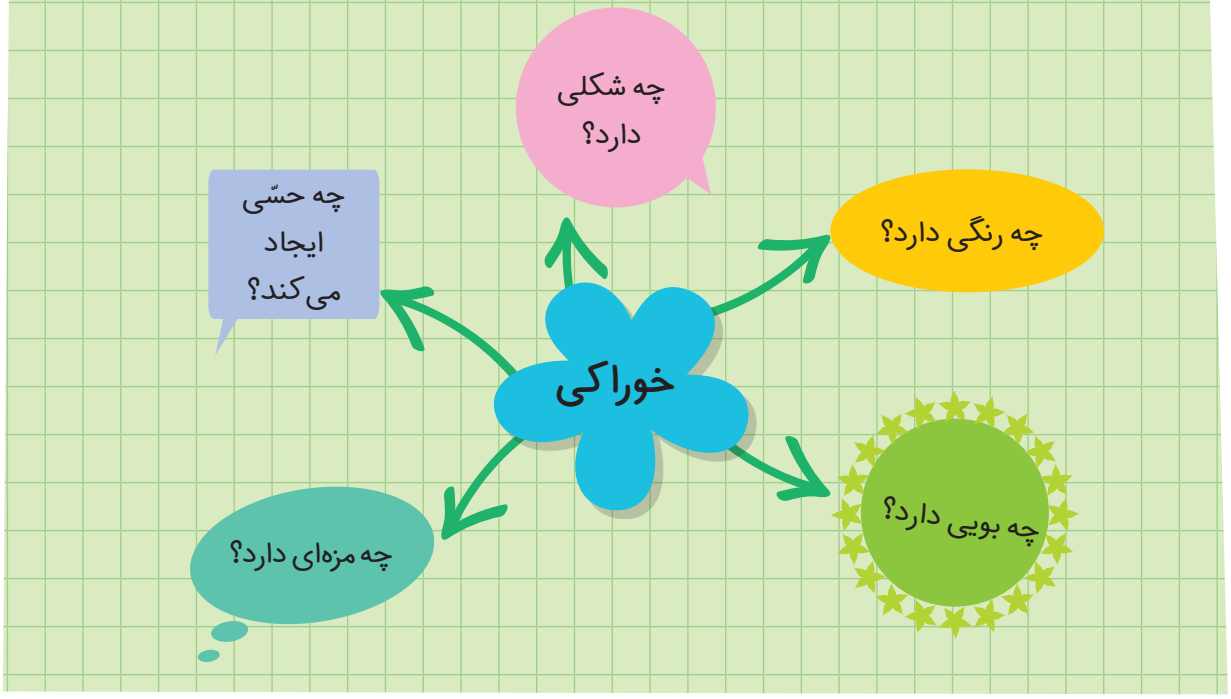
به پدر، مادر و فرزندان که در یک خانه کنار هم زندگی می‌کنند، **خانواده** می‌گویند.



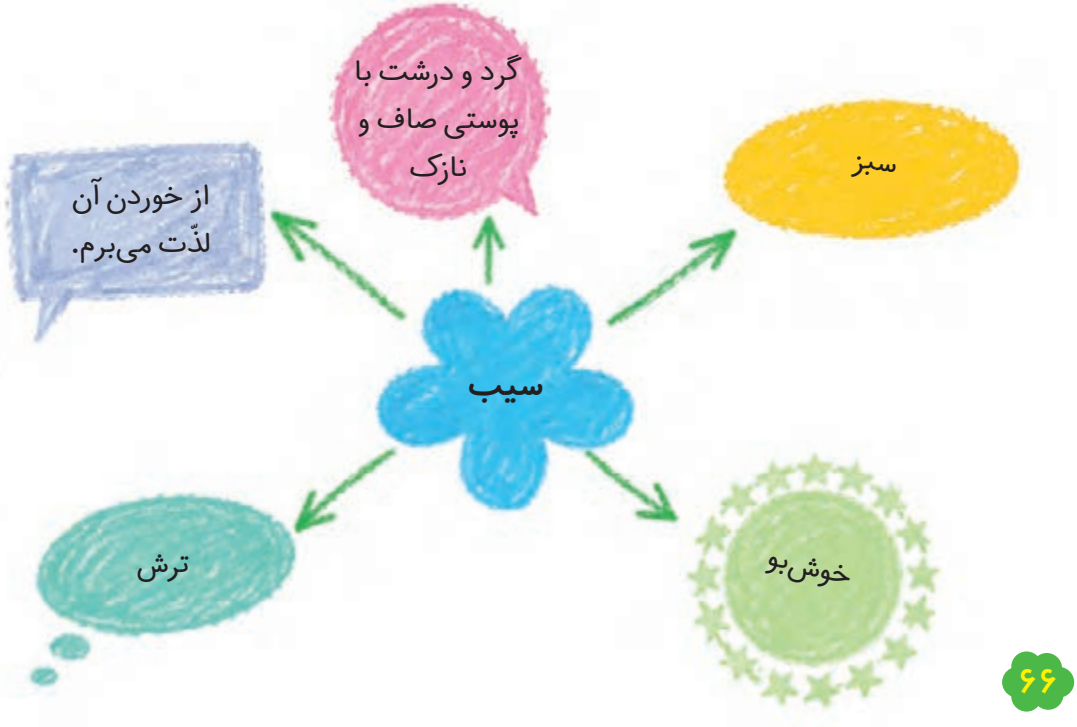
با استفاده از فرهنگ زبان فارسی، معنای واژه‌ی **باغچه** را بنویس.

باغچه:

وقتی می‌خواهیم درباره‌ی یک خوراکی بنویسیم، بهتر است ویژگی‌های آن را بیان کنیم. این کار باعث می‌شود تصویر دقیق‌تری از آن خوراکی نشان بدهیم.



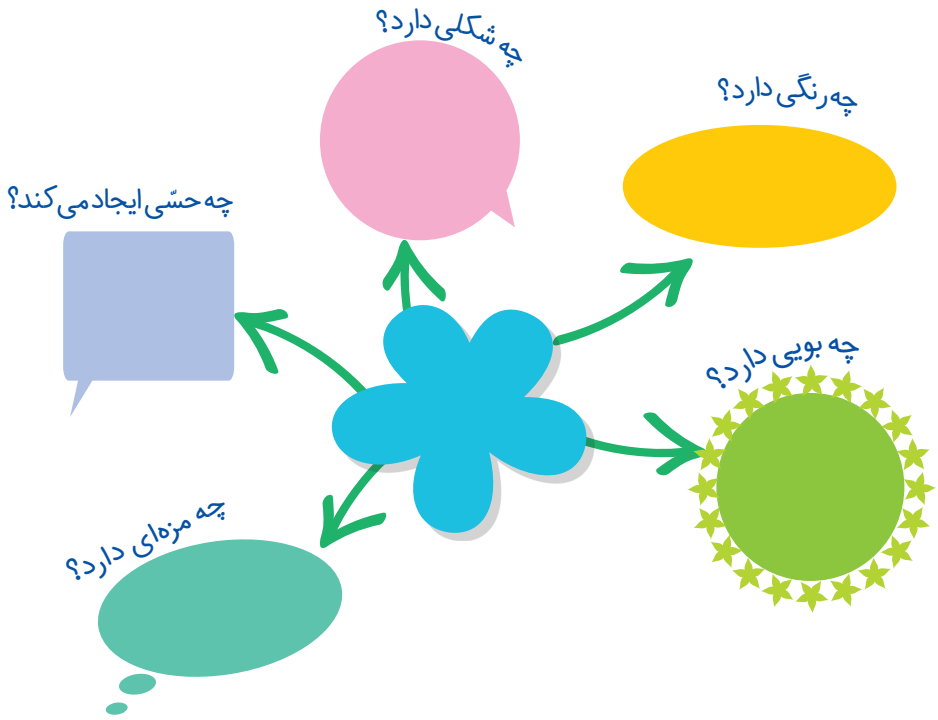
آموزگار از دانش‌آموزان خواست یک خوراکی انتخاب کنند و چند ویژگی آن را بنویسند. آرزو یک سیب را انتخاب کرد. او در دفترش نقشه‌ای مانند نقشه‌ی بالا کشید و کامل کرد:



سپس آموزگار از دانش‌آموزان خواست به کمک ویژگی‌هایی که برای آن خوراکی انتخاب کرده‌اند، متنی کوتاه بنویسند؛ طوری که اگر کسی آن را ندیده باشد بتواند آن خوراکی و مزه‌اش را تصوّر کند. نوشته‌ی آرزو را بخوان:

سیب من گرد و درشت است. این سیب، پوستی صاف و نازک به رنگ سبز دارد. سیبم خوش‌بو و مزه‌اش ترش است. من از خوردن آن لذّت می‌برم.

به یک خوراکی فکر کن. ابتدا چند ویژگی در مورد آن بنویس. سپس به کمک آن ویژگی‌ها متنی ساده بنویس. طوری که اگر کسی آن خوراکی را ندیده است، بتواند تصویرش را در ذهنش بسازد.



۴ وقتی مسافر سراغ خانه‌ی سوم رفت، چیزی گفت که اهالی این خانه تعجّب کردند. گفته‌های مسافر و اهالی خانه را بنویس.

۴ با توجّه به هر تصویر، جاهای خالی را کامل کن.



نام خوراکی:

رنگ:

بو:

مزه:

حسّی که ایجاد می‌کند:



نام خوراکی:

رنگ:

بو:

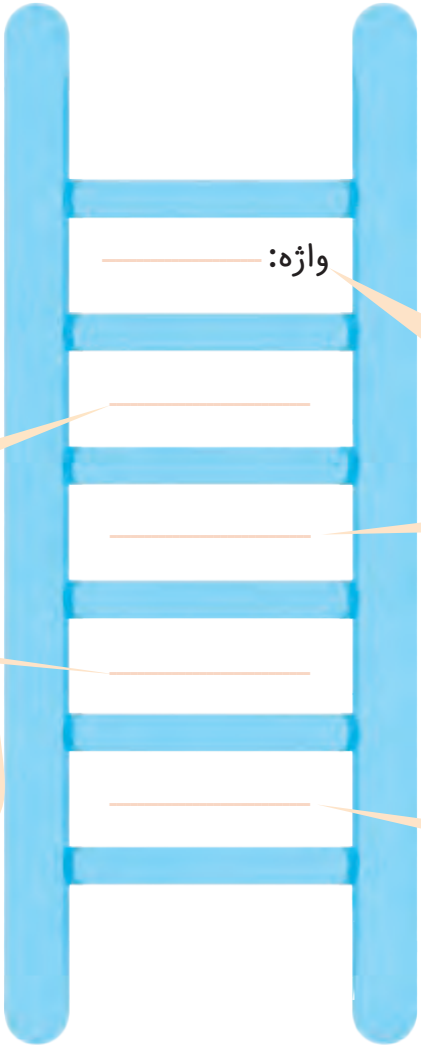
مزه:

حسّی که ایجاد می‌کند:

متنی کوتاه درباره‌ی یکی از آن‌ها بنویس.

وقتی مسافر سیب‌زمینی خواست. چه گفت و چه شنید؟ این قسمت را پیدا کن و بنویس.

سرنخ‌ها را بخوان، همه‌ی واژه‌ها را از پایین به بالای نردبان بنویس.



واژه:

حرف سوم پلّه‌ی اوّل:
حرف دوم پلّه‌ی دوم:
حرف آخر پلّه‌ی چهارم:
حرف سوم پلّه‌ی سوم:
حرف دوم پلّه‌ی چهارم:
روی هم می‌شود این واژه.

ماندن یا صبر کردن در جایی برای این که کسی بیاید یا اتّفاقی بیفتد.
○ شش حرف دارد.

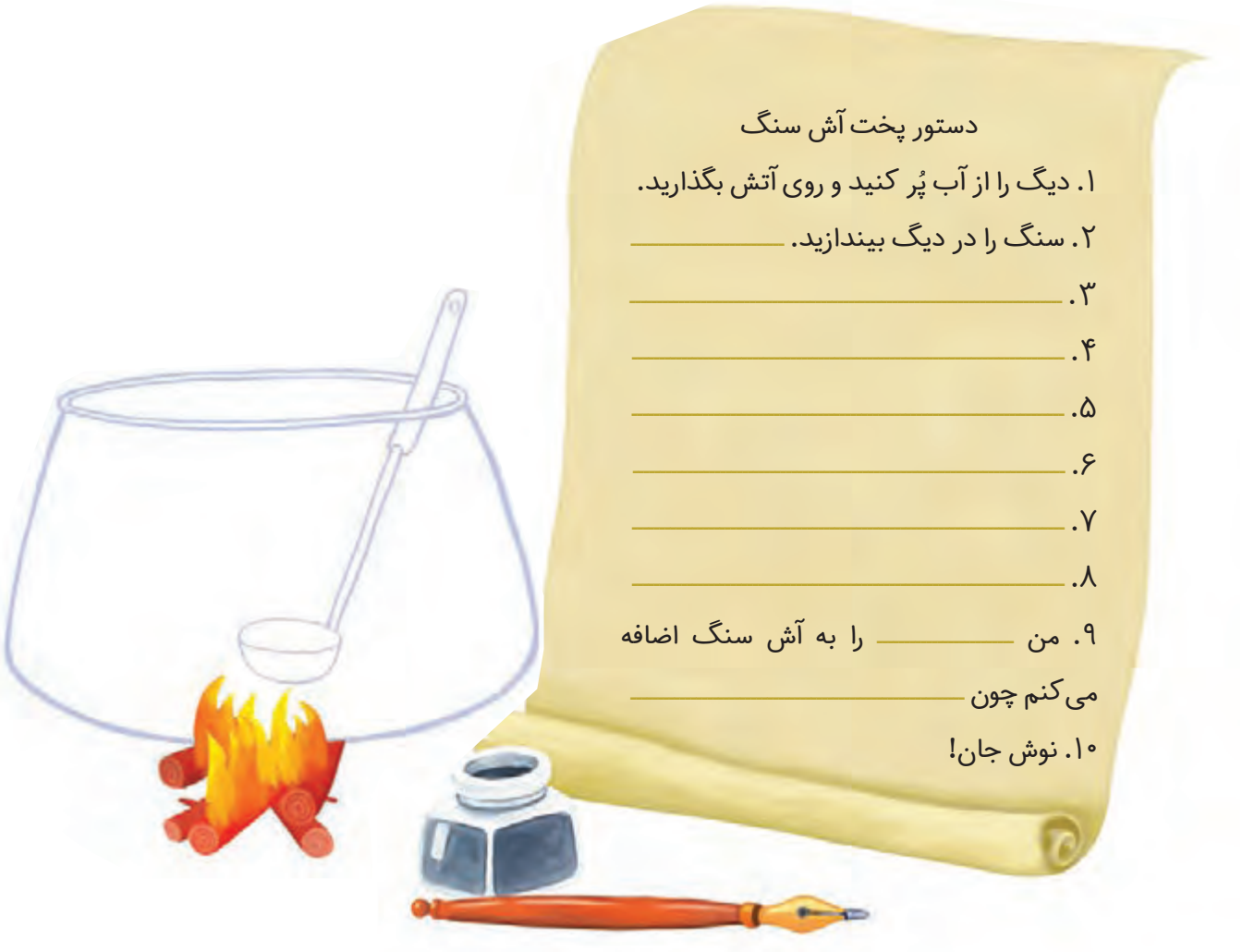
مخالف غلیظ است و دو تا «ق» دارد.
○ چهار حرف دارد.

مخالف گرسنه است.
○ سه حرف دارد.

مخالف بدمزه است.
○ شش حرف دارد.

در بخشی از متن آمده است که مسافر و اهالی خانه قصّه و لطیفه تعریف کردند. این بخش را پیدا کن و بنویس.

با توجّه به داستان، موادّ لازم برای پختن آش سنگ را در دیگ بکش. بعد دستور پخت آن را بنویس.



دستور پخت آش سنگ

۱. دیگ را از آب پُر کنید و روی آتش بگذارید.

۲. سنگ را در دیگ بیندازید. _____

۳. _____

۴. _____

۵. _____

۶. _____

۷. _____

۸. _____

۹. من _____ را به آش سنگ اضافه می‌کنم چون _____

۱۰. نوش جان!

متن را با دقّت بخوان و واژه‌های مناسب را انتخاب کن و در جای خالی بنویس.

خداحافظی، خوش‌مزه، لطیفه‌ای، صاحب‌خانه، مثل، خاطره

- زنِ _____ دیگ را از آب پر کرد و روی آتش گذاشت.
- مسافر چند _____ از سفرهایش برای آن‌ها تعریف کرد.
- هر کس قصّه یا _____ تعریف می‌کرد.
- اگر همیشه _____ امروز آشپزی کنید، می‌توانید غذاهایی _____ بپزید.
- مسافر _____ کرد و به سوی شهر و خانواده‌ی خود راه افتاد.

به تصویرها با دقّت نگاه کن. سپس جمله‌های هر کس را با توجّه به متن درس، در ابرک‌ها بنویس.



جمله‌ها را بخوان و جاهای خالی را پر کن.

- پیازها را هم در دیگ انداختند و به _____ نشستند.
- زن دیگ را روی آتش _____ .
- مادّه‌ی خوراکی سفید رنگی است که مزه‌ای شور دارد _____ است.
- به پدر، مادر و بچّه‌ها با هم یک _____ می‌گویند.
- به زمین کوچکی که در آن درخت و گل می‌کارند _____ می‌گویند.

حرف اوّل این واژه
حرف چهارم این واژه
حرف سوم این واژه
حرف سوم این واژه
حرف آخر این واژه

حرف‌های بالا را کنار هم قرار بده تا نام یک غذا درست شود. این غذای معروف و آبکی خیلی ساده وخوش‌مزه است.



نام غذا: ☐☐☐☐☐

از بزرگ‌ترهایت بپرس برای درست کردن این غذا از چه موادّی استفاده می‌شود؟ آن‌ها را بنویس.

از دوتا از دوستانت بپرس این غذا را چقدر دوست دارند؟ و چرا؟
میزان دوست داشتن هر فرد را با رنگ کردن یک تا پنج ستاره نشان بده.

نام و نام خانوادگی	چقدر این غذا را دوست دارد؟	چرا این غذا را دوست دارد یا ندارد؟
	☆☆☆☆☆	
	☆☆☆☆☆	

در پایان داستان، مسافر از آن خانواده سپاس‌گزاری می‌کند، چیزی به آن‌ها می‌بخشد و می‌رود. این بخش را پیدا کن و بنویس.

متن را با دقّت بخوان و به کمک حروف به‌هم‌ریخته، واژه‌ی مناسب بساز و در جای خالی بنویس.

حیوانات جنگل _____ (ت م ی ص م) گرفته بودند، هر روز یکی از آن‌ها پیش شیر زورگو برود و _____ یِ (ذ ا غ) او شود تا شیر کاری به دیگران نداشته باشد. وقتی نوبت خرگوش شد، فکری به _____ (ذ ن ه) او رسید. خرگوش دیر کرد. شیر زمان زیادی _____ (ا ن ظ ا ر ت) کشید. وقتی خرگوش رسید، شیر خشمگین پرسید چرا دیر کردی؟ خرگوش _____ (ف ع ت ی ر) کرد: «در راه، شیر دیگری جلویم را گرفت و گفت من پادشاه این جنگلم.» شیر که _____ (ع ص ا ب ی ن) شده بود، گفت: «همین _____ (ا ل آ ن) مرا پیش او ببر. خرگوش شیر را کنار چاه برد. شیر _____ (ت ص ر و ی) خودش را در آب دید. فکر کرد شیر دیگری در چاه است؛ به داخل چاه پرید و غرق شد.

جمله‌های زیر را به ترتیب اتّفاق‌هایی که در متن آمده است، شماره‌گذاری کن.

- اهالی خانه کم‌کم با او همراه شدند و با هم آشی خوش‌مزه پختند.
- در پایان، مسافر خداحافظی کرد و به سوی شهر و خانواده‌اش رفت.
- مسافری از اهالی سه خانه غذا خواست، امّا کسی چیزی نداشت.
- او سنگی در دیگ انداخت و گفت که آش سنگ درست می‌کند.
- در خانه‌ی سوم، مسافر فکری به ذهنش رسید.

۴ متن زیر خلاصه‌ی داستان «آش سنگ» است. آن را با دقّت بخوان.

مسافری گرسنه به روستایی رسید. او از اهالی سه خانه غذا خواست، امّا هیچ یک از آن‌ها چیزی برای خوردن نداشتند که به او بدهند. در خانه‌ی سوم، مسافر که سنگ کوچکی همراه خود داشت. فکری به ذهنش رسید. او دیگی پُر از آب خواست. دیگ را روی آتش گذاشت و سنگ را در آن انداخت تا آش درست کند. اهالی خانه آرام‌آرام با او همراهی کردند و به کمک یکدیگر آشی خوش‌مزه پختند و دور هم آن را خوردند. در پایان، مسافر از اهالی خانه خداحافظی کرد و به سوی شهر و خانواده‌ی خود راه افتاد.

با توجّه به خلاصه‌ی متن، به پرسش‌های زیر پاسخ بده.

- منظور از **او** در جمله‌ی «او از اهالی سه خانه غذا خواست.» کیست؟
- در جمله‌ی «اهالی خانه آرام‌آرام با او همراهی کردند.» منظور، اهالی کدام خانه است؟

تصویرهای به‌هم‌ریخته‌ی زیر، خلاصه‌ی متن را نشان می‌دهد. آن‌ها را با گذاشتن شماره از ۱ تا ۴ مرتّب کن.









جدول زیر را کامل کن.

سنگ

این واژه تو را یاد چه واژه‌های دیگری می‌اندازد؟

معنی این واژه را بنویس.

متنی بنویس که این واژه در آن به کار رفته باشد.

این واژه را با تصویر نشان بده.



نام آخرین کتابی را که از دوستت و یا از کتاب‌خانه امانت گرفته‌ای و می‌خواهی آن را به عنوان «کتاب بالای سر» بخوانی، بنویس.

نام کتاب: .....

کتاب درباره‌ی چیست؟

در هفته‌ی گذشته پیش از خواب چه کتاب‌هایی را به عنوان کتاب بالای سر خوانده‌ای؟

روز هفته	نام کتاب	تعداد صفحه‌هایی که خوانده‌ام



من در پایان درس

- چه چیزهایی یاد گرفته‌ام؟

- چه کارهایی به من کمک کرد تا بهتر یاد بگیرم؟
(می‌توانی چند مورد را انتخاب کنی.)
  - ☐ دوباره خواندم.
  - ☐ تمرین کردم.
  - ☐ از کسی پرسیدم.
  - ☐ با دقّت فکر کردم.
  - ☐ برای کسی توضیح دادم.
  - کاری دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **جالب** بود؟

- چه کسی یا چه چیزی به من کمک کرد؟
  - ☐ آموزگارم
  - ☐ یکی از دوستانم
  - ☐ کتاب
  - ☐ خانواده
  - کسی یا چیزی دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **دشوار** بود؟

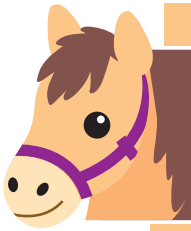
- کار بعدی من چیست؟

بازخورد آموزگار

کارت خیلی خوب بود، چون:

کمی بیشتر دقّت کن، چون:

برای بهتر شدن کارهایت می‌توانی:



درس پنجم

ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
گ
ل
م
ن
و
ه
ی

واژه های زیر را با توجّه به صدای حرف «و» در ستون مربوط به خودش بنویس.

هوش، خواهش، دو، باور، می‌خواستم، پول، جلو، روغن، می‌تواند، خورد
می‌خواهیم، کوزه، احوال‌پرسی، فرو رفت، داوری، کتاب‌خوان

«و» صدای [و] می‌دهد.	«و» صدای [او] می‌دهد.	«و» صدای [اُ] می‌دهد.	«و» خوانده نمی‌شود.

یک بار از روی ترکیب‌های زیر بنویس.

شکسته شدن کوزه‌ی روغن	
میدان پر از جمعیت	
سکّه‌های داخل کاسه	

واژه های زیر را با توجّه به حرف اوّل آن‌ها به ترتیب حروف الفبا بنویس.

قاضی، محاکمه، دارایی، سرمایه، تقصیر، روغن، خسارت

در شروع داستان، چند اتّفاق پشت سر هم می‌افتد و سرانجام کوزه می‌شکند. این بخش را بخوان و بنویس.

در بخشی از متن، صاحب روغن با داد و فریاد می‌گوید که روغنش از دست رفت. این بخش را بنویس و سپس از دست رفتن روغن را با نقّاشی نشان بده.

جمله ای بنویس که نشان دهد چیزی را از دست داده‌ای.

جمله‌ی من:

در هر ردیف یک واژه با دو واژه‌ی دیگر ارتباط ندارد. روی آن ✗ بزن. سپس یک واژه از روی سکّه‌ها انتخاب کن که با موضوع آن ردیف ارتباط داشته باشد. این واژه را در جای خالی بنویس.



۱	قاضی	روغن	هیزم‌فروش	
۲	دوچرخه	خیابان	کوچه	
۳	جاروبرقی	کتاب	یخچال	
۴	آبشار	کوه	ساختمان	
۵	قیچی	مداد رنگی	دفتر نقّاشی	
۶	پلنگ	گوسفند	الاغ	

موضوع‌های زیر را بخوان. هر کدام از این موضوع‌ها به کدام ردیف مربوط می‌شود؟ شماره‌ی آن را جلوی موضوع بنویس.

محل‌های رفت‌وآمد		حیوانات اهلی		وسایل برقی	
وسایل نقّاشی		شغل‌ها		پدیده‌های طبیعی	

چهار واژه بنویس که به موضوع **وسایل رفت‌وآمد** مربوط باشد:

هنگام نوشتن متن زیر با رایانه، بعضی از واژه‌ها اشتباه نوشته شده است. آن‌ها را پیدا کن و درست آن را بالای واژه بنویس.

زوری مردی کوره‌ی روغنی برداشت تا به شهر بنرد و بفروشد. در میان راه حسته شد. کوزه را کنار سنگی گذاشت و نشست تا کمی استراجت کند. هیزم‌قروشی با الاغش از راه رسید و همین که خواشت با صاحب روغن سلام و احوال‌ترسی کند، پای الاغ به کوزه حورد، کوزه افتاد و شکست.

در متن درس برای اوّلین بار در کدام جمله با واژه‌ی «**خسارت**» روبه‌رو شدی؟ این جمله را بنویس.

معنی «**خسارت**» را بنویس.

جمله‌های زیر را طوری تغییر بده تا بتوانی در آن‌ها واژه‌ی «**خسارت**» را به کار ببری.

- هر دو تا ماشین در تصادف آسیب دیدند.
- حشرات به محصولات کشاورزی آسیب رساندند.
- زمین‌لرزه بعضی از خانه‌ها را خراب کرد.

به معنای **روغن** توجّه کن:

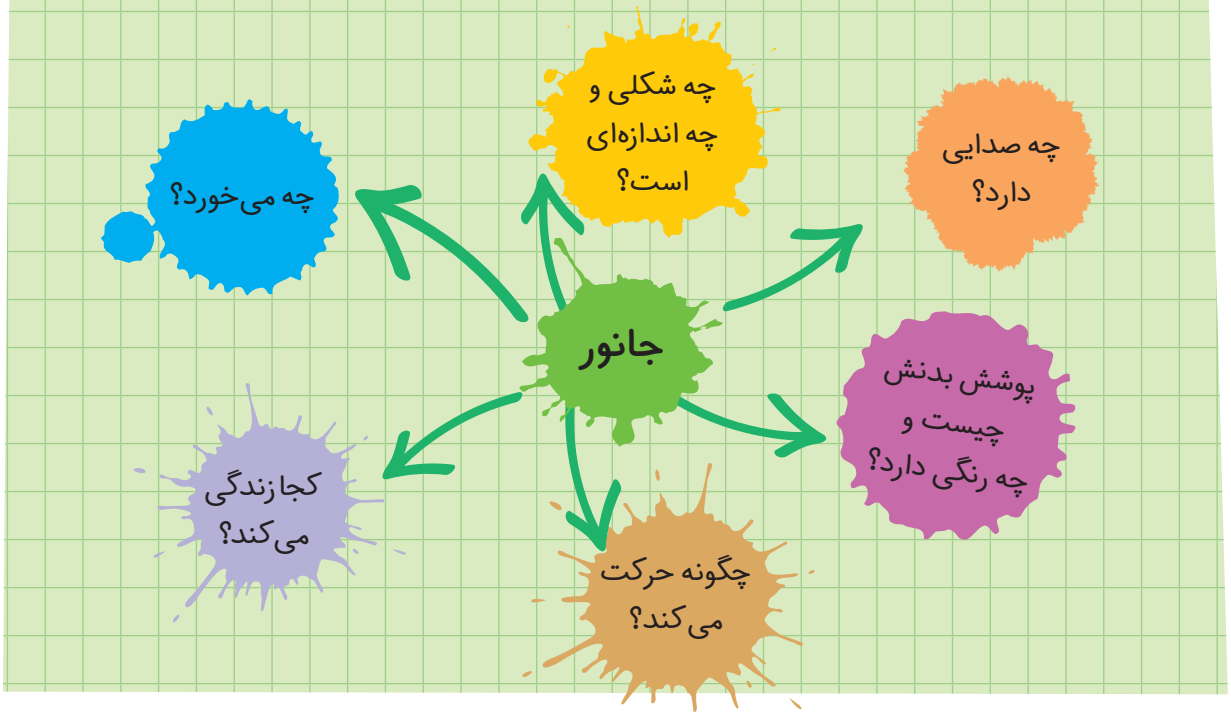


روغن مادّه‌ای است که از چربی بدن بعضی از جانوران مثل گاو و گوسفند یا از دانه‌ی گیاهانی مثل کنجد، زیتون، ذرّت و آفتاب‌گردان به دست می‌آید.

با استفاده از فرهنگ زبان فارسی، معنای واژه‌ی **غذا** را بنویس.

غذا:

وقتی می‌خواهیم درباره‌ی یک جانور بنویسیم، بهتر است ویژگی‌های مربوط به آن را بیان کنیم. این کار باعث می‌شود تصویر دقیق‌تری از آن جانور نشان بدهیم.



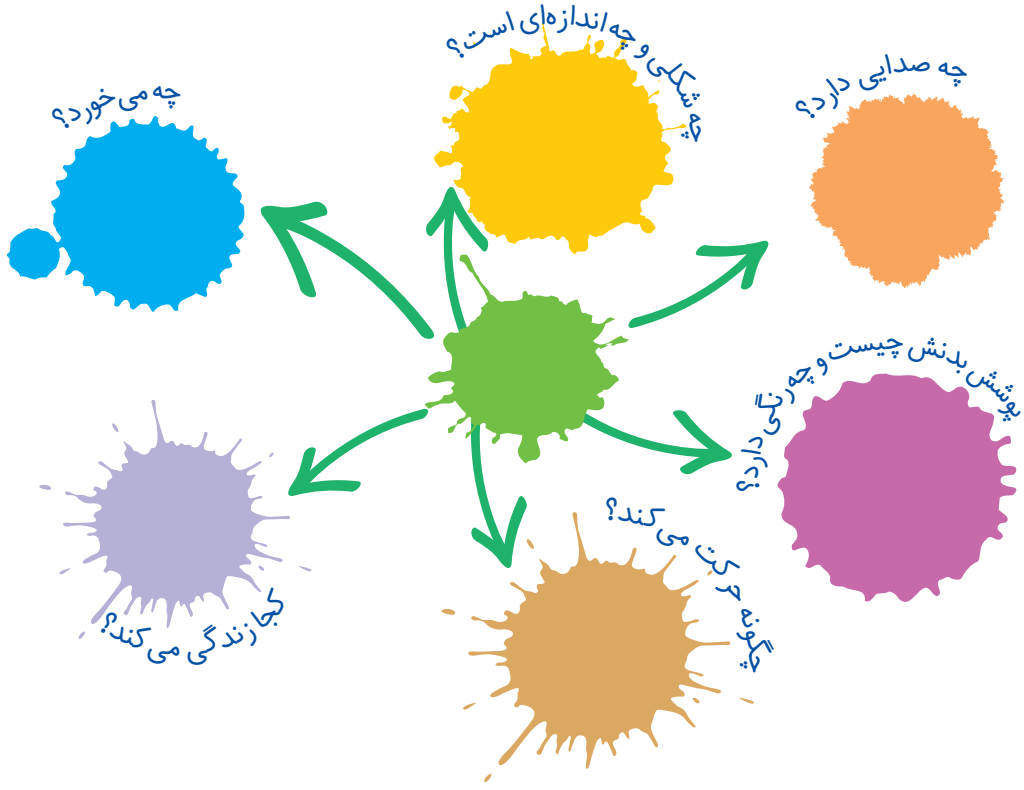
آموزگار از دانش‌آموزان خواست جانوری را انتخاب کنند و چند ویژگی در مورد آن بنویسند. آرزو طوطی را انتخاب کرد. او در دفترش نقشه‌ای مانند نقشه‌ی بالا کشید و کامل کرد:



سپس آموزگار از دانش‌آموزان خواست با توجّه به این ویژگی‌ها متنی کوتاه بنویسند؛ طوری که اگر کسی آن جانور را ندیده است، بتواند تصویرش را در ذهنش بسازد. نوشته‌ی آرزو را بخوان:

طوطی پرنده‌ای کوچک یا متوسط است که در جنگل زندگی می‌کند. پرهای طوطی نرم و رنگارنگ است. رنگ این پرها سبز، زرد، قرمز و آبی است. طوطی دُم بلندی دارد. او به کمک منقار خمیده‌اش تخمه و پسته را می‌شکند و مغز آن‌ها را می‌خورد. طوطی‌ها پُر سر و صدا هستند و بعضی از آن‌ها می‌توانند صداها را تقلید کنند.

به جانور دیگری فکر کن. ابتدا چند ویژگی در موردش بنویس. سپس با توجّه به این ویژگی‌ها متنی ساده بنویس طوری که اگر کسی آن جانور را ندیده است، بتواند تصویرش را در ذهنش بسازد.



در بخشی از متن صاحب روغن و صاحب الاغ پیش قاضی می‌روند. صاحب روغن ماجرای خسارتی را که دیده است برای قاضی تعریف می‌کند. این بخش را بخوان، سپس آن را بنویس.

ابتدا تصویر را با دقّت نگاه کن. بعد چند جمله در مورد جانوری که می‌بینی، بنویس. در نوشته‌ات، واژه‌هایی به کار ببر که این جانور را دقیق‌تر معرّفی کند.



عبارت سمت راست را با یک خط به عبارت مناسب با آن در سمت چپ وصل کن تا جمله‌ی کامل به دست بیاید.

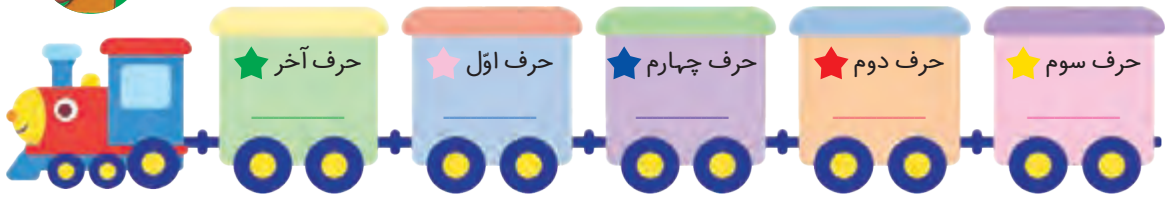
قاضی دستور داد	تا کمی استراحت کند.
من پولی ندارم	کوزه‌ی پر از روغن این مرد را شکسته.
صاحب روغن کنار سنگ نشست	سکّه‌ها را به صاحب روغن بدهند.
الاغی که می‌بینید	که به این مرد بدهم.

در بخشی از داستان، مردم متوجّه می‌شوند که قرار است الاغی محاکمه شود. این بخش را پیدا کن. سپس آن را بنویس.

با توجّه به توضیحات، واژه‌ی داخل قطار را پیدا کن و بنویس.



- واژه‌ای که هم نام یک پرنده است، هم نام یک میوه: _____
- واژه‌ای که مخالف دختر است: _____
- ظرفی بزرگ‌تر از استکان یا فنجان برای نوشیدن آب یا چای: _____
- بخشی از لباس که دور گردن آدم را می‌گیرد: _____
- موهای بلند روی گردن اسب: _____



واژه: _____

فرض کن به جای کوزه، پای الاغ می‌شکست. گفت‌وگوی میان صاحب الاغ و صاحب روغن را بنویس.

صاحب الاغ: _____

صاحب روغن: _____

صاحب الاغ: _____

صاحب روغن: _____

در بخشی از متن، قاضی ماجرای الاغ و خسارتی را که به صاحب روغن زده است، توضیح می‌دهد و نظر مردم را می‌پرسد. این بخش را برای خودت بخوان. سپس آن را بنویس.

هر جمله را به تصویر مربوط به آن وصل کن.

قاضی به فکر فرو رفت.

مردم با اشاره‌ی قاضی آرام شدند.

میدان پُر از جمعیت شد.







یک آتش‌نشان را در ذهنت تصوّر کن. سپس متنی بنویس که در آن ویژگی‌های او مشخّص شود.

در متن، یک بار مردم به قاضی پاسخ می‌دهند: «نه، نه!» و یک بار پاسخ می‌دهند: «بله، بله!». پرسش‌های قاضی را از داخل متن پیدا کن و در جای خالی بنویس.

- پرسش قاضی: .....

پاسخ مردم: «نه، نه!»

- پرسش قاضی: .....

.....

پاسخ مردم: «بله، بله!»

با توجّه به متن، پاسخ درست یا نادرست را انتخاب کن.

	درست	نادرست
هیزم‌فروش کوزه‌ی روغن را شکست.		
صاحب روغن سمت راست و الاغ و صاحبش سمت چپ قاضی ایستاده بودند.		
قاضی دستور داد سکّه‌ها را به صاحب روغن بدهند.		
قاضی گوشه‌ی میدان ایستاده بود.		

تصویر زیر، میدان شهر و ماجرای داوری قاضی را نشان می‌دهد. برخی از اطّلاعات مربوط به این بخش از داستان نقّاشی نشده است. آن‌ها را نقّاشی کن.



صاحب روغن به بازار شهر رفت. با سکّه‌ها، غذا و لباس خرید و بعد تصمیم گرفت به خانه برگردد. با پاسخ به پرسش‌ها مسیر برگشت او را مشخّص کن.

سفر کوتاه

۱. موضوع درسِ **محاکمه‌ی الاغ** درباره‌ی چیست؟

الف) به‌دست آوردن پول به کمک مردم

ب) استفاده از فکر برای حلّ مشکل



۲. قاضی به فکر فرو رفت یعنی:

الف) مشغول فکر کردن شد.

ب) خوابش برد.

الف ◀ ب ◀

۳. با توجّه به متن، کدام جمله درست است؟

الف) صاحب روغن کوزه را روی سنگی گذاشت.

ب) صاحب روغن کوزه را کنار سنگی گذاشت.

الف ◀ ب ◀

۴. با توجّه به متن، کدام جمله درست است؟

الف) الاغ همان روز که کوزه را شکست، محاکمه شد.

ب) الاغ صبح روز بعد محاکمه شد.

الف ◀ ب ◀

۵. کدام یک با واژه‌ی «جمعیت» ارتباط دارد؟

الف) قاضی

ب) مردم

الف ◀ ب ◀

۶. واژه‌ی «شهر» با کدام یک از واژه‌های زیر ارتباط دارد؟

الف) روستا

ب) صندلی

الف ◀ ب ◀





تصویرها را به‌ترتیب ببین، به کمک آن‌ها داستان بساز و آن را تعریف کن. سپس داستانت را بنویس.





روز جمعه بود. ما با اتوبوس به طرف خانه‌ی مادربزرگ می‌رفتیم.

جمله‌های زیر را با واژه‌های مناسب کامل کن.

خوانا، کتاب‌خوان، خوانندگان، می‌خوانند

- آن‌هایی که کتاب زیاد _____ چیزهای زیادی می‌دانند.
- دوستم واژه‌های زیادی می‌داند، چون _____ ماهری است.
- خواهرم خوش‌خط و _____ می‌نویسد.
- کتاب داستانی که می‌خوانم با این جمله شروع شده است: «_____ کنجکاو، برنده‌اند.»

جمله‌های زیر را به ترتیب اتّفاق‌هایی که در متن آمده است، شماره‌گذاری کن.

- کسانی می‌توانستند محاکمه‌ی الاغ را ببینند که سکّه‌ای بپردازند.
- پای الاغی به کوزه‌ی روغن مردی خورد و کوزه شکست.
- سرانجام گفته‌های قاضی باعث شد مردم سکّه‌های جمع شده را به صاحب روغن بدهند.
- آن‌ها پیش قاضی رفتند.
- قاضی تصمیم گرفت الاغ را در میان مردم محاکمه کند.
- صاحب الاغ، تقصیر را به گردن الاغش انداخت.

متن زیر خلاصه‌ی داستان «محاکمه‌ی الاغ» است. در بعضی از جمله‌ها دو واژه آمده است. واژه‌ی مناسب را انتخاب کن تا جمله کامل شود.

مردی کوزه‌ی روغن خود را برای فروش به (شهر – روستا) می‌برد. در میان راه، پای الاغی به کوزه خورد و کوزه شکست. صاحب الاغ تقصیر را به گردن الاغش انداخت. آن دو مرد پیش قاضی رفتند. قاضی بعد از شنیدن حرف‌های هر دو، (پاسخ داد – تصمیم گرفت) الاغ را محاکمه کند. روز بعد هر کس می‌خواست محاکمه‌ی الاغ را ببیند، (باید – شاید) سکّه‌ای در کاسه می‌انداخت. بعد قاضی درباره‌ی محاکمه‌ی الاغ با مردم حرف زد و حرف‌های قاضی باعث شد، مردم (مجبور شوند – بپذیرند) سکّه‌های جمع شده را به صاحب روغن بدهند.

با توجّه به خلاصه‌ی متن، به پرسش‌های زیر پاسخ بده.

۱. کدام یک معنای واژه‌ی خسارت را بهتر نشان می‌دهد؟

☐ آسیبی که بر اثر اتّفاقی پیش می‌آید. ☐ سودی که به کسی می‌رسد.

۲. کدام واژه ویژگی قاضی را نشان می‌دهد؟

☐ قوی ☐ باهوش

۳. کدام اتّفاق در این داستان مهم‌تر بود؟

☐ فریاد زدن جارچی‌ها

☐ جمع شدن مردم در میدان

☐ برخورد پای الاغ با کوزه و شکسته شدن کوزه

۴. کدام جمله نشان می‌دهد همان روزی که کوزه شکست، الاغ محاکمه نشد؟

۵. کدام جمله نشان می‌دهد که تماشای محاکمه‌ی الاغ رایگان نبوده است؟

جدول زیر را کامل کن.

این واژه تو را یاد چه واژه‌های دیگری می‌اندازد؟	معنی این واژه را بنویس.
متنی بنویس که این واژه در آن به کار رفته باشد.	این واژه را با تصویر نشان بده.

میدان



از بزرگ‌ترهایت بخواه یکی از افسانه‌ها یا حکایت‌های قدیمی را برایت تعریف کنند.

نام این افسانه را بنویس.

خلاصه‌ی این افسانه یا حکایت را بنویس.

از شنیدن این حکایت یا افسانه چه احساسی پیدا کرده‌ای؟

😄 خیلی دوستش داشتم.	🙂 دوستش داشتم.
😐 معمولی بود.	😟 زیاد دوستش نداشتم.

آیا خواندن این حکایت یا افسانه را به دوستانت پیشنهاد می‌دهی؟ چرا؟

در مسیر یادگیری

من در پایان درس ----------

- چه چیزهایی یاد گرفته‌ام؟ ----------

- چه کارهایی به من کمک کرد تا بهتر یاد بگیرم؟
(می‌توانی چند مورد را انتخاب کنی.)
  - ☐ دوباره خواندم.
  - ☐ تمرین کردم.
  - ☐ از کسی پرسیدم.
  - ☐ با دقّت فکر کردم.
  - ☐ برای کسی توضیح دادم.

  کاری دیگر: ----------

- کدام قسمت درس برایم **جالب** بود؟ ----------

- چه کسی یا چه چیزی به من کمک کرد؟
  - ☐ آموزگارم
  - ☐ یکی از دوستانم
  - ☐ کتاب
  - ☐ خانواده
  - ☐ کسی یا چیزی دیگر: ----------

- کدام قسمت درس برایم **دشوار** بود؟ ----------

- کار بعدی من چیست؟ ----------

بازخورد آموزگار

کارت خیلی خوب بود، چون: ----------

کمی بیشتر دقّت کن، چون: ----------

برای بهتر شدن کارهایت می‌توانی: ----------



درس ششم

واژه هایی که در این‌جا برعکس نوشته شده‌اند، در متن درس آمده‌اند. درست این واژه‌ها را بنویس.

روسانیاد	میمصت	طقف	ضرف	دوجو
دایناسور				

ولج	بیجع	تبحص	هلصاف	ینالوط

کدام یک از ترکیب‌های هر ردیف در درس آمده است؟ دور آن خط بکش و آن را بنویس.

از نکات عجیب	یکی از نکته‌ها	
چندین و چند سال	چندین سال	
در مورد دایناسورها	درباره‌ی دایناسورها	
برنامه‌ی غذایی	برنامه‌ی تغذیه	
بر اثر این برخورد	با توجّه به این برخورد	
طبقه‌ی چهارم	طبقه‌ی چهاردهم	

واژه های زیر را با توجّه به حرف اوّل آن‌ها به ترتیب حروف الفبا بنویس.

دایناسور، فاصله، عجیب، وعده، گیاه‌خوار، موجودات

ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
گ
ل
م
ن
و
ه
ی

همه‌ی دایناسورها بزرگ نیستند. در متن درباره‌ی یکی از دایناسورهای کوچک مطلبی آمده است. این بخش را پیدا کن و بنویس.

هر جمله را به تصویر مربوط به آن وصل کن.

کومپسوگناتوس به اندازه‌ی یک مرغ یا گربه بود.

تی‌ـرکس دایناسور درّنده‌ای بود.

آرژانتینوسوروس به اندازه‌ی یک ساختمان چهار طبقه بود.







سکّوی فکر

با توجّه به جمله‌های زیر، تصویر سکّوی فکر درس «دایناسورها» را کامل کن.

- چند ابر بزرگ خاکستری در آسمان بکش.
- دود و آتش از کوه آتش‌فشان خارج می‌شود. آن‌ها را نقّاشی کن.
- هفت تخم بزرگ در آشیانه‌ی دایناسور بکش.

در هر ردیف یک واژه با دو واژه‌ی دیگر ارتباط ندارد. روی آن ✗ بزن. سپس یک واژه از روی تخم دایناسور انتخاب کن که با موضوع آن ردیف ارتباط داشته باشد. این واژه را در جای خالی بنویس.



۱	کتاب	رادیو	مجلّه	
۲	کومپسوگناتوس	تی-رکس	خروس	
۳	زنبور	گنجشک	طوطی	
۴	بارانی	رودخانه	ابری	
۵	مارمولک	عروس دریایی	ماهی	
۶	آفتاب‌گردان	نرگس	بید	

موضوع‌های زیر را بخوان. هر کدام از این موضوع‌ها به کدام ردیف مربوط می‌شود؟ شماره‌ی آن را جلوی موضوع بنویس.

گل‌ها		دایناسورها		آب و هوا			
حیوانات دریایی		پرندگان		خواندنی‌ها			

چهار واژه بنویس که به موضوع **جانوران شاخ‌دار** مربوط باشد:

هنگام نوشتن متن زیر با رایانه، بعضی از واژه‌ها اشتباه نوشته شده است. آن‌ها را پیدا کن و درست آن را بالای واژه بنویس.



دانیاسورها رمانی طولانی روی زمبن زندگی کردند. بسیاری از دانشمندان می‌گویند: «زوری سنک آسمانی خیلی بزرگی از قضا آمد و با زمین برخورد گرد. بر اتر این برخورد، گرد و خاک زبادی به هوا رفت. آسمان به مدّت چندین سال تاریک شد. در این فاصله، جنگل‌ها آتش گرفنند و درخت‌ها و جانوران زیادی از بین رمتند. کم‌کم دایناسورها گرشنه ماندند، خیلی از آن‌ها یبمار شدند و مردند.»



در متن درس برای اوّلین بار در کدام جمله با واژه‌ی «**فضا**» رو به رو شدی؟ این جمله را بنویس.

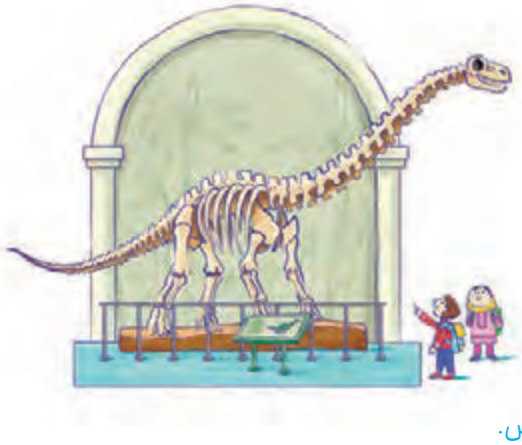
معنی «**فضا**» را بنویس.

با توجّه به جمله‌های زیر، یکی از این واژه‌ها را انتخاب کن و در جای خالی بنویس.

فضاپیما، فضانوردی، فضانورد، فضایی

- فضانوردان با _____ به ماه سفر می‌کنند.
- من دوست دارم در آینده _____ شوم.
- _____ هیجان‌انگیز است.
- بسیاری از مردم دوست دارند با سفینه‌های _____ سفر کنند.

به معنای **دایناسور** توجّه کن:

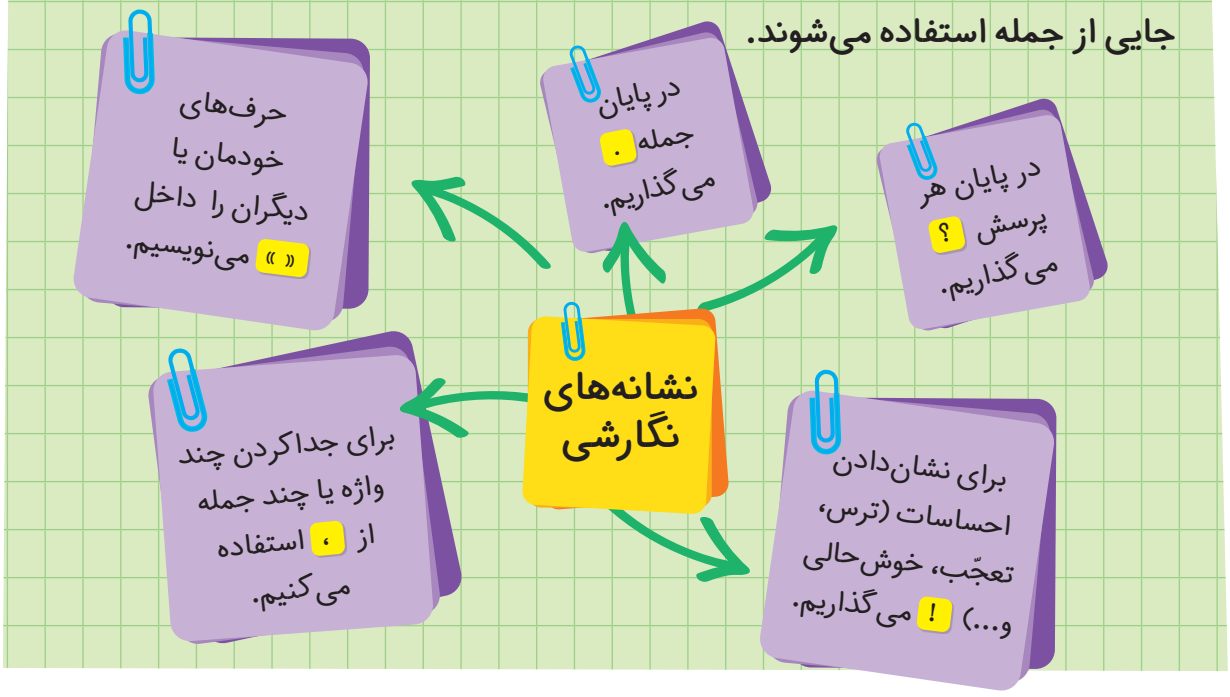


دایناسور جانوری است که انواع گوناگونی دارد و خیلی سال پیش، بر اثر برخورد سنگ آسمانی بزرگی با زمین از بین رفته است. امروزه فقط نشانه‌هایی از دایناسورها به جا مانده است.

با استفاده از فرهنگ زبان فارسی، معنای واژه‌ی **سیب‌زمینی** را بنویس.

سیب‌زمینی: _____

شاید شما هم در نوشته‌های مختلف نشانه‌های . ؟ ! ، « » را دیده باشید.
این‌ها نشانه‌های نگارشی هستند. نشانه‌های نگارشی به ما کمک می‌کنند نوشته را دقیق‌تر، درست‌تر و روان‌تر بخوانیم و بهتر بفهمیم. نقطه .، علامت پرسش ؟، علامت تعجّب !، ویرگول ، و گیومه « » نام این نشانه‌ها هستند. هر کدام از این نشانه‌ها در جایی از جمله استفاده می‌شوند.



آموزگار به هریک از دانش‌آموزان پنج کارت داد و از آن‌ها خواست روی هر کارت یکی از نشانه‌های نگارشی و جای استفاده‌ی آن را بنویسند. آموزگار نام نشانه‌ها را یکی‌یکی گفت و از دانش‌آموزان خواست کارت مربوط به هر کدام را نشان بدهند، سپس روی کارت مربوط به هر نشانه، جمله‌ای مناسب بنویسند.
کارت‌های آرزو را با دقّت ببین و بخوان.

.	؟	!	،	« »
در پایان جمله می‌گذاریم.	در پایان هر پرسش می‌گذاریم.	برای نشان دادن احساسات می‌گذاریم.	برای جدا کردن چند واژه یا چند جمله استفاده می‌کنیم.	حرف‌های کسی را داخل آن می‌نویسیم.
امید از مدرسه به خانه برگشت.	چرا شب‌ها آسمان تاریک می‌شود؟	چه آسمان زیبایی!	من کتاب فارسی، دفتر، مداد و تراشم را در کیفم گذاشتم.	من به امید گفتم: «بیا برایت کتاب بخوانم.»

سپس آموزگار از دانش‌آموزان خواست برای جمله‌های زیر نشانه‌های نگارشی مناسب بگذارند تا جمله کامل شود. تو هم این کار را انجام بده.

- خورشید در آسمان می‌درخشد
- چرا خورشید گرم و سوزان است
- عجب کیک خوش‌مزه‌ای
- امید آرزو مامان و بابا به موزه رفتند
- آرزو گفت: جانمی جان می‌خواهیم به کوه برویم
- چرا دایناسورها از بین رفتند
- امید به آرزو گفت: امروز می‌خواهی چه کتابی برایم بخوانی
- چقدر از دیدنت خوش‌حال شدم
- روزی سنگ آسمانی بزرگی با زمین برخورد کرد
- وای دستم سوخت

در جدول زیر برای هر یک از نشانه‌های نگارشی، جمله‌ای مناسب با آن نشانه بنویس.

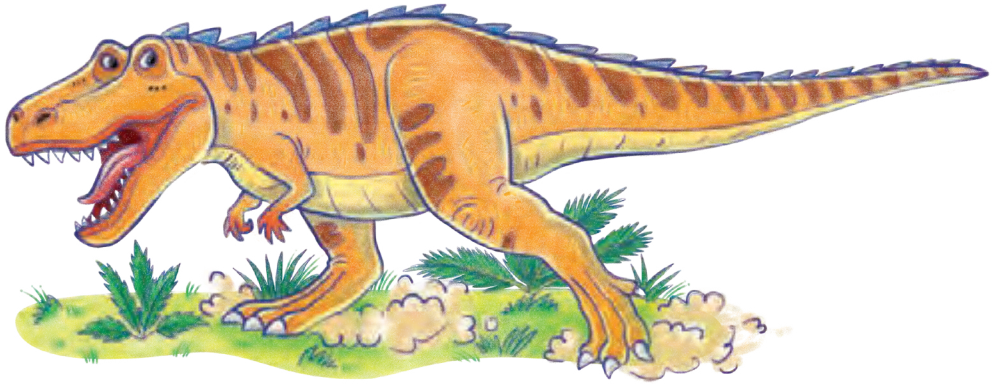
.	
؟	
!	
،	
« »	



واژه‌ی مناسب را انتخاب کن و در جای خالی بنویس. (پنج واژه اضافه است.)

- پیش از این که انسانی روی کره‌ی زمین زندگی کند، _____ وجود داشته‌اند.
- بعضی از دایناسورها خیلی کوچک و _____ خیلی بزرگ بودند.
- _____ زیادی درباره‌ی دایناسورها هست. شما می‌توانید این اطّلاعات را در کتاب‌های علمی پیدا کنید.
- غذای آرژانتینوسوروس به اندازه‌ی غذای هفت تا _____ بود.
- سه تا گوساله، غذای حدود چهار تا پنج سالِ یک _____ است.

در بخشی از متن، به دایناسوری اشاره می‌شود که برنامه‌ی غذایی‌اش خیلی عجیب بوده و در یک هفته حدود چهار تا پنج سال یک آدم غذا می‌خورده است. این بخش را پیدا کن و بنویس.



هنگام نوشتن متن زیر، برخی از نشانه‌های نگارشی فراموش شده است. متن را با دقّت بخوان و نشانه‌های نگارشی مناسب را بگذار.

آموزگار به دانش‌آموزان گفت آیا می‌دانستید که سرزمین ایران هم محلّ زندگی دایناسورها بوده است دانش‌آموزان با تعجّب گفتند چه جالب

آموزگار گفت در ایران ردّپاهای زیادی از دایناسورها روی تخته‌سنگ‌ها کشف شده است در نزدیکی شهر زَرَند بیش از پنجاه ردّپا از دایناسورها پیدا کرده‌اند ردّپاهایی که در شهر زرند پیدا شده‌اند به قدری شگفت‌آورند که زرند را به یکی از مهم‌ترین مکان‌ها برای دیدن نشانه‌های دایناسورها تبدیل کرده است آیا شما هم دوست دارید به این شهر سفر کنید

در بخش دیگری از متن، به دایناسور گیاه‌خواری اشاره می‌شود که برنامه‌ی غذایی‌اش خیلی عجیب بوده است. این بخش را در درس پیدا کن و بنویس.

تصویرها را به ترتیب ببین و ماجرای آن را تعریف کن. سپس داستان مناسب با آن را بنویس.

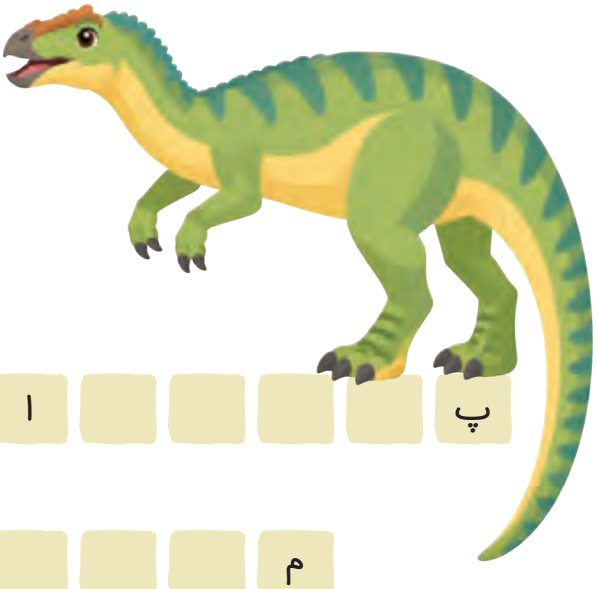


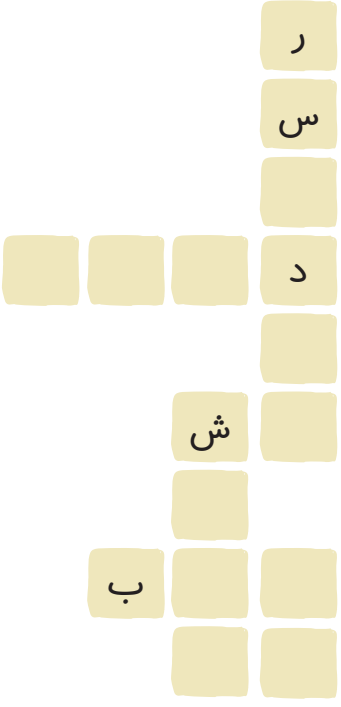
متن زیر را با دقّت بخوان.

مایاسورا دایناسوری گیاه‌خوار بود. معنای اسم او «مادر خوب» است. مایاسورایِ مادر با پنجه‌هایش زمین را می‌کَند و در آن جا لانه‌ی بزرگی درست می‌کرد. او در این لانه چند تخم می‌گذاشت. آن وقت با برگ‌های گیاهان و خاک، روی تخم‌ها را می‌پوشاند تا گرم بمانند. پس از مدّتی، جوجه دایناسورها تخم را می‌شکستند و از آن بیرون می‌آمدند. از این هنگام، کار مادر برای رسیدگی به جوجه‌هایش شروع می‌شد. برای آن‌ها میوه و دانه جمع می‌کرد و از آن‌ها در برابر دایناسورهای مُزاحم دفاع می‌کرد.

به کمک اطّلاعات متن بالا، جمله‌های زیر را کامل کن و حروف مربوط به هر واژه را در جدول قرار بده.

- مایاسورا به معنای _____ است.
- مایاسورا با _____ زمین را می‌کَند.
- وقتی جوجه‌ها از تخم بیرون می‌آمدند، کار _____ به آن‌ها _____ می‌شد.
- مایاسورای مادر برای آن‌ها میوه و دانه _____ می‌کرد.
- دایناسور مادر از بچّه‌هایش در برابر دایناسورهای مُزاحم _____ می‌کرد.





در بخشی از متن خواندی که سنگ آسمانی خیلی بزرگی با زمین برخورد کرد. چهار اتّفاق بر اثر این برخورد پیش آمد. این اتّفاق‌ها را در متن پیدا کن و به ترتیب بنویس.

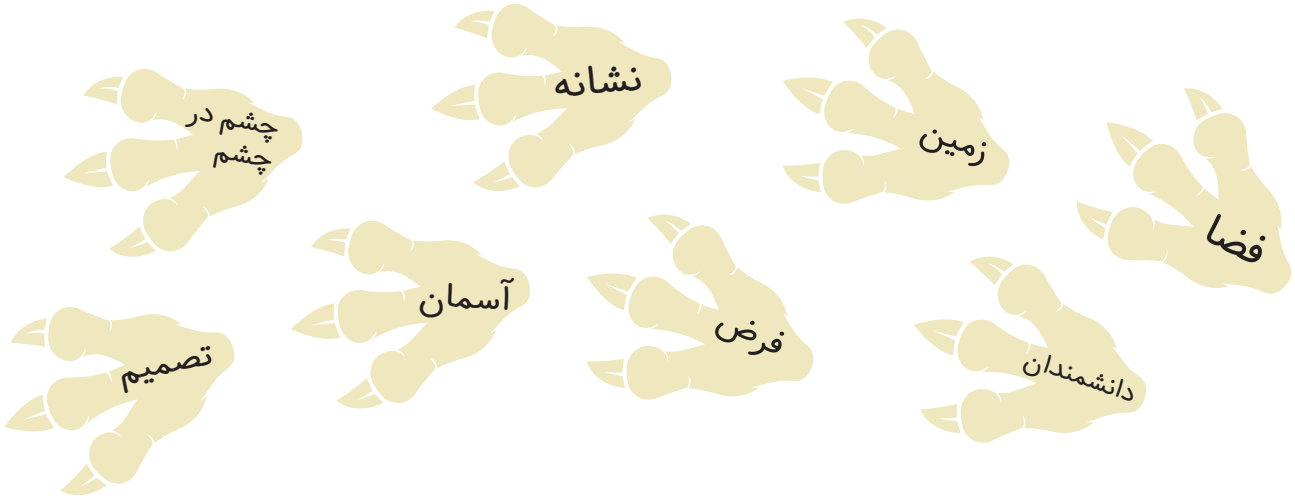
۱. _____

۲. _____

۳. _____

۴. _____

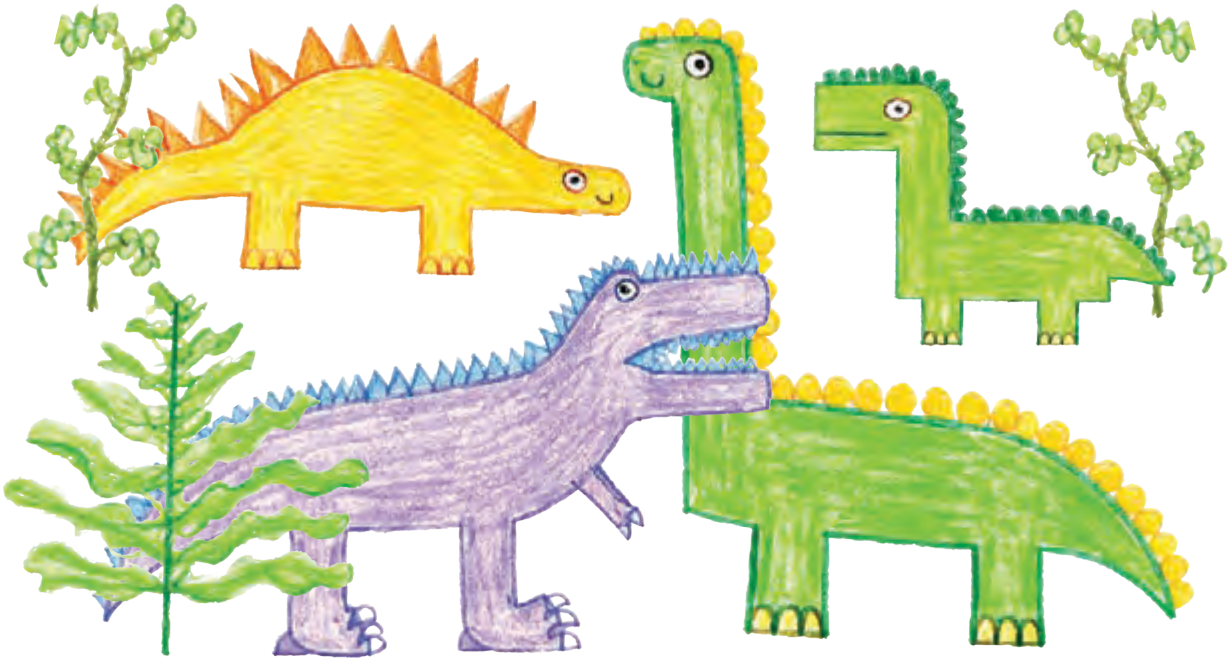
واژه‌های داخل ردّپای دایناسور در متن درس آمده است. هر واژه را در جمله‌ی مناسب با آن بنویس. (دو واژه اضافه است.)



- فرض کنید دایناسورها هنوز وجود داشتند و شما می‌خواستید _____ با کومپسوگناتوس گفت‌وگو کنید.
- اگر _____ می‌گرفتید با آرژانتینوسوروس حرف بزنید، باید به طبقه‌ی چهارم ساختمانی بلند می‌رفتید.
- روزی سنگ آسمانی خیلی بزرگی از _____ آمد و با _____ برخورد کرد.
- امروزه، _____ همه‌جا به دنبال _____ هایی از دایناسورها می‌گردند.

با توجّه به متن درس، کدام جمله درست و کدام نادرست است.

	درست	نادرست
ما دوست داریم دایناسورها را بشناسیم، چون خیلی غول‌پیکر هستند.		
هنوز دایناسورها روی زمین زندگی می‌کنند.		
یکی از نکات عجیب درباره‌ی دایناسورها، اندازه‌ی آن‌هاست.		
برنامه‌ی غذایی دایناسورها از نکات عجیب دیگر در مورد آن‌هاست.		
دایناسورها بر اثر برخورد سنگ آسمانی خیلی بزرگی ناگهان از بین رفتند.		



جمله‌های زیر را به ترتیب اطّلاعاتی که در متن آمده است، شماره‌گذاری کن.

- امروزه دانشمندان به دنبال نشانه‌ها و ردّپاهای آن‌ها هستند.
- دایناسورها از نظر نوع غذا با هم فرق داشتند.
- پس از برخورد یک سنگ بزرگ آسمانی با زمین، کم‌کم همه‌ی دایناسورها از بین رفتند.
- آن‌ها از نظر اندازه بسیار متفاوت بودند؛ برخی کوچک و برخی بسیار بزرگ بودند.
- در زمان‌های بسیار دور، پیش از زندگی انسان‌ها، دایناسورها روی زمین زندگی می‌کردند.

متن زیر خلاصه‌ی درس «دایناسورها» است. آن را با دقّت بخوان.

در زمان‌های بسیار دور، پیش از این که انسان‌ها روی زمین زندگی کنند، دایناسورها روی زمین زندگی می‌کردند. آن‌ها از نظر اندازه و نوع غذا بسیار متفاوت بودند. بعضی از دایناسورها بسیار کوچک و بعضی از آن‌ها بسیار بزرگ بودند. دایناسورها زمانی طولانی روی زمین زندگی کردند و پس از برخورد یک سنگ بزرگ آسمانی با زمین کم‌کم از بین رفتند. امروزه دانشمندان به دنبال نشانه‌ها و ردّپاهای آن‌ها هستند.

با توجّه به خلاصه‌ی درس:

	در متن خلاصه بود.	در متن خلاصه نبود.
دایناسورها پیش از انسان‌ها روی زمین زندگی می‌کردند.	☐	☐
دایناسورها از نظر رنگ بدن بسیار متفاوت بودند.	☐	☐
بعضی از دایناسورها بسیار کوچک بودند.	☐	☐
برخی از دایناسورها پرواز می‌کردند.	☐	☐
دانشمندان در جست‌وجوی آثار و نشانه‌هایی از دایناسورها هستند.	☐	☐

از پرسش‌ها کمک بگیر و جمله‌ی زیر را ادامه بده و داستانی ساده و کوتاه بنویس.

خواب دیدم به زمان دایناسورها سفر کرده‌ام.

- چه چیزهایی دیدی؟
- از چه چیزی ترسیدی؟
- از دیدن چه صحنه‌ای هیجان‌زده شدی؟
- چطور به زمان حال برگشتی؟

جدول زیر را کامل کن.

مرغ

این واژه تو را یاد چه واژه‌های دیگری می‌اندازد؟

معنی این واژه را بنویس.

متنی بنویس که این واژه در آن به کار رفته باشد.

این واژه را با تصویر نشان بده.



تاکنون چند کتاب علمی خوانده‌ای؟

نام دو تا از آن‌ها را بنویس.

کدام یک از این کتاب‌ها را بیشتر دوست داشتی؟

نام کتاب: _____

این کتاب را دوست داشتم، چون: _____

امتیازی که به آن می‌دهم: ☆ ☆ ☆ ☆ ☆

کدام قسمت این کتاب برایت جالب‌تر بوده است؟ آن را بنویس.

از این کتاب چه اطّلاعات جدیدی یاد گرفتی؟ یکی از آن‌ها را بنویس.



من در پایان درس

- چه چیزهایی یاد گرفته‌ام؟

- چه کارهایی به من کمک کرد تا بهتر یاد بگیرم؟
(می‌توانی چند مورد را انتخاب کنی.)
  - ☐ دوباره خواندم.
  - ☐ تمرین کردم.
  - ☐ از کسی پرسیدم.
  - ☐ با دقّت فکر کردم.
  - ☐ برای کسی توضیح دادم.

  کاری دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **جالب** بود؟

- چه کسی یا چه چیزی به من کمک کرد؟
  - ☐ آموزگارم
  - ☐ یکی از دوستانم
  - ☐ کتاب
  - ☐ خانواده

  کسی یا چیزی دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **دشوار** بود؟

- کار بعدی من چیست؟

بازخورد آموزگار

کارت خیلی خوب بود، چون:

کمی بیشتر دقّت کن، چون:

برای بهتر شدن کارهایت می‌توانی:

واژه های زیر را با توجّه به شکل حرف در جدول بنویس.

مرغابی، کلاغ، بغل، باغ، غذا، جیغ، مشغول، غمگین، شغل، تبلیغ، شلوغ، تیغ

غ	غ	غ	غ

یک بار از روی ترکیب‌های زیر بنویس. سپس یکی از آن‌ها را با نقّاشی نشان بده.

تنه‌های زبر درخت

اتّفاق‌های دور و بر

سُر خوردن روی آسمان پلاستیکی

واژه‌های زیر را با توجّه به حرف اوّل آن‌ها به ترتیب حروف الفبا بنویس.

عطر، اختراع، کاغذ، مزه، صدا، تشخیص، ذهن، غمگین

در ابتدای متن، کودکی هشت ساله خود را معرّفی کرده است. این بخش را یک‌بار برای خودت بخوان. سپس آن را بنویس.

چشم‌هایت را ببند و این کودک را در ذهنت تصوّر کن. شکل او را در قاب نقّاشی کن.

چهار واژه از درس در جدول زیر پنهان شده است. به کمک جمله‌ها، آن‌ها را پیدا کن، دورش خط بکش و در جاهای خالی بنویس.

م	ش	ف	غ	م
ز	ی	گ	م	ز
ه	ل	ق	گ	ر
ط	ظ	ب	ی	ع
م	ا	ک	ن	ه

- به سقف دهان _____ می‌گویند.
- زمین بزرگی که برای کاشتن گیاهان و نگهداری جانوران مورد استفاده قرار می‌گیرد، _____ است.
- کسی که احساس غم و غصّه می‌کند _____ است.
- طعم نام دیگر _____ است.

در هر ردیف یک واژه با دو واژه‌ی دیگر ارتباط ندارد. روی آن ✗ بزن. سپس یک واژه از روی عینک انتخاب کن که با موضوع آن ردیف ارتباط داشته باشد. این واژه را در جای خالی بنویس.



۱	ببر	پلنگ	شیره	
۲	ارّه	صندلی	میخ	
۳	مسواک	پاک‌کن	صابون	
۴	تخمه	سیب	هلو	
۵	ترش	نمک	شور	
۶	بازار	مغازه	کتاب‌خانه	

موضوع‌های زیر را بخوان. هر کدام از این موضوع‌ها به کدام ردیف مربوط می‌شود؟ شماره‌ی آن را جلوی موضوع بنویس.

	میوه‌ها		مکان‌های خرید		مزه‌ها		
	وسایل نجّاری		حیوانات وحشی		وسایل بهداشتی		

چهار واژه بنویس که به موضوع **اعضای بدن** مربوط باشد:

هنگام نوشتن متن زیر با رایانه، بعضی از واژه‌ها اشتباه نوشته شده است. آن‌ها را پیدا کن و درست آن را بالای واژه بنویس.

من در دشت‌هایم و در نوگ هر انگست دستم، در پاهابم و در نوک هر انگشت پایم جشم‌هایی نپهان درام.

با دست‌ها و انگشتان دستم، چیزهای اظرافم را لمس می‌کنم. با پاها و انگشتان پایم، جنس زمین را تشحیص می‌دهم: غرش، چوب، سیمان یا جمن.

نوشته می‌شود	خوانده می‌شود
مخصوصاً	مخصوصن
لطفاً	لطفن
حتماً	حتمن
معمولاً	معمولن
مثلاً	مثلن

- به این نشانه « ً »، تنوین می گوییم.
- تنوین در پایان واژه‌هایی مانند: مخصوصاً، لطفاً، حتماً، معمولاً، مثلاً، اصلاً و... گذاشته می‌شود.

متن زیر را بخوان و زیر واژه‌هایی که تنوین دارند، خط بکش.

امید و آرزو به همراه مادرشان به کتاب‌خانه‌ی محلّه رفتند. آن‌ها در میان قفسه‌های کتاب‌خانه گشتند. آرزو یک کتاب برداشت و آن را ورق زد. رو به امید کرد و گفت: «ما معمولاً کتاب‌های علمی می‌خوانیم، امّا فکر می‌کنم این کتاب خوبی باشد. پایان این داستان حتماً زیباست، مخصوصاً با این شروع جالبی که دارد. مثلاً این صفحه را ببین.»



امید کتاب را گرفت و به آرزو گفت: «راستی من کتاب دیگری از همین نویسنده خوانده‌ام. به نظر من هم باید کتاب خوبی باشد.»

آن‌ها پیش آقای کتاب‌دار رفتند و گفتند: «لطفاً این کتاب را به ما امانت بدهید.» آقای کتاب‌دار لبخندی زد و گفت: «به من قول بدهید که از این کتاب خوب مراقبت کنید.»

واژه‌های تنوین‌دار متن بالا را بنویس.

در متن درس برای اوّلین بار در کدام جمله با واژه‌ی «**مخصوصاً**» روبه‌رو شدی؟ این جمله را بنویس.

گوینده‌ی جمله‌ی بالا با واژه‌ی «**مخصوصاً**» نشان می‌دهد که گوش‌هایش اهمّیت بیشتری دارد.

جمله‌های زیر را با استفاده از واژه‌ی «مخصوصاً» کامل کن.

- من بین ورزش‌ها، شنا را بیشتر دوست دارم.
  من ورزش‌ها را دوست دارم، مخصوصاً _____ .
- دوستم بین خوراکی‌هایِ ترش، لواشک را بیشتر دوست دارد.
  دوستم خوراکی‌هایِ ترش را دوست دارد، _____ .

حالا تو بنویس.

- پدرم بین نان‌ها، نان سنگک را بیشتر دوست دارد.

- مادرم می‌گوید: «بین فصل‌ها، فصل پاییز زیباتر است.»

به معنای **کاغذ** توجّه کن:



کاغذ ورقه‌ی نازکی است که از خمیر کردن چوب بعضی از گیاهان و خشک کردن آن به‌دست می‌آید.

با استفاده از فرهنگ زبان فارسی، معنای واژه‌ی **شب** را بنویس.

شب:

کودک نابینای داستان در قسمتی از متن برای اوّلین بار می‌گوید که سی و سه چشم دارد. این قسمت را پیدا کن و برای خودت بخوان. سپس آن را بنویس.

متن را با دقّت بخوان و به کمک حروف به‌هم ریخته، واژه‌ی مناسب بساز و در جای خالی بنویس.



دیروز آرزو و مادرش به بوستان رفته بودند. آن‌جا خانمی را دیدند که _____ (ن ی ک ع) سیاهی زده بود و عصای سفیدی با نوارهای قرمز در دست داشت. او _____ (ا ع ص) را به این طرف و آن طرف می‌برد و آرام‌آرام به _____ (و ل ج) قدم برمی‌داشت. آرزو با _____ (ب ع ج ت) پرسید: «مامان، چرا عصای آن خانم با عصای بابابزرگ فرق دارد؟»

مامان گفت: «این عصای سفید است؛ _____ (ص خ ص م و) نابینایان.»

آرزو آهسته گفت: «امّا چرا عصایش سفید است؟ چرا نوارِ _____ (ز م ر ق) دارد؟»

مامان جواب داد: «سفید است، چون رنگ سفید در شب هم دیده می‌شود. نوار قرمز هم دارد تا نشان دهد که او هم مشکل بینایی دارد و هم _____ (ک ش ل م) شنوایی.»

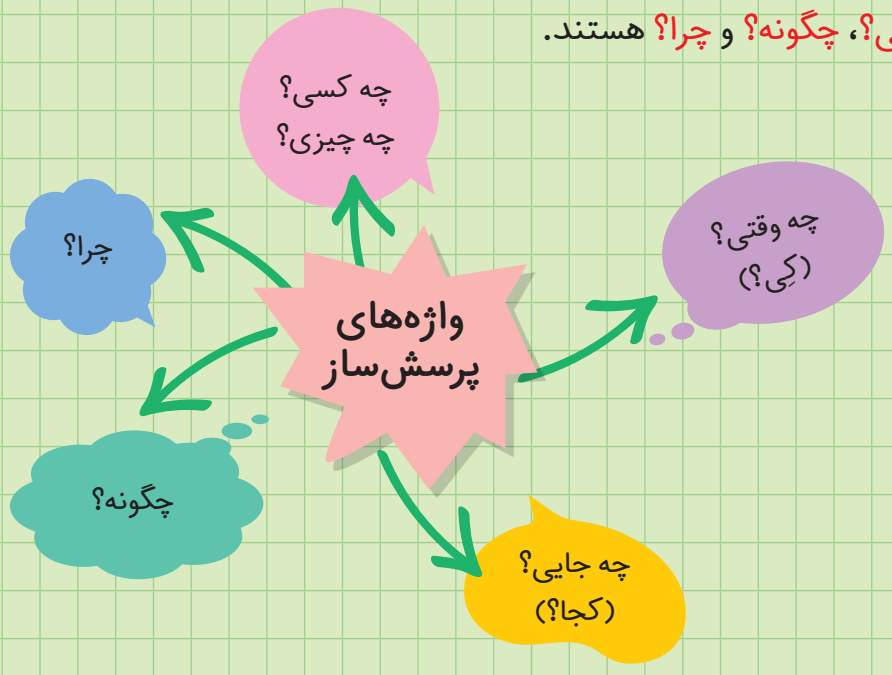
باتوجّه به متن بالا، به پرسش‌ها پاسخ بده.

- آرزو با دیدن آن خانم در بوستان تعجّب کرد. چه چیزی باعث تعجّبش شد؟

- نوارِ قرمزِ روی عصای آن خانم نشانه‌ی چه چیزی است؟

- داستان را با جمله‌ای از آرزو تمام کن.

تصوّر کن یک دانشمند کنجکاو هستی که می‌خواهی رازهای دنیا را با پرسیدن کشف کنی! کافی است پنج واژه‌ی مهم را بشناسی و با استفاده از آن‌ها پرسش بسازی و بعد به دنبال پاسخ پرسش‌هایت بروی. این واژه‌ها چه کسی؟ یا چه چیزی؟، چه وقتی؟، چه جایی؟، چگونه؟ و چرا؟ هستند.



آموزگار به دانش‌آموزان گفت: «هر کدام از این واژه‌های پرسش‌ساز کار مشخّصی انجام می‌دهند.»
بعد به هریک از آن‌ها چند کارت داد و خواست روی هر کارت یکی از واژه‌های پرسش‌ساز را بنویسند. سپس واژه‌های پرسش‌ساز را تکرار کرد و از دانش‌آموزان خواست کارت مربوط به هر کدام را نشان بدهند، سپس روی کارت مربوط به هر کدام از واژه‌های پرسش‌ساز، جمله‌ای مناسب بنویسند. کارت‌های آرزو را با دقّت ببین و بخوان.

چه کسی؟ چه چیزی؟	چه وقتی؟ (کِی؟)	چه جایی؟ (کجا؟)	چگونه؟	چرا؟
چه کسی کتاب من را روی میز گذاشت؟ چه چیزی روی میز هست؟	چه وقتی با پدر و مادرت به مشهد رفتی؟	این کتاب را از چه جایی خریده‌ای؟	چگونه ابرها تشکیل می‌شوند؟	چرا شب‌ها آسمان تاریک می‌شود؟

بعد آموزگار از دانش‌آموزان خواست متن زیر را با دقّت بخوانند و پاسخ هر پرسش را بنویسند. تو هم این کار را انجام بده.

نزدیک غروب بود. امید و آرزو همراه پدر و مادرشان به مسجد محلّه رفتند تا در جشن میلاد امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شرکت کنند. حیاط مسجد شلوغ و پر از جمعیت بود. همه‌ی مردم خوش‌حال بودند و شیرینی و شربت پخش می‌کردند.

- چه وقتی بود؟
- چه کسانی به مسجد رفتند؟
- امید و آرزو همراه پدر و مادرشان به چه جایی رفتند؟
- چرا آن‌ها به مسجد رفتند؟
- حیاط مسجد چگونه بود؟
- مردم در مسجد چه چیزی پخش می‌کردند؟

این جمله‌ها را بخوان و با توجّه به آن‌ها، جواب پرسش‌ها را در جاهای خالی بنویس.

هفته‌ی گذشته دانش‌آموزان با اتوبوس به موزه‌ی گیاه‌شناسی رفتند تا گل‌ها و گیاهان دارویی را ببینند.

چه کسانی؟.....

چه وقتی؟.....

چه جایی؟.....

چگونه؟.....

چرا؟.....

عصر فاطمه با خوش‌حالی به حیاط رفت تا به باغچه آب بدهد.

چه کسی؟.....

چه وقتی؟.....

چه جایی؟.....

چگونه؟.....

چرا؟.....

تصویر را با دقّت ببین. سپس با استفاده از واژه‌های پرسش‌ساز، چند پرسش در ارتباط با تصویر بنویس.



متن زیر را با دقّت بخوان. بعد با توجّه به هر پاسخ، پرسشی مناسب برای آن بنویس.

عصر جمعه، محمّدامین همراه پدرش برای خرید به بازار رفت. هنگام برگشت، پیرمردی را دیدند که چند کیسه‌ی میوه در دست داشت. محمّدامین به پدرش گفت: «بابا، فکر کنم این کیسه‌ها برای این آقا سنگین است.» بابا جلو رفت و یکی از کیسه‌ها را گرفت، محمّدامین هم کیسه‌ی کوچک‌تر را گرفت و کنار پیرمرد راه افتادند. پیرمرد با لبخند از آن‌ها سپاس‌گزاری کرد. محمّدامین از این که توانسته بود به دیگران کمک کند، احساس خوبی داشت.

؟

عصر جمعه، محمّدامین همراه پدرش به بازار رفت.

؟

چون کیسه‌های میوه برای پیرمرد سنگین بود.

؟

محمّدامین با گرفتن کیسه‌ی کوچک‌تر به پیرمرد کمک کرد.

؟

محمّدامین از این که توانسته بود به دیگران کمک کند، احساس خوبی داشت.

در بخشی از متن کودک نابینا در ذهن خود دریاچه‌ها و ماهی‌ها را می‌بیند و رنگ‌هایی را اختراع کرده است. این بخش را بخوان و بعد به‌طور کامل بنویس.

واژه‌ی مناسب را انتخاب کن و در جای خالی بنویس.

خوش‌حال، تلاش، جمع، بالا، کوزه، ذهن، زندگی

کلاغی در جنگل _____ می‌کرد. روزی کلاغ تشنه بود. او کوزه‌ای پیدا کرد که مقدار کمی آب در آن بود، امّا هر چه _____ کرد تا از کوزه آب بنوشد، نتوانست.

ناگهان فکری به _____ او رسید، سنگ‌ریزه‌های کوچکی _____ کرد و آن‌ها را یکی‌یکی داخل _____ انداخت. کم‌کم آب داخل کوزه _____ آمد. کلاغ _____ شد و آب را نوشید.

هنگام نوشتن متن زیر، برخی از نشانه‌های نگارشی فراموش شده است. متن را با دقّت بخوان و نشانه‌های نگارشی مناسب را بگذار.

روزی همراه مادرم به مزرعه رفتم دختر و پسر کوچکی در مزرعه بودند من از بین برّه‌هایی که آن‌جا بودند برّه‌ای انتخاب کردم دخترک خیلی آرام به برادرش گفت: این بچّه نابیناست

برادرش به آرامی گفت: به نظر من نابینا نیست او زیباترین برّه را انتخاب کرده است

فرض کن پنج قدم روی زمین صاف و سرد و بعد پنج قدم روی زمین ناصاف و گرم راه می‌روی. حس و حال خودت را بنویس.

زمین صاف و سرد:

زمین ناصاف و گرم:

فرض کن کودک هشت‌ساله‌ی نابینای داستان، پسری به نام _____ است. تصویرها را به‌ترتیب ببین و با توجّه به آن‌ها داستانی ساده و کوتاه بنویس.



هشت صبح بود.

عبارت سمت راست را با یک خط به عبارت مناسب با آن در سمت چپ وصل کن تا جمله‌ای کامل به دست بیاید.

با دست‌ها و انگشتان دستم،	برّه‌ای انتخاب کردم.
من از بین برّه‌هایی که آن‌جا بودند،	با سی و سه چشم دیگر عوض کرده‌ام.
من از وقتی به دنیا آمده‌ام،	چیزهای اطرافم را لمس می‌کنم.
من دو چشمم را که نمی‌بینند،	نابینا بوده‌ام.

چند لحظه چشم‌هایت را ببند. در این چند لحظه به چه چیزهایی فکر کردی؟ آن‌ها را بنویس.

بعضی از آن‌ها را نقّاشی کن.

جمله‌های زیر را به ترتیب اتّفاق‌هایی که در متن آمده است، شماره‌گذاری کن.

- من دو چشمم را که نمی‌بینند، با سی و سه چشم دیگر عوض کرده‌ام.
- چیزهای مختلف را در ذهنم می‌بینم و برای رنگ آن‌ها نامی اختراع کرده‌ام.
- من هشت سال دارم و از وقتی به دنیا آمده‌ام، نابینا هستم.
- برای نقّاشی کردن هم به مداد و کاغذ نیاز ندارم و در ذهنم نقّاشی می‌کنم.
- با این چشم‌ها می‌توانم هر چه را که در اطرافم می‌گذرد ببینم.
- روزی پسری گفت که من نابینا نیستم، چون زیباترین برّه را انتخاب کردم.

متن زیر خلاصه‌ی «چشم‌های سیاه» است. آن را با دقّت بخوان.

من هشت سال دارم و از وقتی به دنیا آمده‌ام، نابینا هستم. من دو چشمم را که نمی‌بینند، با سی و سه چشم دیگر عوض کرده‌ام. آن‌ها «چشم‌های پنهان» من هستند. این چشم‌ها در گوش‌ها، دست‌ها، پاها، بینی و دهانم قرار دارند. با گوش‌هایم صداها را می‌بینم. با دست‌هایم چیزها را لمس می‌کنم. با پاهایم جنس زمین را تشخیص می‌دهم. با بینی و دهانم بوها و مزه‌ها را حس می‌کنم. چیزهای مختلف را در ذهنم می‌بینم و برای رنگ آن‌ها نامی اختراع کرده‌ام. برای نقّاشی کردن هم به مداد و کاغذ نیاز ندارم و در ذهنم نقّاشی می‌کنم. روزی در مزرعه، پسری گفت که من نابینا نیستم. چون زیباترین برّه را انتخاب کرده بودم.

با توجّه به خلاصه‌ی متن، جمله‌ها را اصلاح کن و دوباره بنویس.

- من از هشت‌سالگی نابینا هستم.
- من سی و پنج «چشم پنهان» دارم.
- من با گوش‌هایم صداها را لمس می‌کنم.
- من جنس زمین را با دست‌هایم تشخیص می‌دهم.

کودک داستان برای رنگ‌ها، نام‌هایی جدید ساخته است. حالا تو برای شکل‌های زیر، نامی جدید بساز.



جدول زیر را کامل کن.

این واژه تو را یاد چه واژه‌های دیگری می‌اندازد؟	معنی این واژه را بنویس.
متنی بنویس که این واژه در آن به کار رفته باشد.	این واژه را با تصویر نشان بده.

اختراع



برای خودت یک برنامه‌ی کتاب خوانی تنظیم کن. هر روز پس از این که کتابت را خواندی، جدول را کامل کن. در پایان هفته، ببین چقدر به برنامه‌ات عمل کرده‌ای و برای هفته‌ی بعد تصمیم بگیر.

روز هفته	نام کتاب	ساعت شروع مطالعه	ساعت پایان مطالعه	تعداد صفحه

کدام یک از آن کتاب‌هایی را که خوانده‌ای به دوستانت پیشنهاد می‌دهی؟ چرا؟



من در پایان درس

- چه چیزهایی یاد گرفته‌ام؟

- چه کارهایی به من کمک کرد تا بهتر یاد بگیرم؟
(می‌توانی چند مورد را انتخاب کنی.)
  - ☐ دوباره خواندم.
  - ☐ تمرین کردم.
  - ☐ از کسی پرسیدم.
  - ☐ با دقّت فکر کردم.
  - ☐ برای کسی توضیح دادم.
  - کاری دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **جالب** بود؟

- چه کسی یا چه چیزی به من کمک کرد؟
  - ☐ آموزگارم
  - ☐ یکی از دوستانم
  - ☐ کتاب
  - ☐ خانواده
  - کسی یا چیزی دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **دشوار** بود؟

- کار بعدی من چیست؟

بازخورد آموزگار

کارت خیلی خوب بود، چون:

کمی بیشتر دقّت کن، چون:

برای بهتر شدن کارهایت می‌توانی:

خودت را معرّفی کن.

من _____ هستم. معنای نام من _____

است. من به زبان _____ حرف می‌زنم. من فرزند ایرانم.

ما _____

امیدوارم روزی _____

شهر یا روستای محلّ زندگی خود را معرّفی کن.

- به کمک بزرگ‌ترها جای شهر یا روستای خود را در نقشه مشخّص کن و نامش را بنویس.
- معنای نام شهر یا روستای من: _____
- شهرها یا روستاهای اطراف محلّ زندگی من: _____



هوای شهر یا روستای شما چگونه است؟ دورش خط بکش.

بهار			تابستان		
فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور
پاییز			زمستان		
مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند

آیا در نزدیکی شهر یا روستای شما کوه، جنگل، بیابان، رود یا دریا قرار دارد؟ نام آن‌ها را بنویس.


نام کوه: _____


نام جنگل: _____


نام بیابان: _____


نام رود: _____


نام دریا: _____

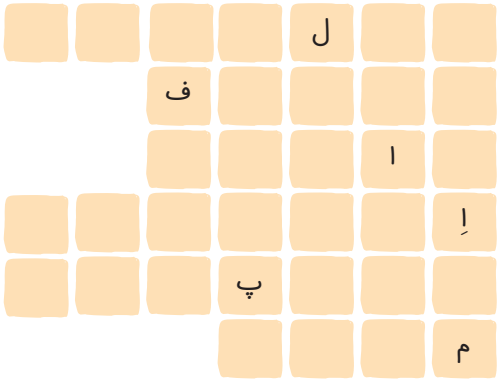
در نزدیکی شهر یا روستای شما چه جانوران و گیاهانی زندگی می‌کنند؟ نام آن‌ها را بنویس.

جانوران: _____

گیاهان: _____

جدول را کامل کن.

- زمینی که در آن برنج کاشته می‌شود.
- قایق ساده‌ای که با چوب نخل ساخته می‌شود.
- زبان مشترک مردم ایران است.
- خوابیدن یا نشستن برای این که خستگی از بین برود.
- کسی که حیواناتی مانند گوسفند و گاو را پرورش می‌دهد.
- کسی که در انجام کاری توانایی زیادی دارد.



از متن درس، واژه‌های خواسته شده را پیدا کن و بنویس.

- سه واژه که حرف «ط» در آن‌ها وجود دارد.

_____ _____ _____

- دو واژه که حرف «و» در آن، صدای [اُ] می‌دهد.

_____ _____

- واژه‌ای سه حرفی که حرف سوم آن «ظ» است.

_____

واژه های زیر را با توجّه به حرف اوّل آن‌ها به ترتیب حروف الفبا بنویس.

حلوا، صبور، طبیعت، لذیذ، عکس، غذا، اطراف، هنرمند

مردم شهر یا روستای شما چه شُغل‌هایی دارند؟ نام آن‌ها را بنویس.

بعضی از این شغل‌ها را نقّاشی کن.

آیا در شهر یا روستای شما افراد زیادی به کشاورزی، باغ‌داری یا دام‌پروری مشغول هستند؟

آن‌ها چه چیزهایی تولید می‌کنند؟

بعضی از آن‌ها را نقّاشی کن.

می‌دانیم که مردم ایران در جاهای مختلف کشورمان به زبان‌های متفاوتی حرف می‌زنند. مردم محلّ زندگی شما به چه زبانی حرف می‌زنند؟

آیا زبان محلّ زندگی شما شبیه زبان فارسی است یا با آن فرق دارد؟

در زبان محلّ زندگی شما، به جای واژه‌های زیر، چه واژه‌هایی به کار می‌برند؟

پدر:	مرد:	درخت:
مادر:	زن:	گُل:
برادر:	دختر:	گربه:
خواهر:	پسر:	سگ:

مردمی که در گذشته‌های دور زندگی می‌کردند، آثار زیادی از خود به جا گذاشته‌اند. آن‌ها خانه‌ها، پل‌ها، سدها و بناهای گوناگونی ساخته‌اند. آیا از این بناهای قدیمی در نزدیکی محلّ زندگی شما وجود دارد؟ یکی از آن‌ها را معرّفی کن.

کدام یک از این بناهای قدیمی را از نزدیک دیده‌ای؟ خاطره‌ی این بازدید را بنویس.

در هر ردیف یک واژه با دو واژه‌ی دیگر ارتباط ندارد. روی آن ✗ بزن. سپس یک واژه از روی بادبادک انتخاب کن که با موضوع آن ردیف ارتباط داشته باشد. این واژه را در جای خالی بنویس.



۱	تاب	سرسره	تلفن همراه	
۲	مشهد	رشت	ایران	
۳	نوروز	هفت‌سنگ	شب یلدا	
۴	بیمارستان	مدرسه	کتاب‌خانه	
۵	گندم	کاکتوس	برنج	
۶	مسجد	حرم	فروشگاه	

موضوع‌های زیر را بخوان. هر کدام از این موضوع‌ها به کدام ردیف مربوط می‌شود؟ شماره‌ی آن را جلوی موضوع بنویس.

مکان‌های آموزشی		وسایل بازی		شهرها			
محصولات کشاورزی		مکان‌های دینی		جشن‌های ایرانی			

چهار واژه بنویس که به موضوع **بناهای ایرانی** مربوط باشد:

هنگام نوشتن متن زیر با رایانه، بعضی از واژه‌ها اشتباه نوشته شده است. آن‌ها را پیدا کن و درست آن را بالای واژه بنویس.

میناب یکی از سهرهای زیبای هرمزگان است. این شهر، مردمی مهربان و برتلاش و کودکانی با آرزوهای بزرگ دارد. در یکی از روزهای رمستانی، دشمن ظالم به یکی از مدارس این شهر حمله گرد و لبخندها را به اشک و خاطره‌ای تلح تبدیل کرد. دانش‌آمزوان شهیدِ میناب، فرزندان عزیز ایران بودند که دشمن با ستم خود، زندگی زیبایشان را از آنان گرفت. هر کدام از این کودکان، قصّه‌ای از امید و آرزوهای ناتمام بودند. بام آنان همیشه در یادها باقی می‌ماند.

مردم خیلی از شهرها و روستاها نان‌ها، غذاها و خوراکی‌های مخصوص خود را می‌پزند. نام بعضی از نان‌ها، غذاها و خوراکی‌های محلّ زندگی خود را بنویس.



یکی از غذاهای محلّی (نان، شیرینی و ...) شهر یا روستای خود را انتخاب کن. به کمک بزرگ‌ترهایت دستور پخت آن‌را بنویس.

نام غذای محلّی:

دستور پخت:

آن را نقّاشی کن.

مردم ایران لباس‌های محلّی مخصوص خود را می‌پوشند. لباس‌های محلّی در جاهای مختلف ایران از نظر رنگ، طرح و شکل با هم فرق دارند. لباس محلّی شهر یا روستای شما چگونه است؟





لباس محلّی شهر یا روستای خودتان را نقّاشی کن.

مردم ایران در گذشته بازی‌های محلّی جالبی داشتند. در محلّ زندگی شما چه بازی‌هایی رایج بوده است؟ یکی از بازی‌های محلّی خود را انتخاب کن و با دوستانت اجرا کن. سپس نام و روش بازی را در زیر بنویس.

نام بازی:

روش بازی:

واژه‌ی مناسب را انتخاب کن و در جای خالی بنویس.

خاطره‌ی شیرین سفر به خلیج فارس و _____ (گ ر ش د) در ساحل زیبای آن هیچ‌وقت از یادم نمی‌رود. هوای خنک دریا بسیار دل‌نشین بود و من هر _____ (ح ص ب) با پدرم کنار _____ (ح س ا ل) قدم می‌زدم. از دریا و منظره‌ی طلوع _____ (آ ب ت ف ا) و مردم _____ (م ه ر ا ن ب) و خون‌گرم جنوب ایران چند _____ (س ع ک) زیبا گرفتم. این _____ (ط ا خ ه ر) همیشه در ذهنم خواهد ماند.

برای هر تصویر یک جمله بنویس.







همیشه مادرها و مادربزرگ‌ها برای فرزندان خود لالایی می‌خوانند. از مادر و مادربزرگ بپرس چه لالایی‌هایی می‌دانند. یکی از آن‌ها را بنویس.

مادرها و پدرها، مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها قصّه‌های زیادی می‌دانستند که ظهرها و شب‌ها برای فرزندان خود تعریف می‌کردند. از آن‌ها بخواه یکی از قصّه‌های قدیمی را که به یاد دارند، برایت تعریف کنند. حالا تو این قصّه را بنویس.

فکر کن که یکی از آشنایان (عمّه، عمو، خاله، دایی و...)که در شهر یا روستای نزدیک شما زندگی می‌کند، ظهر یک روز جمعه شما را برای ناهار دعوت می‌کند. صبح جمعه با خانواده به خانه‌ی او می‌روید. ماجرای کامل رفت و برگشت خود را به صورت داستان بنویس. بنویس با چه وسیله‌ای رفتید، از چه جاهایی گذشتید و چه چیزهایی دیدید، ناهار چه خوردید، چه گفتید و چه شنیدید.

برای بچّه‌های هم‌سن خود نامه‌ای بنویس و شهر یا روستایت را معرّفی کن. در نامه‌ات از زیبایی‌های شهر یا روستایت بنویس و بگو اگر بچّه‌ها به آن‌جا بیایند، چگونه به آن‌ها بیشتر خوش می‌گذرد.



تعطیلات نوروز بود. آرزو همراه خانواده‌اش به سفر رفت. آن‌ها از میان دشت‌ها و شهرهای گوناگون گذشتند. سرانجام پس از چند ساعت، به چهار جاده رسیدند. یک تابلو کنار هر جادّه بود.

پدر اتومبیل را گوشه‌ی جاده متوقّف کرد. بعد رو به آرزو کرد و گفت: «آرزو جان! این بار نوبت توست. بگو به کدام طرف برویم.»

آرزو در حالی که به منظره‌های اطراف نگاه می‌کرد، با خوش‌حالی گفت: «پیش به سوی کویر!»

بعد دفترچه‌اش را باز کرد و نوشت:



فکر کن جای آرزو هستی. تو کدام راه را انتخاب می‌کنی؟

مانند آرزو درباره‌اش بنویس:



وقتی کتاب می‌خوانید، چنان غرق خواندن می‌شوید که همه چیز را فراموش می‌کنید. حواستان باشد زیاد خم نشوید، فاصله‌ی کتاب تا چشم‌هایتان را تنظیم کنید و اگر کتاب سنگین است، آن را روی میز یا جای مناسبی بگذارید تا دست‌هایتان خسته نشود. همچنین در جایی که نور مناسبی داشته باشد، کتاب بخوانید.

تصویرهای زیر را با دقّت ببینید. کدام دانش‌آموزان در حالت درست ✓ کتاب می‌خوانند و کدام‌ها در حالت نادرست ✗؟





من در پایان درس .....

- چه چیزهایی یاد گرفته‌ام؟ .....

.....

.....

- چه کارهایی به من کمک کرد تا بهتر یاد بگیرم؟
(می‌توانی چند مورد را انتخاب کنی.)
- ☐ دوباره خواندم.
- ☐ تمرین کردم.
- ☐ از کسی پرسیدم.
- ☐ با دقّت فکر کردم.
- ☐ برای کسی توضیح دادم.

کاری دیگر: .....

- کدام قسمت درس برایم **جالب** بود؟ .....

.....

.....

.....

- چه کسی یا چه چیزی به من کمک کرد؟
- ☐ آموزگارم
- ☐ یکی از دوستانم
- ☐ کتاب
- ☐ خانواده

کسی یا چیزی دیگر: .....

- کدام قسمت درس برایم **دشوار** بود؟ .....

.....

.....

.....

- کار بعدی من چیست؟ .....

.....

.....

بازخورد آموزگار

کارت خیلی خوب بود، چون: .....

کمی بیشتر دقّت کن، چون: .....

برای بهتر شدن کارهایت می‌توانی: .....

درس نهم

جدول را کامل کن.

۱ گفتن یا بازگو کردن چیزی به کسی. ۲ نام پدر حضرت محمّد ﷺ. ۳ ستاره‌ای داغ که زمین دورش می‌چرخد. ۴ مخالف ناراحت. ۵ هر چیز دایره‌شکل و توخالی. ۶ مخالف بزرگ.

۱ ت						ف
۲ ع					ل	ه
۳	و				ی	
۴		ش				
۵ ح				ه		
۶				ک		

با توجّه به متن درس، در هر جمله ترکیب مناسب را انتخاب کن و در جای خالی بنویس.

- پدربزرگ _____ بلد بود.
  - قصّه‌های قشنگ
  - قصّه‌ی پدر
- محمّد روی _____ نشست.
  - پای پدربزرگ
  - زانوی پدربزرگ
- اگر پدر نمی‌تواند _____ بیاید، ما می‌توانیم پیش او برویم.
  - پیش ما
  - پیش او
- روزی عبدالله به سفر رفت، به _____.
  - جایی زیباتر
  - سفری طولانی
- چه _____ هستی!
  - بچّه‌ی باهوشی
  - آرزوی قشنگی

واژه های زیر را با توجّه به حرف اوّل آن‌ها به ترتیب حروف الفبا بنویس.

تعریف، پدر، خوش‌حال، عبدالله، زیبا، حلقه، آسمان

_____

_____

ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه ی

کدام جمله‌ی متن درس نشان می‌دهد:

- پدربزرگ در قصّه‌گویی تواناست.
- پدربزرگ به آینده‌ی محمّد امیدوار است.
- پدربزرگ به خاطر ندیدن پسرش غمگین است.
- پدر محمّد دیگر برنمی‌گردد.

با توجّه به متن درس، پاسخ درست را انتخاب کن.

محمّد با خوش‌حالی می‌گفت:

- «او پسر من بود، مگر نه؟»
- «پسرش من بودم، مگر نه؟»
- «پدر من بود، مگر نه؟»

محمّد می‌پرسید:

- «پدربزرگ، پدرم چه شکلی بود؟»
- «پدربزرگ، پدرم شکل شما بود؟»
- «پدربزرگ، پدرم از شما زیباتر بود؟»

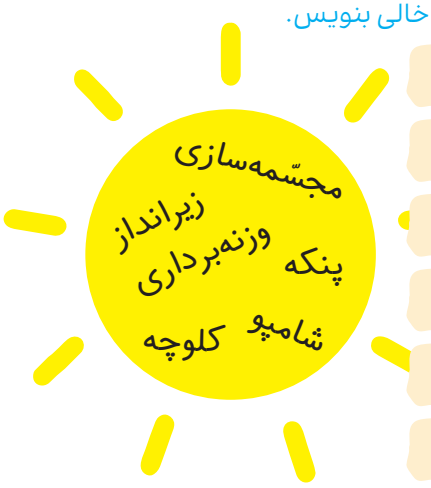
محمّد می‌پرسید:

- «پدربزرگ، چرا پدرم همیشه به سفر می‌رفت؟»
- «پدربزرگ، چرا پدرم گاهی از سفر برمی‌گشت؟»
- «پدربزرگ، چرا پدرم هیچ‌وقت از سفر بازنگشت؟»

محمّد می‌گفت:

- «پدر من هم به خورشید سفر کرده است.»
- «من هم به خورشید سفر کرده‌ام.»
- «پدرم هیچ‌وقت برنمی‌گردد.»

در هر ردیف یک واژه با دو واژه‌ی دیگر ارتباط ندارد. روی آن ✗ بزن. سپس یک واژه از داخل خورشید انتخاب کن که با موضوع آن ردیف ارتباط داشته باشد. این واژه را در جای خالی بنویس.



۱	کولر	بادبزن	رادیو	
۲	کوله‌پشتی	چادر	تراش	
۳	شنا	اسباب‌بازی	کُشتی	
۴	دوچرخه‌سواری	سفالگری	نقّاشی	
۵	سنگ پا	صابون	کبریت	
۶	آش	گز	حلوا	

موضوع‌های زیر را بخوان. هر کدام از این موضوع‌ها به کدام ردیف مربوط می‌شود؟ شماره‌ی آن را جلوی موضوع بنویس.

	وسیله‌های حمام		ورزش‌ها		خنک‌کننده‌ها		
	شیرینی‌ها		کارهای هنری		وسیله‌های اردو		

چهار واژه بنویس که به موضوع **بستگان** مربوط باشد:

هنگام نوشتن متن زیر با رایانه، بعضی از واژه‌ها اشتباه نوشته شده است. آن‌ها را پیدا کن و درست آن را بالای واژه بنویس.

حسن امیدزاده معلّم مذرسه‌ای دز یگی ار روستاهای شمال ایران بود.

زوری بحاری کلاس او آبش کرفت. او نگران جان دانش‌آموازنش بود. یکی‌یکی بچّه‌ها را از مبان شعله‌های آتش نجاث داد، امّا خودش نتوانست از میان آتش بیزون بیاید. آتش به او آشیب رساند. حسن امیدزاده یگی از معلّم‌های فداکار ایران است.

در متن درس برای اوّلین بار در کدام جمله با واژه‌ی «**وقت**» روبه رو شدی؟ این جمله را بنویس.

معنی **وقت** را بنویس.

به این واژه‌ها توجّه کن: وقت‌شناس، وقت‌نشناس، وقت‌نگه‌دار آن‌ها را با یک خط به معنای مناسب وصل کن.

وقت‌شناس	کسی که به زمان اهمّیت می‌دهد و کارها را سر وقت انجام می‌دهد.
وقت‌نشناس	کسی که با استفاده از ساعت، زمان انجام کاری را اندازه می‌گیرد.
وقت‌نگه‌دار	کسی که کارهایش را در سر وقت انجام نمی‌دهد.

به معنای **آرزو** توجّه کن:

آرزو، خواستن یک چیز خوب است که می‌خواهیم به آن برسیم یا آن را به دست آوریم.



با استفاده از فرهنگ زبان فارسی، معنای واژه‌ی **قصّه** را بنویس.

قصّه:

در بخشی از متن درس، چشم‌های پدربزرگ پر از اشک می‌شود و درباره‌ی پرنده‌ها صحبت می‌کند. این بخش را برای خودت بخوان. سپس آن را بنویس.

واژه‌ی مناسب را انتخاب کن و در جای خالی بنویس.

وقت، آن‌وقت، هیچ‌وقت، چند وقت، وقتی

- وقتی بالای کوه برسی، _____ می‌توانی شهر را زیر پایت ببینی.
- _____ فکر نمی‌کردم که از فوتبال خوشت نیاید.
- الآن _____ بازی است.
- _____ است که به سینما نرفته‌ایم.
- _____ وارد کلاس شدم، آموزگار املا می‌گفت.

واژه های مخالف هم را با یک خط به هم وصل کن.

شروع	خوش‌حالی	کوتاه	کوچک	بالا
پایان	بزرگ	ناراحتی	پایین	بلند

متن زیر را با دقّت بخوان و با توجّه به آن، جواب پرسش‌ها را در جاهای خالی بنویس.

سال‌ها پیش حضرت محمّد ﷺ در شهر مکّه به دنیا آمد. روزی که حضرت محمّد ﷺ به دنیا آمد، مادرش آمنه بسیار خوش‌حال شد. او از همان کودکی با مردم به مهربانی رفتار می‌کرد.

چه کسی یا چه کسانی؟ _____ چگونه؟ _____

چه وقتی؟ _____ چرا؟ _____

چه جایی؟ _____

هنگام نوشتن متن زیر، برخی از نشانه‌های نگارشی فراموش شده است. متن را با دقّت بخوان و نشانه‌های نگارشی مناسب را بگذار. سپس این متن را با متن کتاب مقایسه کن.

محمّد می‌گفت: ☐ پس من هم بزرگ شوم ☐ به همان زیبایی او خواهم شد ☐ ☐

پدربزرگ می‌خندید و می‌گفت: ☐ چه بچّه‌ی باهوشی هستی محمّد ☐ ☐

محمّد می‌پرسید: ☐ پدربزرگ ☐ چرا پدرم هیچ‌وقت از سفر برنگشت ☐ ☐

آموزگار در هر روز این هفته فقط می‌تواند با یک دانش‌آموز جلسه داشته باشد. جمله‌ها را با دقّت بخوان و روز ملاقات هر دانش‌آموز را در جدول مشخّص کن.

جمله‌ها	نام دانش‌آموزان	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه
رضا فقط روز چهارشنبه می‌تواند جلسه داشته باشد.	رضا					
حسین فقط دوشنبه یا چهارشنبه می‌تواند جلسه داشته باشد.	حسین					
علی شنبه تا دوشنبه نمی‌تواند جلسه داشته باشد.	علی					
آرش روز شنبه نمی‌تواند جلسه داشته باشد.	آرش					
امیر به غیر از دوشنبه روزهای دیگر می‌تواند جلسه داشته باشد.	امیر					

داستان، نوشته‌ای جالب و پرماجرا درباره‌ی آدم‌ها یا حیوانات است. آدم‌ها یا حیوانات شخصیت‌های داستان هستند. هر داستان آغاز، میانه و پایان دارد. در آغاز داستان، اتّفاق‌هایی می‌افتد و ما با شخصیت‌های داستان آشنا می‌شویم و پرسش‌هایی در ذهن ما ایجاد می‌شود. در میانه‌ی داستان، اتّفاق‌هایی می‌افتد و ماجراهای داستان به وجود می‌آید. در پایان داستان، اتّفاق‌هایی می‌افتد و ما به پاسخ پرسش‌هایمان می‌رسیم.

- آغاز داستان
- میانه‌ی داستان
- پایان داستان



آموزگار از گروه‌های مختلف دانش‌آموزان خواست داستان کوتاه زیر را بخوانند و به این فکر کنند که در آغاز، میانه و پایان داستان چه اتّفاق‌هایی افتاده است.

دهقان فداکار

غروب یکی از روزهای سرد پاییز بود. کار روزانه‌ی دهقان‌ها به پایان رسیده بود. ریزعلی هم دست از کار کشیده بود و در روشنایی فانوسِ کوچکش به خانه باز می‌گشت. روستایی که ریزعلی در آن زندگی می‌کرد، نزدیک راه‌آهن بود. او باید هر شب از کنار راه‌آهن می‌گذشت تا به خانه برسد. در آن غروب سرد و تاریک، ناگهان صدای ترسناکی از کوه بلند شد. سنگ‌های زیادی روی ریل ریخت و مسیر قطار را بست.

ریزعلی می‌دانست که قطار به‌زودی به آن‌جا خواهد رسید و اگر قطار با سنگ‌ها برخورد کند، جان مسافران به خطر می‌افتد. صدای سوت قطار از پشتِ کوه، نزدیک شدن آن را خبر می‌داد. ریزعلی در جست‌وجوی چاره‌ای بود تا بتواند جان مسافران را نجات بدهد.

ناگهان فکری به ذهنش رسید. در آن سرمای شدید لباس‌های خود را از تن درآورد و به سرِ چوبی بست، نفت فانوس را روی لباس‌هایش ریخت و آن را آتش زد و به طرف قطار دوید. راننده‌ی قطار با دیدن آتش دانست که خطری در پیش است. ترمز را کشید و قطار از حرکت ایستاد. راننده و مسافرانش از قطار بیرون آمدند و با دیدن سنگ‌ها فهمیدند که فداکاری ریزعلی خواجوی جان آن‌ها را نجات داده است.

سپس آموزگار از دانش‌آموزان خواست دوباره داستان «دهقان فداکار» را بخوانند و به پرسش‌های زیر پاسخ دهند.

- نام شخصیت داستان چه بود؟
- این داستان در کجا اتّفاق افتاد؟
- این داستان در چه زمانی اتّفاق افتاد؟
- در آغاز داستان چه اتّفاقی می‌افتد؟
- در میانه‌ی داستان چه اتّفاقی می‌افتد؟
- در پایان داستان چه اتّفاقی می‌افتد؟

متن زیر را با دقّت بخوان و به پرسش‌ها پاسخ بده.

هنگام ظهر شیری در زیر درختی خوابیده بود. موشی از راه رسید و شروع کرد به بازی کردن با دُم او. شیر از خواب بیدار شد و با خشم موش را گرفت. موش با صدایی لرزان گفت: «ای شیر من را ببخش. اگر من را ببخشی، شاید من هم یک روز بتوانم به تو کمک کنم.»

شیر خنده‌اش گرفت. با خودش گفت: «این موش به من که سلطان جنگل هستم، چه کمکی می‌تواند بکند؟» ولی به هر حال موش را بخشید و آزاد کرد.

مدّتی گذشت و شیر به دام شکارچی‌ها افتاد. او هرچه تلاش کرد نتوانست خودش را نجات دهد. همان وقت موش رسید و بندهای دام را جوید و شیر را نجات داد.

- دور واژه‌هایی که شخصیت‌های این متن را نشان می‌دهند ◯ بکش.
- زیر واژه‌ای که زمان خواب شیر را نشان می‌دهد ——— بکش.
- دور واژه‌ای که به معنی عصبانی شدن است □ بکش.
- بالای واژه‌ای که ویژگی صدای موش را نشان می‌دهد ☆ بکش.
- زیر واژه‌ای که نشان می‌دهد شیر خودش را قوی‌ترین حیوان می‌داند ♡ بکش.

حالا همین واژه‌ها را در جدول زیر پیدا کن و دورشان خط بکش.

ح	ض	ل	ع	ر	ی	خ	م	ش	خ
ت	ر	ه	س	خ	ش	و	م	ش	ف
م	ن	ا	ز	ر	ل	گ	ذ	خ	ز
ک	ر	ی	ش	ی	ر	ر	ه	ظ	ک
چ	ل	گ	ن	ج	ن	ا	ط	ل	س

به تصویرها با دقّت نگاه کن. سپس جمله‌های هر کس را با توجّه به آنچه در متن خوانده‌ای، در ابرک‌ها بنویس.



جمله‌های زیر را به ترتیب اتّفاق‌هایی که در متن آمده است، شماره‌گذاری کن.

- پدربزرگ به محمّد نشان داد که پدرش دیگر از سفر برنمی‌گردد.
- محمّد تصمیم گرفت روزی همراه پدربزرگ پیش پدرش بروند.
- پدربزرگ قصّه‌ی پدر را برای محمّد تعریف می‌کرد.
- محمّد فهمید که پدرش به سفری طولانی رفته است.
- پدربزرگ به خاطر ندیدن پسرش غمگین بود.

متن زیر خلاصه‌ی «قصّه‌ی پدر» است. آن را با دقّت بخوان. ابتدا پاسخ پرسش‌ها را بنویس. سپس جدول را حل کن.

پدربزرگ محمّد، عبدالمطلب بود. او برای محمّد قصّه‌های قشنگی تعریف می‌کرد. یکی از این قصّه‌ها «قصّه‌ی پدر» نام داشت که محمّد آن را بیشتر از قصّه‌های دیگر پدربزرگ دوست داشت. این قصّه به ماجرای زندگی پدرش مربوط می‌شد. محمّد متوجّه شد که پدرش، عبدالله، از دنیا رفته است و دیگر او را نمی‌بیند.

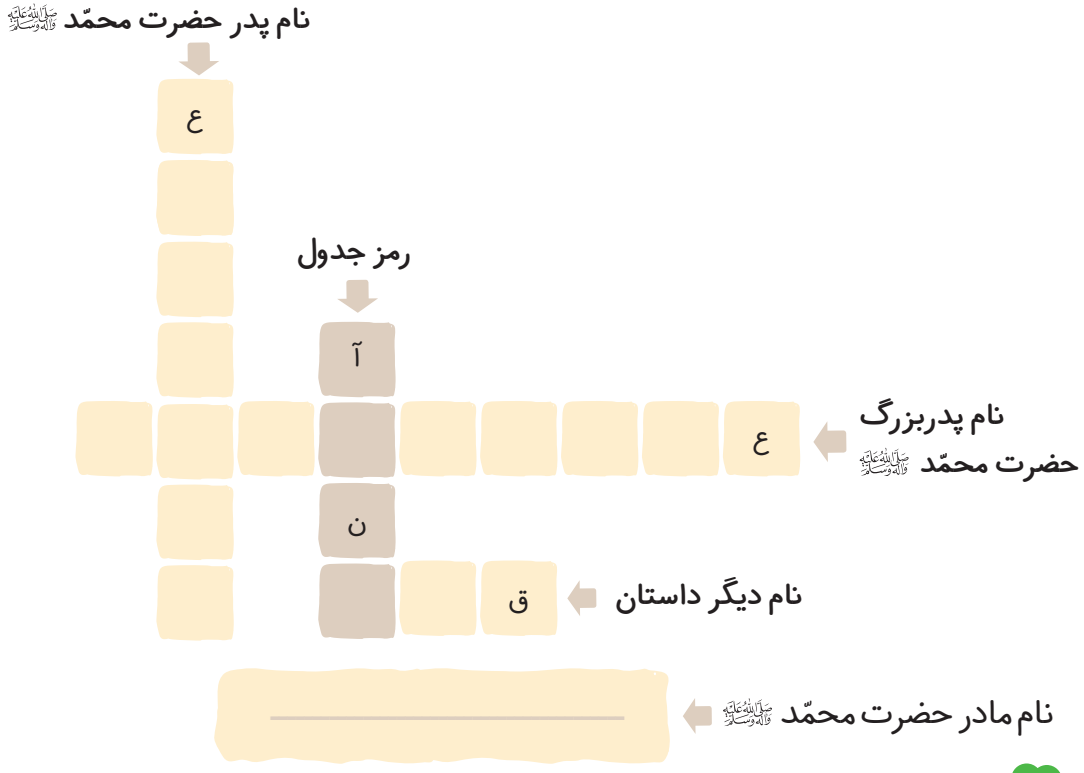
با توجّه به خلاصه‌ی متن، به پرسش‌های زیر پاسخ بده.

- او در جمله‌ی «او برای محمّد قصّه‌های قشنگی تعریف می‌کرد.» به چه کسی اشاره می‌کند؟

_____

- آن در جمله‌ی «محمّد آن را بیشتر از قصّه‌های دیگر پدربزرگ دوست داشت.» به چه چیزی اشاره می‌کند؟ _____

جدول زیر را کامل کن تا در ستون رمز جدول، نام مادر گرامی حضرت محمّد ﷺ به دست بیاید.



جدول زیر را کامل کن.

این واژه تو را یاد چه واژه‌های دیگری می‌اندازد؟	معنی این واژه را بنویس.
متنی بنویس که این واژه در آن به کار رفته باشد.	این واژه را با تصویر نشان بده.

پدربزرگ



یکی از کتاب‌هایی را که به صورت گروهی خوانده‌اید، انتخاب کنید و برای آن روزنامه‌دیواری گروهی بسازید. می‌توانید نمایشگاهی از این روزنامه‌دیواری‌ها داشته باشید.

شناسنامه‌ی کتاب

عنوان: _____

نام نویسنده: _____

ناشر: _____

تصویر جلد کتاب

معرّفی نویسنده

نویسنده‌ی این کتاب _____

نظر گروه در مورد کتاب

خلاصه‌ی کتاب

این داستان به ما یاد داد که

نام اعضای گروه



من در پایان درس .....

- چه چیزهایی یاد گرفته‌ام؟ .....

.....

.....

- چه کارهایی به من کمک کرد تا بهتر یاد بگیرم؟
(می‌توانی چند مورد را انتخاب کنی.)
  - ☐ دوباره خواندم.
  - ☐ تمرین کردم.
  - ☐ از کسی پرسیدم.
  - ☐ با دقّت فکر کردم.
  - ☐ برای کسی توضیح دادم.

  کاری دیگر: .....
- کدام قسمت درس برایم **جالب** بود؟ .....

.....

.....

.....

- چه کسی یا چه چیزی به من کمک کرد؟
  - ☐ آموزگارم
  - ☐ یکی از دوستانم
  - ☐ کتاب
  - ☐ خانواده
  - ☐ کسی یا چیزی دیگر: .....
- کدام قسمت درس برایم **دشوار** بود؟ .....

.....

.....

.....

- کار بعدی من چیست؟ .....

.....

.....

بازخورد آموزگار

کارت خیلی خوب بود، چون: .....

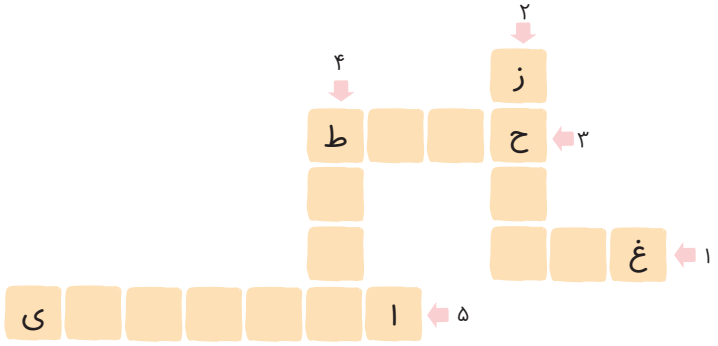
کمی بیشتر دقّت کن، چون: .....

برای بهتر شدن کارهایت می‌توانی: .....



۴ جدول زیر را با توجّه به تعریف واژه‌ها کامل کن. سپس از روی آن واژه‌ها بنویس.

۱. روی زمین، از یک پهلو به پهلوی دیگر چرخیدن
۲. در وضعیت سخت و نامناسب به سر بردن
۳. جایی که سقف ندارد و در پشت یا جلوی ساختمان قرار دارد و دور تا دورش دیوار یا نرده کشیده شده است.
۴. نخ‌های به هم تابیده که محکم و کلفت شده‌اند و برای بستن چیزهای مختلف استفاده می‌شود.
۵. هر چیزی که از جنس ابریشم باشد.



۴ یک بار از روی ترکیب‌های زیر بنویس. سپس یکی از آن‌ها را با نقّاشی نشان بده.

روی درختِ این سر حیاط

یک سر طناب و سر دیگر طناب

غلت زدن روی سبزه‌ها

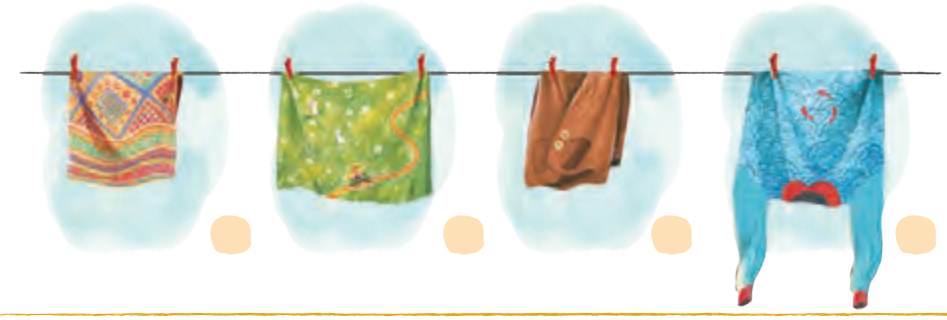
۴ واژه های زیر را با توجّه به حرف اوّل آن‌ها به ترتیب حروف الفبا بنویس.

حیاط، اَبریشم، رنگین‌کمان، خار، قهوه‌ای، جیب

ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه ی

۳ در کدام بخش داستان، ماجرای تماشای دریا آمده است؟ این بخش را بنویس.

۴ با توجّه به متن درس، با شماره نشان بده کرم درختی از روی کدام لباس‌ها رد شده است؟



۵ با توجّه به متن درس، جمله‌ها را کامل کن.

- کرم درختی با افسوس می‌گفت: «_____»
- کرم درختی با شادی گفت: «_____»
- کرم درختی با ناله گفت: «_____»
- کرم درختی با خوش‌حالی جواب داد: «_____»
- حالا این جمله را طوری بنویس که احساس دیگری از کرم درختی را نشان بدهد.
- کرم درختی با _____ گفت: «_____»

۴ در هر ردیف یک واژه با دو واژه‌ی دیگر ارتباط ندارد. روی آن ✗ بزن. سپس یک واژه از روی لباس انتخاب کن که با موضوع آن ردیف ارتباط داشته باشد. این واژه را در جای خالی بنویس.

۱	مهر	بهار	دی	
۲	پریدن	خزیدن	خوردن	
۳	گیوه	جوراب	چکمه	
۴	مثلّث	خانه	مربّع	
۵	سه	هفته	هفت	
۶	شنبه	سه‌شنبه	آبان	



موضوع‌های زیر را بخوان. هر کدام از این موضوع‌ها به کدام ردیف مربوط می‌شود؟ شماره‌ی آن را جلوی موضوع بنویس.

شکل‌ها		روش‌های حرکت	
ماه‌های سال		روزهای هفته	
انواع کفش		اعداد	

چهار واژه بنویس که به موضوع «**قسمت‌های خانه**» مربوط باشد:

۵ هنگام نوشتن متن زیر با رایانه، بعضی از واژه‌ها اشتباه نوشته شده است. آن‌ها را پیدا کن و درست آن را بالای واژه بنویس.

باد آرام وزید و طباب و لباس‌ها را از این سر دینا تا آن سر دنیا تکان داد. کرم درختی روی طفاب خزید و جلو رفت. به لباس سبز رسید، آن جا دشتی سزسبز بود؛ پر از سبره و گل‌های فشنگ. او می‌خواست روی سبزه‌ها غلت بزند و باری کند امّا باید به آن سر دنیا می‌رفت. او در حالی که آوار می‌خواند، از دشت گذشت و پیش رفت.

در متن درس برای اوّلین بار در کدام جمله با واژه‌ی «**طناب**» روبه‌رو شدی؟ این جمله را بنویس.

معنی «**طناب**» را بنویس.

در کدام یک از موقعیت‌های زیر واژه‌ی «**طناب**» نادرست به کار رفته است؟

- با دوستانم طناب بازی کردیم.
- مادرم دکمه‌ی پیراهنم را با طناب دوخت.
- دورتادور جعبه را با طناب بلندی بستیم.
- آرزو موهایش را با طناب بست.
- بابا گوشه‌های چادر را با طناب به میخ‌ها محکم بست.

به معنای **موج** توجّه کن:

به حرکت کم یا زیاد آب که بر اثر وزش باد به وجود می‌آید، **موج** می‌گویند.



با استفاده از فرهنگ زبان فارسی، معنای واژه‌ی **بیابان** را بنویس.

بیابان:

۴ در قسمتی از متن درس، کرم درختی به لباس قهوه‌ای می‌رسد، به زحمت می‌افتد، امّا نمی‌ایستد. این بخش را بخوان و بنویس.

۴ در متن درس خواندی که کرم درختی پیشنهاد پروانه را قبول نمی‌کند. فکر کن کرم درختی سرانجام می‌پذیرد بر کول پروانه سوار شود. گفت‌وگوی بین آن‌ها را بنویس.

- پروانه گفت: «می‌خواهی کولت کنم و به آن‌جا ببرم؟»
- کرم درختی گفت: «_____»
- پروانه گفت: «_____»
- کرم درختی گفت: «_____»
- پروانه گفت: «_____»

۴ هنگام نوشتن متن زیر، برخی از نشانه‌های نگارشی فراموش شده است. متن را با دقّت بخوان و نشانه‌های نگارشی مناسب را بگذار. سپس این متن را با متن کتاب مقایسه کن.

ناگهان همه جا تاریک شد کرم درختی با ناله گفت: وای افتادم

بالای سرش یک تکّه آسمان دید خوش‌حال شد و خودش را بالا کشید از جیب لباس بیرون آمد و دوباره راه افتاد کرم درختی به لباس ابریشمی رسید لباسی که مثل رنگین‌کمان رنگارنگ بود

پروانه‌ای آن‌جا می‌پرید تا کرم درختی را دید جلو آمد و گفت: سلام این جا چه کار می‌کنی

کرم درختی از سبزه‌زار، دریا، بیابان و رنگین‌کمان می‌گذرد. فرض کن کرم درختی در سفرش به جنگل می‌رسد. متن زیر را کامل کن و ادامه بده.

کرم درختی روی طناب خزید. به لباسِ

واژه‌ی مناسب را انتخاب کن و در جای خالی بنویس. (یک واژه اضافه است)

افسوس، زحمت، رنگارنگ، خزید، تکّه، غلت

- از دیدن پرهای _____ و زیبای طاووس لذّت بردم.
- امید روی چمن‌های سبز _____ می‌زد و می‌خندید.
- آسمان به قدری صاف بود که یک _____ ابر هم در آن وجود نداشت.
- مار سبز رنگی روی زمین _____ و بین بوته‌ها پنهان شد.
- کوه‌نوردان با _____ زیاد خود را به قلّه‌ی کوه دماوند رساندند.

از نظر کرم درختی این سر دنیا تا آن سر دنیا، از این سر حیاط تا آن سر حیاط است. برای تو، این سر دنیا تا آن سر دنیا، از کجا تا کجاست؟ آن را با نقّاشی نشان بده.

۴ دریکی‌ازبخش‌های‌داستان،بادتندترشدوکرم‌درختی‌درجایی‌تاریک‌افتادونالید.این‌بخش‌رابخوان‌وبنویس.

۵ واژه‌ی مناسب را انتخاب کن و در جای خالی بنویس.

سوخت، آتش، تصمیم، خاموش، علف‌های، منقار، سرسبز

در جنگلی _____ پرنده‌ای به نام چَک‌چَک زندگی می‌کرد. او عاشق جنگلش بود. روزی در گرمای تابستان _____ خشک جنگل آتش گرفت. جانوران از ترس فرار کردند، امّا چک‌چک _____ دیگری گرفت. او خود را به رودخانه رساند، _____ کوچکش را از آب پر کرد و قطره‌ها را روی آتش ریخت.

او آن‌قدر به این کار ادامه داد تا نوک بال‌های کوچکش _____ . جانوران جنگل به چک‌چک می‌گفتند که کارش بی‌فایده است، امّا او جواب می‌داد: «مهم نیست که آتش خاموش می‌شود یا نه، سهم من در خاموش کردن _____ همین‌قدر است.»

فرشته‌ها وقتی مهربانی چک‌چک را دیدند، باران را فرستادند. باران آتش را _____ کرد و جنگل دوباره آرام و زیبا شد.

۶ تصویر را با دقّت ببین. سپس چند پرسش مربوط با آن بنویس.



۴ ابتدا به این تصویر خوب نگاه کن. بعد به داستانی درباره‌ی یکی از آدم‌های داخل تصویر فکر کن.



آدم هایی که در این تصویر می‌بینی، ممکن است شخصیت‌های داستان تو باشند. برای آن‌ها نام انتخاب کن.

- این آدم‌ها کجا هستند؟ (چند ویژگی برای این مکان بنویس.)
- در این مکان چه چیزهایی می‌بینی؟
- در این مکان چه صداهایی می‌شنوی؟
- در این مکان چه بوهایی حس می‌کنی؟

۳ دوباره به تصویر صفحه‌ی قبل خوب نگاه کن. حالا داستانی را که در ذهنت ساخته‌ای بنویس. سپس عنوانی برایش انتخاب کن.

عنوان داستان:

آغاز داستان:

میانه‌ی داستان:

پایان داستان:

یک بار دیگر داستانت را بخوان. سپس به پاسخ پرسش‌های زیر فکر کن و داستان را کامل‌تر کن.

پرسش‌هایی که باید بعد از نوشتن داستان به ترتیب از خودم بپرسم:

۱
آیا اتّفاق‌های داستان به ترتیب و پشت سر هم آمده‌اند؟

۲
آیا واژه‌هایی به کار برده‌ام که ویژگی‌های مکان، چیزها، صداها، بوها و... را نشان بدهند؟

۳
آیا املای واژه‌ها درست هستند؟

۴
آیا نشانه‌های نگارشی را درست به کار برده‌ام؟

۵
آیا داستانم جالب و لذّت‌بخش است؟

در پایان داستان، کرم درختی به آرزویش می‌رسد. این بخش را بخوان و بنویس.

هر دسته از حروف به هم‌ریخته‌ی زیر به واژه‌ای در متن درس مربوط می‌شود. این واژه‌ها را پیدا کن و بنویس.

ا ش ب ر م ی	ن گ ر م ن ی ن ک ا	ا خ ش ل ح و

متنی کوتاه بنویس که این سه واژه در آن باشد.

جمله‌های زیر را به ترتیب اتّفاق‌هایی که در متن آمده است، شماره‌گذاری کن.

- کرم درختی می‌خواست خودش را به درخت آن سر حیاط برساند.
- کرم درختی توانست خودش را به درخت آن سر حیاط برساند.
- کرم درختی روی طناب خزید و جلو رفت.
- یک کرم درختی روی درختی زندگی می‌کرد.
- روزی زنی طنابی را بین دو تا درخت بست تا لباس‌ها را رویش پهن کند.

۳ متن زیر خلاصه‌ی بسیار کوتاه «این سر دنیا، آن سر دنیا» است. جزئیات زیادی در این خلاصه حذف شده است. این خلاصه را با دقّت بخوان. سپس فعّالیت مربوط به آن را انجام بده.

یک کرم درختی روی درختی زندگی می‌کرد که می‌خواست خودش را به درخت آن سر حیاط برساند. وقتی زنی طنابی را بین دو تا درخت بست، کرم درختی توانست خودش را به درخت آن سر حیاط برساند.

۴ شکل هر دو تا درخت این سر و آن سر حیاط را بکش. طناب بین دو درخت را با لباس‌هایی که روی آن‌ها پهن شده به نقّاشی اضافه کن. حواست باشد که لباس‌ها را به همان ترتیبی بکشی که کرم درختی از روی آن‌ها رد شد. یادت باشد یکی از لباس‌ها جیب داشت.

۵ کرم درختی این داستان را در حالت‌های زیر نقّاشی کن.

کرم درختی
در حال افسوس خوردن

کرم درختی
شاد و خوش‌حال

کرم درختی
در حال ناله کردن

۴ جدول زیر را کامل کن.

این واژه تو را یاد چه واژه‌های دیگری می‌اندازد؟	معنی این واژه را بنویس.
متنی بنویس که این واژه در آن به کار رفته باشد.	این واژه را با تصویر نشان بده.

حیاط



با توجّه به دفتر کتاب‌خوانی خودت به پرسش‌های زیر پاسخ بده.

- چه نامی برای دفتر کتاب‌خوانی‌ات انتخاب کردی؟
- روی جلدش چه تصویری کشیدی؟
- نام اوّلین کتابی که در دفترت یادداشت کردی، چه بود؟

نام کتاب:

- اگر بخواهی اطّلاعات جدیدی به این دفتر اضافه کنی، چه چیزی اضافه می‌کنی؟

فکر می‌کنی وقتی این دفتر پر شد، با دیدن آن چه احساسی پیدا کنی؟

خوش‌حال می‌شوم.	یاد کتاب‌های خوبی می‌افتم که خوانده‌ام.
به خودم افتخار می‌کنم.	دوباره بعضی از آن کتاب‌ها را می‌خوانم.



من در پایان درس

- چه چیزهایی یاد گرفته‌ام؟

- چه کارهایی به من کمک کرد تا بهتر یاد بگیرم؟
(می‌توانی چند مورد را انتخاب کنی.)
  - ☐ دوباره خواندم.
  - ☐ تمرین کردم.
  - ☐ از کسی پرسیدم.
  - ☐ با دقّت فکر کردم.
  - ☐ برای کسی توضیح دادم.
  - کاری دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **جالب** بود؟

- چه کسی یا چه چیزی به من کمک کرد؟
  - ☐ آموزگارم
  - ☐ یکی از دوستانم
  - ☐ کتاب
  - ☐ خانواده
  - کسی یا چیزی دیگر:

- کدام قسمت درس برایم **دشوار** بود؟

- کار بعدی من چیست؟

بازخورد آموزگار

کارت خیلی خوب بود، چون:

کمی بیشتر دقّت کن، چون:

برای بهتر شدن کارهایت می‌توانی:



درس یازدهم

اطّلاعاتی که در مورد رنگین‌کمان از قبل می‌دانستم:

تعریف رنگین‌کمان در فرهنگ زبان فارسی مخصوص کودکان:

شکل رنگین‌کمان در خیال من:

می‌خواهم با پرسش کردن، اطّلاعات تازه‌ای درباره‌ی رنگین‌کمان جمع‌آوری کنم.



برای این که بیشتر درباره‌ی رنگین‌کمان بدانم، ابتدا سراغ کتاب‌های خودم در خانه رفتم. شاید کتاب یا کتاب‌هایی داشته باشم که در آن‌ها اطّلاعاتی درباره‌ی رنگین‌کمان پیدا کنم!

پرسش‌های من درباره‌ی رنگین‌کمان:

۱. رنگین‌کمان چه رنگ‌هایی دارد؟

۲.

۳.

۴.

کتاب‌هایی که در خانه پیدا کردم:

۱.

۲.

۳.

۴.

برای این که باز هم بیشتر درباره‌ی رنگین‌کمان بدانم، سراغ کتاب‌خانه‌ی مدرسه و کتاب‌خانه‌ی مسجد و محلّه‌مان رفتم. من از کتاب‌دار خواستم کتاب جدیدی در این باره به من معرّفی کند.

کتاب‌هایی که در کتاب‌خانه‌ی مدرسه، مسجد و محلّه‌مان پیدا کردم:



این بار سراغ یک کتاب‌فروشی رفتم و از کتاب‌فروش خواستم کتاب‌های جدیدی به من معرّفی کند که در آن‌ها اطّلاعاتی درباره‌ی رنگین‌کمان باشد.

کتاب‌هایی که در کتاب‌فروشی پیدا کردم:



کتاب‌هایی را که تهیه کرده‌ام، خواندم و اطّلاعات جدیدی درباره‌ی رنگین‌کمان به دست آوردم.

اطّلاعاتی که درباره‌ی رنگین‌کمان به‌دست آوردم:

با راهنمایی آموزگار فهمیدم که می‌توانم فیلم‌های علمی مناسبی ببینم و از طریق آن‌ها هم اطّلاعات تازه‌ای به دست بیاورم.

به کمک یک بزرگ‌تر، در اینترنت جست‌وجو کردم و فیلم علمی مناسبی درباره‌ی رنگین کمان پیدا کردم. این فیلم را دو بار با دقّت دیدم. بار سوم، هر جا که به نکته‌ی تازه و جالبی برمی‌خوردم، فیلم را نگه می‌داشتم و اطّلاع تازه را یادداشت می‌کردم.

نکته‌های جالب و جدیدی که با دیدن فیلم متوجّه شدم:



نام چند فیلم دیگر که در اینترنت موجود بود و به موضوع رنگین کمان مربوط می‌شد، امّا آن‌ها را مشاهده نکرده‌ام:



می‌خواهم به کمک اطّلاعات قبلی و اطّلاعات تازه‌ای که به دست آورده‌ام، متن ساده و کوتاهی درباره‌ی رنگین‌کمان بنویسم.

نام و نام خانوادگی: _____ تاریخ: _____

نام موضوع: رنگین‌کمان

تعریف رنگین‌کمان:

چگونه رنگین‌کمان تشکیل می‌شود؟

احساس من درباره‌ی رنگین‌کمان:



با جانوران ایرانی بیشتر آشنا شوید:



زاغ‌بور

پرنده‌ای زیرک و زیبا با پرهایی به رنگ کِرِم و قهوه‌ای که در کویر زندگی می‌کند. او صدای خوبی دارد و عاشق دویدن روی زمین است.



عقاب ایرانی

عقاب‌های ایران، پادشاهان آسمان هستند. آن‌ها با چشمانی تیزبین و پنجه‌هایی قوی، به شکار در کوه‌ها و دشت‌ها می‌پردازند.



گوزن زرد

گوزن زرد ایرانی جانوری زیبا با بدن قهوه‌ای و خال‌های سفید است که در حاشیه‌ی رودخانه‌ی کرخه زندگی می‌کند.



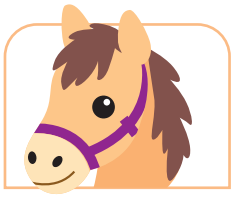
جیجاق

جیجاق پرنده‌ای رنگارنگ و بسیار باهوش است. او با پنهان کردن دانه‌های بلوط در خاک، به رویش جنگل‌های جدید کمک می‌کند.



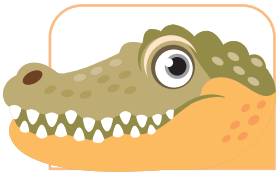
هما

پرنده‌ای شگفت‌انگیز که در کوه‌ها پرواز می‌کند و با خوردن استخوان، طبیعت را پاکیزه و سالم نگه می‌دارد.



اسبچه‌ی خزر

اسبچه‌ی خزر در شمال ایران زندگی می‌کند. این اسب بدنی کوچک و قوی دارد و بسیار باهوش و نجیب است.



گاندو

تمساحی آرام و خجالتی، با پوزه‌ی کوتاه و دندان‌های تیز است که در رودخانه‌ها و برکه‌های استان سیستان و بلوچستان زندگی می‌کند.



صدف دو کفه‌ای

جانوری‌ست که در آب زندگی می‌کند پوسته‌های سخت او، محافظ بدن نرمش است. او با خوردن موجودات ریز، آب را پاکیزه می‌کند.



یوزپلنگ

از کم‌یاب‌ترین جانوران ایرانی که با خط‌های سیاهِ صورتش، مانند این است که عینک آفتابی زده. بدنی باریک و پاهایی نیرومند دارد و می‌تواند با سرعت زیادی بدود.



پروانه‌ی لرستانک

این پروانه‌های رنگارنگ زاگرس، میان گل‌های کوهستان پرواز می‌کنند. آن‌ها با جابه‌جا کردن گرده‌های گل، به طبیعت کمک می‌کنند.



یله‌مار

از مارهای نیمه‌سمی ایران است. این مار بدنی دراز و باریک دارد که با حرکتی سریع در دشت‌ها می‌خزد. او با شکار موش به کشاورزان کمک می‌کند.



خرس قهوه‌ای

خرس قهوه‌ای، غول مهربان کوهستان‌ها و عاشق میوه‌هاست. او با پراکنده کردن بذر گیاهان در طبیعت، به رشد دوباره جنگل‌ها کمک می‌کند.